
مصلح نوزاد

از آغاز دوران غیبت کبری تا کنون اندیشمندان دینی در حالی رهبری مردم به سوی چشمه هدایت را به عهده گرفته اند که قدرتمندان همواره بر طبقه زیر دست خویش ستم روا داشته اند. قدرتمندانی که باطل را با ظاهری حق نما آراسته و جوامع را به سوی بی عدالتی و دنیا پرستی سوق داده اند.

عالمان اصلاح طلب نیز در مقابل این سلطه ظالمانه مسئولیت تفکیک حق از باطل را بر عهده گرفته اند.

این مصلحان در جهات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... قیام کرده و اصلاح گر جامعه خویش شده اند. البته اندیشمندانی نیز بوده و هستند که در ابعاد فراگیر مصلح شناخته می شوند که نمونه روشن آن را می توان در شخصیت کم نظیر امام خمینی (قدس سره) و افرادی همانند سید جمال الدین اسد آبادی و اقبال لاهوری یافت.

بی گمان ارزش و تأثیر گذاری انقلاب مصلحان نیز آنگاه روشن خواهد شد که بدانیم آنان زمینه سازان واقعی قیام بزرگ امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، برای اصلاح کامل جامعه بشری هستند.

در تاریخ معاصر کشور ما یکی از اندیشمندانی که با قلم خویش در اصلاح ساختار فرهنگی جامعه بر پایه ترویج مبانی اسلام ناب و در زمره پیشروان نهضت اسلامی^(۱) قرار گرفته است، مرحوم استاد سید غلام رضا سعیدی بیرجندی است. شخصیت کم نظیری که با

تسلط و آشنایی به زبانهای «عربی، انگلیسی، فرانسه و اردو»^(۲) «در زمانی که طاقت بستر مناسب برای ابتدال نویسان را فراهم می کرد، به خلق آثار قلمی پرداخت.

صفحه ۱۴

مقام معظم رهبری با واژه هایی مانند: عنصر صدیق، دلسوز، خدمتگزار اسلام، از پیشروان نهضت اسلامی، انسان وارسته، پاکدامن، متواضع، غیور، مبارز و^(۳) «...شخصیت برجسته استاد را معرفی می نماید و به نظر می رسد آگاهی جوانان با آثار و افکار استاد که از پیشروان نهضت اسلامی است، یکی از نیازهای فرهنگی جامعه امروز ماست.

آگاهی، احساس وظیفه و تعهد کم نظیر دستمایه های اصلی استاد بود که توانست آثار وی را فراموش نشدنی سازد. تا آنجا که برخی آثار او پس از گذشت حدود سه دهه از تألیف آن نه تنها طراوت و شادابی خود را حفظ کرده اند، بلکه نیاز به نشر مجدد را می طلبند. از جمله این کتابهای شایسته «فریاد فلسطین و حریق مسجد الاقصی» است که در زمره کارهای بزرگ سیاسی، فرهنگی استاد به شمار می رود.

«فریاد فلسطین» ... شامل مباحث مهمی است از قبیل آرزوهای خطرناک اسرائیل و آتش سوزی مسجد الاقصی که به نام روز اقصی و توسط کنفرانس اسلامی به عنوان روز عزای اعلام شد.

در مقدمه کتاب که تاریخی فروردین ۱۳۵۰ ثبت شده، استاد می نویسد: «یکی از قوی ترین موجباتی که در میان ملت های اسلامی جدایی به وجود آورد نغمه ناسیونالیسم یا ملت پرستی بود که از اروپا سرچشمه گرفت.

مفهوم ناسیونالیسم پس از چند قرن خرابی و لطمه ای که به وجود آورد، مبدل به کلمه «انترناسیونالیسم» گردید. خوشبختانه ملت های متنوع اسلام در برابر آرزوهای تازه بشریت، یعنی مفهوم «انترناسیونالیسم» به

زنده کردن معنای بفند ورسای امت پرداخته و رهبران دل آگاه همه ملت‌های اسلامی می
کوشند تا از نو در پناه «توحید» عنوان مقدس «اخوت اسلامی» را زنده

صفحه ۱۵

کنند .

از آغاز قرن ۱۴ هجری این آرزوهای شیرین هدف مطلوب متفکران جهان اسلام واقع شد
و در این راه تلاش‌ها کردند ولی قدرت استعمال و سیطره نیروهای اروپایی در متلهای شرق
مجال نداد تا به این آرزوی شیرین جامعه عمل بپوشانند... تا اینکه پس از وقوع فاجعه حریق
مسجد الاقصی (که قلوب همه مسلمانان را جریحه دار ساخت و دشمنان بشریت به معبد
عظیم قبله اولای اسلام اهانتی روا داشتند) (اولین کنفرانس برای التیام این جراحت که بر پیکر
اسلام وارد آمده و سپس به منظور ادامه همکاری در زمینه های مختلف جلساتی در شهر
رابط تشکیل شد^(۴)...)»

استاد سید غلامرضا سعیدی که در سال ۱۳۱۴ ه ق ؛ مطابق با ۱۲۷۶ ه.ش^(۵) در روستای
نوزاد مؤمن آباد بیرجند به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در زادگاه و شهر بیرجند سپری کرد
و به قول خود «از سال ۱۳۲۰ ش یکسره تهرانی شد.»

پس از سالهای ۱۳۲۰ ه.ش در صحنه فرهنگ ایران به طور محسوسی ظهور می یابد. و
با تألیف آثار ارزنده خوب می درخشد. حتی آثارش در کشور الجزایر ترجمه شده و در روند
مبارزات مردم الجزایر تأثیر بسیار بر جای می گذارد^(۶).

آثارش در افغانستان نیز طرفداران زیادی پیدا می کند تا آنجا که در خاطرات استاد می
خوانیم : روزی سید ضیاء الدین به من گفت: شاه پس از دیدار با ظاهر شاه، از او شنیده است
که آثار فارسی شما در افغانستان خوانندگان زیادی دارد و مایل است شما را ببیند و من در

بادي امر، اين ديدار را پذيرفتم، ولي روزي كه سيد ضياء الدين به من خبر داد كه در فلان تاريخ

صفحه ۱۶

بايد به ديدار شاه برويم، ناگهان جرقه اي در روم زد و با خود گفتم: مرا با شاه چه كار؟
پست و مقام دنيا كه نمي خواهم، آخرت هم كه به دست او نيست و تاهز به اصطلاح
«شرفياب» شدم، بايد به او تعظيم كنم و آن وقت در پيش جدم شرمسار خواهم شد كه
سعدي، در برابر ناسيدي به تعظيم پرداختي؟ و شعر اقبال باز به دادم رسيد كه:

گوهری داشت ولی نذر قباد و جم کرد آدم از بی بصری بندگی آدم کرد
من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم یعنی از خوی غلامی ز سگان پست تر
کرد است

به خود نهیب زدم، گوهر سیادت را نذر قباد و جم نمي كنم و به سيد ضياء الدين اطلاع
دادم كه از شرفيائي معذورم و نرفتم^(۷).

استاد سعدي و اقبال لاهوري

استاد سعدي تعدادي از آثار اقبال لاهوري را ترجمه كرد و در بسياري از افكار خود
تحت تأثير وي قرار گرفته. او كه خود از اقبال شناسان ايراني است، مي گويد: اقبال بنده را از
غربزدگي نجات داد و گفت:

درون سينه او نغمه نيست فرياد است^(۸) بيا كه ساز فرنگ از نوا در افتاد است

...خدا بر درجات اقبال بيفزاید. همانجور كه او به ملاي رومي مي گويد: مرشد من
اوست، بنده هم با افتخار تمام بايد عرض كنم كه اقبال حقي بزرگ؛ بيش از هر كس ديگر به
گردن من دارد. البته معلمين و پدران فكري ما خيلي زياد بودند ولي بني شكسته خورده و
ترك برداشته را اقبال محكم و سيمان

کاري کرد .

من به اقبال از این زاویه نگاه مي کنم. خود او ميگويد:

پرواي ملامتي ندارم جز عشق حکايتي ندارم

سوزم گريم تيم گدازم از جلوه علم بي نيازم

يا اينکه:

خرد چون سوز پيدا کرد دل شد چه مي پرسي ميان سينه دل چيست

چو يکدم از تپش افتاد گل شد دل از ذوق تپش دل بود، ليکن

استاد سعیدی و احمد کسروي

حجت الاسلام والمسلمين سيد هادي خسرو شاهي به نقل از استاد سعیدی مي نويسد:
در سال ۱۳۱۲ ه. ش در روزنامه «شفق سرخ» مقالاتي بر ضد اروپايي گري به قلم احمد کسروي خواندم که بسيار براي جالب بود. از بيرجند نامه اي به وي نوشتم و تأکيد نمودم که براي نشر اين قبيل اندیشه ها، بايد نشریه يا مجله اي مستقل منتشر گردد. کسروي در پاسخ ضمن ارسال يکي دو تا از کتابهايش، نوشت که به زودي مجله «پيمان» را منتشر خواهد ساخت و از من هم دعوت به همکاري کرد. پيمان در سال ۱۳۱۳ منتشر شد و من هم مقالاتي در زمينه هاي اسلامي، ترجمه و براي آن مي فرستادم که چاپ مي شد، تا آنکه من به تهران آمدم و او عاشقانه از اسلام صحبت مي کرد و يك بار هم مرا براي افطار دعتو کرد، اما وقتي دو سال بعد انحرافاتي در مجله پيمان و پرچم و نشریات وي ديدم، روزي به سراغ وي رفتم و پس از مباحثاتي که ديدم

تأثیری ندارد، به او اخطار کردم که «هذا فراق بینی و بینک» ... عضویت در انجمن علمی سلطنتی لندن، انجمن پطروگراد و انجمن علمی واشنگتن، او را سخت مغرور کرد، شذوذاتی هم خود داشت که دچار آن انحراف بزرگ شد و آن ظلم را بر اسلام و تشیع روا داشت و خداوند پیامرزد نواث صفوی را که جواب مردانه به او داد و او را از سر راه اسلام برداشت. چون واقعا راه دیگری براس اصلاح باقی نمانده بود. چقدر مرحوم حاج سراج انصاری و خود مرحوم نواب و دیگران با او بحث کردند، فایده نداشت و اگر کروی مانده بوده در افساد نسل جوان نقش خاصی را ایفا می کرد که خوشبختانه چنین نشد^(۹)

استاد سید غلامرضا سعیدی پس از عمری تلاش در راه تبلیغ و تبیین معارف اسلامی و با بر جای نهادن آثار ارزشمند و ماندگار، شمع وجودش به خاموشی گرایید و جامعه فرهنگی ما، یکی از خدمتگزاران صدیق خویش را از دست داد. البته نور افشانی آثار استاد سعیدی که نتیجه یک عمر تلاش و تکاپو در عرصه اندیشه دینی است و ایشان را در زمره نویسندگان دردمند و متعهد اسلام قرار داده، برای همیشه جویندگان حقیقت را راهما خواهد بود.

پس از درگذشت استاد سعیدی، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مقام معظم رهبری که در آن زمان رئیس جمهوری اسلامی ایران بود، پیامی بدین شرح منتشر کرد.

صفحه ۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت نویسنده و مترجم نامدار مرحوم آقای سید غلام رضا سعیدی را به بازماندگان و دوستان و ارادتمندان ایشان و به جامعه علمی و فرهنگی کشور، تسلیت می گویم.

این عنصر صدیق و دلسوز و خدمتگزار اسلام، در طول سالهای با برکت عمر خویش، با فحص و تحقیق و نگارش و ترجمه، آثاری پدید آورد که بی شک در نشر افکار نوین اسلامی، دارای تأثیر بود و به خاطر همین آثار است که حقا باید او را در زمره پیشروان نهضت اسلامی

در ایران شمرد. او همچنین انسانی وارسته و پاکدامن و متواضع و غیور و مبارز بود. به مسائل جهان اسلامی اهتمام می ورزید و در راه تشکیل نظام اسلامی تلاش فرهنگی ارزنده ای می کرد. عمر طولانی و پر برکت و پر ماجرای او با پاکي و پاکدامني سپري شد، پاک ريست و پاک به جوار الهي پر گشود، رحمت خدا بر او و ياد او گرامي باشد .

سيد علي خامنه اي،

رئيس جمهوري اسلامي ايران،

۲۴ آذرماه ۱۳۷۶ تهران

بر سنگ مزار این نویسنده بزرگ قطعه شعري از آقاي دکتر سيد جعفر شهيدی داماد استاد سعیدی نگاشته شده است که چنین است .

سالياني درس دين در مكتب اسلام خواند اوستاد ماسعیدی، عالمي فرزانه بود

صفحه ۲۰

توسن فکرت مگر در راه حق هرگز نراند
خامه اش جز در ره ارشاد بر کاغد
نرفت

نور دانش بر هزاران طالب معني فشاند تا به قرب صد، به پاکي برد عمري را بر
قامتش را چون گراني محنت گيتي خماند چون ز کج بازي دوران بد بسي افسرده
دل

پيك حق، دعوت به آذر مه به گوش او ز آسمانش دعوتي آمد كه مشتاق
رساند تويم

بر گرفت و رخت را تا «جنة المأوي»
از خراب آباد دنيا لاجرم يك باره دل
کشاند

کاو ناگه این چنین خود را ز جمع ما جای او خالی چو دیدم می نبود
رهاند باورم
چند می جویی زمن او را «دریغا او جستجو می کردمش ناگه سرش غیب
نماند» گفت

سیری در آثار و افکار استاد سعیدی

۱۳۲۲ هجری شمسی

در این سال کتاب «اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن تألیف دکتر عبدالعزیز اسماعیل پاشا توسط استاد ترجمه شد، تاریخ مقدمه کتاب بدین صورت است؛ تهران، آذر ماه ۱۳۲۲ ذی حجه ۱۳۶۲ در مقدمه کتاب، برای معرفی آن چنین آمده است علاوه از بحث در آنچه

صفحه ۲۱

نام کتاب بدان ناطق است موضوعات مهم دیگری از قبیل اسرار وضو و روزه و مضرات شراب بحث کرده است .

سال ۱۳۲۶ هجری شمسی

در این سال کتاب «پاکستان» توسط استاد نگارش یافت. تاریخ مقدمه کتاب چنین است: تهران ۱۰ آبان ۱۳۲۶، ۱۸ ذی حجه ۱۳۶۶ .

در مقدمه چنین آمده است: «نگارنده با توجه به سابقه نفوذ ممتد تاریخی مسلمین در هندوستان، تقریباً ۲۵ سال پیش هنگام برخورد با نمونه هایی از آثار صنعتی و ادبی دوران درخشان حکومت اسلامی در موزه دهلی قطرات. اشکی فرو ریخته و بر فتای آن همه عظمت و زیبایی شرقی ندبه ها کرده و عقده هایی در دل گرفته است .

اینک به شکرانه اینکه خوشبختانه توده ای از مسلمین آزادی از دست رفته خود را بدست می آورند و حکومتی به نام پاکستان تأسیس می نمایند، این کتاب را معرف مطاعه... قرار می دهیم^(۱۰)»

سال ۱۳۳۴ هجری شمسی

کتاب «غذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن»

تألیف: جان دیون پورت ترجمه استاد این کتاب در سال ۱۳۳۸ به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شد.

استاد در مقدمه آن که در اردیبهشت سال ۱۳۳۴ نگارش یافته، چنین آورده است، جان دیوت پورت، داشمند گرانمایه انگلیسی بعد از توماس کارلیل (تا جایی که نگارنده اطلاع دارد) بصیرترین و دقیق ترین و

صفحه ۲۲

منصف ترین محقق است که با فکری روشن و قلبی پاک، خالی از شوائب تعصب... با کمال قدرت و جوانمردی از اسلام و شارع مقدس آن فاضلانه دفاع کرده است و این محقق عالی مقام قطعاً مشمول همان مضمونی است که خدای متعال مفاداً در قرآن مجید فرمود «اگر آن ها در برابر نعمت تعلیمات اسلامی نا سپاسی کنند، اقوام دیگری را برای آن می گماریم که به این نعمت کفران نورزند»^(۱۱)»

سال ۱۳۳۵ هجری شمسی

«جنگ و صلح در قانون اسلام» تألیف: دکتر مجید خدوری ترجمه استاد سعیدی.
«خطر جهود برای اسلام و ایران» که این کتاب از جمله کارهای فرهنگی و سیاسی استاد است.

شرمندگی اسدالله علم

استاد سعیدی در خاطرات خود درباره کتاب «خطر جهود برای جهان اسلام و ایران» می نویسد: وقتی آن را نوشتم و چاپ شد، توسط ساواک تحت تعقیب قرار گرفتم. اسداله علم که در مدرسه «شوکتیه» بیرجند، چند صباحی شاگرد من بود، به سراغم آمد و از من خواست که دیگر درباره جهود (یهود) حرفی نزنم و من به او گفتم: من انتظار داشتم که در کشورم آزادانه بتوانم از خطراتی که ما را تهدید می کند، سخن بگویم و اگر امیر شوکت المملک بوده، شاید چنین شرطی به من پیشنهاد نمی کرد و علم شرمسار شد و گفت: مشکلات ما را که می دایند؟^(۱۲)

صفحه ۲۳

در مقدمه این کتاب که در تهران مورخه ۱۴ دی ماه ۱۳۳۵ هجری شمسی رقم خورده است، می خوانیم: «تشکیل این دولت غارتگر به وسیله خطرناکترین عناصر قوم عنود و لجوج به نام «صهیونیست» نه فقط فاجعه ای است که جهان اسلام را سوگوار نموده است؛ بلکه بلیه ای بشری و مخمضه ای است که برای جهان انسانیت به صورت علاج ناپذیری درآمده است»

کتاب دیگری که محصول این سال بود و در ۷ آذر مقدمه آن رقم خورده است، «جنگ و صلح در قانون اسلام» است استاد در مقدمه آن چنین می آورد: «محتویات این تألیف با توجه به آن همه مآخذ و مدارکی که مؤلف مورد استناد قرار داده است، در حکم یک منحنی دقیق و روشنی است که در طی چهارده قرن صورت گرفته است.

۱۳۳۶ هجری شمسی

«رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در میدان جنگ»
تألیف: پرفسور دکتر محمد حمیدالله، ترجمه: استاد سعیدی.

استاد در مقدمه آن به تاریخ ۱۳۳۶ / ۱۲ / ۲۰ چنین نوشته است «... غلبه مشتی مظلوم بر گروهی ظالم و ستمکار در مدتی کوتاه از این لحاظ مورد اعجاب است که فرمانده کل قوای اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فقط در معرکه بدر دست تضرع و دعا به آسمان بلند کرد و با راز و نیاز از قدرت لایزال الهی استمداد نمود. ولی در سایر موارد با فکر و اندیشه و درایت و بصیرت و با شور و مشورت و زحمت و مشقت و طرح نقشه جنگی دقیق، آن همه موفقیت احراز کرد و راه اصلاح را به روی همه گشود، تا پیروان حضرتش با توجه به این سابقه بتوانند این طریق را دیده و دانسته طی کنند و نگویند «او پیغمبر بود و توانست و ما

صفحه ۲۴

نمی توانیم، آری به «قاب قوسین» آن را برد خدای که او سبک شمارد در چشم خویش وحشت غار ...

محقق عالی مقام؛ دکتر محمد حمیدالله این اثر ابتکاری را در طی سه سفر به حجاز تهیه کرده بود (۱۳)

سال ۱۳۳۷ هجری شمسی

«پیشرفت سریع اسلام»

مؤلف: دکتر لورا واکسیا واکلیری

ترجمه: استاد سعیدی. استاد در مقدمه، درباره کتاب و مؤلف آن نوشته است: «صرف نظر از تحقیقات فاضلانه و منصفانه ای که در تنظیم این رسانه محسوس و مشهور است، این معنی بسی جالب است که در یکی از مهمترین مراکز علمی کاتولیکی (ایتالیا) به وجود آمده و باز این نکته بر اهمیت آن می افزاید که پرفسور نامبرده، خانمی است مسیحی و محقق، و ای کاش خانم های تحصیل کرده ایرانی به خانم عالی قدر تأسی کرده و از معارف قرآنی به حد کافی بهره مند گردند (۱۴)

سال ۱۳۳۸ هجری شمسی

اقبال شناسی، هنر و اندیشه علامه دکتر محمد اقبال مقدمه این کتاب به تاریخ اسفند ماه ۱۳۳۸ ش، رمضان المبارک ۱۳۷۹ هجری قمری در تهران ثبت شده است .

صفحه ۲۵

سال ۱۳۳۹ هجری شمسی

«زندگانی حضرت محمد» یا بزرگترین مرد تاریخ جهان

«تاریخ مقدمه این کتاب اسفند ماه ۱۳۳۹، مطابق با رمضان المبارک ۱۳۸۰ هجری قمری است، استاد کتاب را به سبک رسانه ای که به زبان انگلیسی بوده، با تصرفانی مختصر ترجمه کرده است، مخاطب وی در این کتاب کودکان هستند، به همین خاطر کتاب را به سبکی روان ترجمه نموده است» (۱۵)

سال ۱۳۴۰ هجری شمسی

«برنامه انقلاب اسلامی»

تألیف: علامه شهیر سید ابوالاعلی مودودی .

در اسفند ماه ۱۳۴۰، مطابق ۱۳۸۱ هجری قمری در تهران مقدمه آن رقم خورده است .
استاد سعیدی ارتباط نزدیکی با مودودی داشته و کتاب های از وی ترجمه کرده است .

سال ۱۳۴۲ هجری شمسی

«مبایده اسلام و فلسفه احکام»

تألیف سید ابوالاعلی مودودی، ترجمه استاد سعیدی

مقدمه کتاب در بهمن ماه ۱۳۴۲ هجری شمسی، مطابق رمضان المبارک ۱۳۸۳ هجری قمری در زادگاه استاد «قرية النوزاد» به نگارش در آمده است .

سال ۱۳۴۵ هجری شمسی

در این سال سه اثر از تألیفات استاد به ثمر رسید .

- ۱ داستانهایی از زندگی پیغمبر ما،

مؤلف: ممتاز احمد پاکستانی، ترجمه: استاد سعیدی

تاریخ مقدمه: تیر ماه ۱۳۴۵ هجری شمسی .

مخاطب اثر کودکان هستند. کتابی است که مؤلف آن را به زبان انگلیسی تألیف کرده و

استاد با تصرفاتی به فارسی ترجمه نمود .

- ۲ عمار یاسر پیشاهنگ اسلام و پرچمدار علی (علیه السلام) .

مؤلف: صدرالدین شرف الدین. ترجمه: استاد سعیدی

تاریخ مندرج در مقدمه: تهران، تیر ماه ۱۳۴۵ هجری شمسی .

مرحوم سعیدی در مقدمه کتاب درباره عمار یاسر چنین می نویسد: «این گوهر گرانبهائی

انسانیت یکی از هفت نفر پیشاهنگ نهضت مقدس اسلام و یکی از بزرگترین شخصیهائی

است که تاریخ انسانیت همیشه به وجود او مفتخر خواهد بود و این گوهر تابناک برای همیشه

بر تارک انسانیت خواهد درخشید... کار این مرد نامدار به جایی رسید که شخصیت بی

نظیری مانند، حضرت علی (علیه السلام) در سوگواری او اشک ریخت و در فراق او چکاکه

دردناکی سرود و پس از شهادت این صحابی بزرگ مزگ خود را از خدا خواست (۱۶)

- ۳ فرد و اجتماع: مؤلف: محمد قطب. ترجمه: استاد تاریخ مقدمه: بهمن ماه ۱۳۴۵

هجری شمسی .

مرحوم سعیدی در مقدمه چنین نگاشته است: «جنبشهای فکری عصر ما و

تصادم اندیشه های گوناگونی که اجتماع بشری را متزلزل و بحرانی ساخته امري است محسوس و مشهود. در این میان ایدئولوژی یا طرز تفکر اسلامي که بدون تردید تنها طریق نجات بخش بشر است در برابر سیطره غرب مورد تعرض دستگاههای مختلف سرمایه داري غرب و کلیسا قرار گرفته و چه بسا که افکار خام بسیار از افراد نسل جدید هر روز به نحوی از این رهگذر مسموم می شود.

از طرف دیگر فکر مخرب ما تریالیزم به عناوین دیگری جوانان ما را به وادی ضلالت و گمراهی سوق می دهد. با توجه به احساس همین خطرات مهیب است که در گوشه و کنار جوامع اسلامي رجال جهان شناس فکوری و امن همت به کمر زده و می کوشند تا راه هدایت را به روی نسل جدید بر اساس منطق علمي و بحث دقیق بگشایند^(۱۷)

۱۳۴۶ هجری شمسی

منشور جهانی اسلام

تألیف: دکتر محمد رفیع الدین، ترجمه استاد سعیدی

در مقدمه کتاب می خوانیم: ... شعاع تابش انوار قلب به طول لایتناهی است، بدین جهت یثوایان واقعي و رهبران حقیقی بشر به این منبع بیشتر نظر دارند و از آن سرچشمه بیشتر بهره مند می شوند و مردم را بهره مند می سازند و انگیزه این منظور را ناشی از «حب» یا «عشق» می دانند و به عبارات گوناگون مردم را تشویق می نمایند تا از این عالم اصیل حیاتی هر چه بیشتر استفاده کنند. این مفهوم در قرآن کریم به کلمه «حب» تعبیر شده و حکما و دانشمندان آن را به لفظ عشق تعبیر می کنند و نه فقط حیات بشر؛ بلکه عالم وجود را مولود

صفحه ۲۸

این عامل می داند. وحشی بافقی می گوید:

در آن سینه دلی و آن در همه سوز خدایا سینه ای ده آتش افروز

دل بي سوز غير از مشت گل نيست هر آن دل را که سوزي نيست دل نيست

امير خسرو دهلوي مي گويد:

فرزند مرا عشق بياموز و دگر هيچ^(۱۸) روح پدرم شاد که فرمود به استاد

استاد در مصاحبه با مجله کيهان فرهنگي درباره اين بيت مي گويد «اين شعر هم خيلي به درد کارم خورد»^(۱۹) و اين از اشعاري بوده که استاد را به وجد مي آورده است .

سال ۱۳۴۷ هجري شمسي

« - ۱ ماجراي سقيفه يا اولين توطئه در اسلام»

تأليف: علامه محمد رضا مظفر، ترجمه: استاد سعدي

مرحوم سعيد در مقدمه اي کوتاه چنين مي گويد: رساله حاضر که در زمينه مهمترين حادثه تاريخي اسلام نوشته شده، بدون ترديد يکي از معجزات بلاغت است و هيچ مقدمه اي در خور معرفي آن نيست؛ زيرا شخصيت مؤلف آن بسي بالاتر و والاتر از آن است که قلمهاي معمولي قادر به معرفي ايشان باشد و مندرجات رساله نيز که درباره اساسي ترين و مهمترين مباحث فرقه اي در اسلام بحث مي کند، صرف نظر از اينکه مستند است بر اساس دو علم روانشناسي و جامعه شناسي نوشته شده است و چون مشکي

صفحه ۲۹

است که خود مي بويد پس مستغني از آن است که گوينده اي بگويد .

تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۷۷

- ۲ کتاب «اسلام و غرب»

تأليف: پرفسور دکتر احمد خورشيد، ترجمه: استاد سعدي .

اين کتاب به ضميمه دو مقاله ديگر تحت عنوان اسلام در برابر مسيحيت و تحريف تاريخ اسلام چاپ شد .

استاد سعیدی در قسمتی از مقدمه می گوید:
«... از خدای متعال توفیق می طلبیم تا ما را از خطا مصون نگاه داشته و به مبشرین و پدران
روحانی مسیحی نیز انصای مکرمت کند تا به جای گمراه کردن جوانان مسلمان با بودائیان و
گاوپرست و ماده پرستان مبارزه کنند و این قدر نیرو و پول را در راه گمراه کردن خدا پرستان
بیهوده مصرف نکنند.» (۲۰)

سال ۱۳۴۸ هجری شمسی

«نقش اسلام در برابر غرب»

مؤلف: مارگرت مارکوس، ترجمه: استاد سعیدی

استاد در مقدمه می نویسد: یکی از زشت ترین آثار تمایلات مادی که از اروپا ناشی شد،
همان حس ناسیونالیسم یعنی ملت پرستی بود که به تقلید از اروپائیان در جوامع اسلامی
رواج گرفت. خطر این معنی بیشتر ناشی از آن است که موج این اندیشه از منابع طبیعی
سرچشمه می گیرد و سپس در عشق به خانه و لانه و سپس به مفهوم وسیع تری، در عشق به
وطن و آب و خاک

صفحه ۳۰

جلوه گر شده و سپس قلوب مسلمانان را تبخیر کرده و در حقیقت این عشق جانشین
عشق به خدا و عشق به اصول و اردکان ایمان گردید، در نتیجه وطن پرستی جانشین خدا
پرستی شد و بسیار از مسلمانان در برابر «ناسیونالیسم» به سجده افتادند و به تدریج مراسم و
شعائر ملی جانشین اصول و ارکان تعلیمات قرآنی گردید!...

...باید دانست که انحراف مسلمانان از رعایت آداب و شعائر کلی اسلامی و بسط موج
ناسیونالیسم امر اتفاقی و تصادفی نبوده است، بلکه نتیجه فعالیت های مستمر ماهرانه
کشیشهای مسیحی در کشورهای اسلامی بوده، که به موجب امیر مقامات عالی کلیسا این

برنامه به وسیله کشیشها در همه جا اجراء شده است. عدوات و تعصب قوم یهود نسبت به اسلام از قدیم الایام آفتابی روشن بوده و علاوه بر اینکه از آن همه احسان و محبت و تساهل و تسامح مذهبی که این قوم قرن‌ها در مجامع اسلامی برخوردار بوده اند، قدرشناسی ننموده اند، از هیچ گونه خصومت و تحریک و افساد خودداری نکرده اند و مخمصه فعلی خاورمیانه نتیجه همان مقدمات است.»^(۲۱)

سال ۱۳۵۰ هجری شمسی

« - افریاد فلسطین و حریق مسجد الاقصی» (در صفحات قبل درباره این کتاب بحث شد)

۲۴ - ۲ ساعت آخر زندگی جمال عبدالناصر»

تألیف: محمد حسنین هیکل، ترجمه: استاد سعیدی

استاد ترجمه مقدمه را در آبان ماه ۱۳۵۰، برابر با رمضان المبارک ۱۳۹۱ در قم به پایان برد.

صفحه ۳۱

استاد در مقدمه می گوید: «مصر سرزمین اهرام، طعمه ای که بیش از یک قرن در چنگال استعمارگران فریا می کشید، به خود جنبید و اراده گروهی از رادمردان پیکارگر به رهبری «جمال عبدالناصر» ملت مصر را بیدار ساخت. به طوریکه در جایی خواندم در حدود یک میلیون نسخه از متن عربی آن در «قاهره» مصرف شده است»^(۲۲)

سال ۱۳۵۱ هجری شمسی

«با روشنفکر مسلمان»

استاد سعیدی در مقدمه کتاب هدف از نگارش آن را تبلیغ فکر اسلامی و راهنمایی و ارشاد غربیها می داند.

تاریخ پایان کتاب و مقدمه ذی حجه ۱۳۹۳ - بهمن ۱۳۵۱ است .

سال ۱۳۵۲ هجری شمسی

«کمونیسم و اخلاق»

این کتاب در اردیبهشت سال ۵۲ به پایان رسید، در مقدمه آن آمده است ...: «نظر به اینکه حامل اصلی و انگیزه حقیقی ایدئولوژی کمونیستی در آغار امر اخلاق بود و موضوع علاقه و دلسوزی به حال کارگردان، پایه گذاران مکتب کمونیستی را وادار به قیام کرد تا آن ها را نجات دهد!»

بعد از سوار شدن مرکب مراد، این معنی فراموش شد، بلکه به جنگ اخلاق برخاسته اند و به لحاظ اینکه از طرف دیگر مسأله اخلاق رکن اساسی حیات اجتماعی و وجدانی است؛ لذا این دو مبنا در رساله مورد بحث قرار گرفته است (۲۳)

صفحه ۳۲

سال ۱۳۵۳ هجری شمسی

«اسلام به زبان ساده (برای کودکان و نوجوانان)

استاد می نویسد: از آنجا که این رساله برای عموم کودکان مسلمان مفید و آم و زنده بود، ترجمه فارسی آن با اضافاتی در دسترس کودکان و نوجوانان ایرانی قرار داده می شود تا استفاده از آن برای همگان مقدور باشد، قم، ج ۱ / ۱۳۹۵ هجری قمری

سال ۱۳۵۴ هجری شمسی

«مفخر شرق، سید جمال الدین اسدآبادی»

این کتاب با کوشش، مقدمه، پاورقی و توضیحات حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسرو شاهی به انجام رسیده است .

- ۲ تربیت از دیدگاه قرآن»

تألیف: دکتر محمد فاضل جمالی

ترجمه این کتاب در اسفند ماه ۱۳۵۴ هجری شمسی، مطابق با ربیع الاول ۱۳۹۶ انجام پذیرفت.

استاد در مقدمه آورده است: «... از آنجایی که با توجه به اعترافات دانشمندان غرب وضع عمومی جهان به نقطه خطرناکی نزدیک شده و پژوهشگران با کمال نگرانی می کوشند تا راه نجاتی برای بشر کشف کنند، موقع آن فرا رسیده که مسلمانان از این فرصت بهتر استفاده نمایند و امر موقع آن فرا رسیده که مسلمانان از این فرصت بهتر استفاده نمایند و امر مبارک پیشوای انسانیت را به کار بندند که فرمود: «هر وقت پرده های تاریک بر اجتماع سایه افکند، به قرآن روی آورید و از راهنمایی آن بهره مند شوید»^(۲۴)

صفحه ۳۳

سال ۱۳۵۵ هجری شمسی

«داستانهایی از تاریخ اسلام»

ترجمه: استاد سعیدی

استاد در مقدمه کتاب می گوید: داستان سرایی در ادبیات همه ملتها چه شرقی و چه غربی یکی از ارکان مبادی ادب و یکی از ستونها تحکیم اخلاق شناخته شده است؛ بویژه برای طبقات عادی اجتماع این زمینه از سودبخش ترین مباحث ذهنی و فکری شمرده شده است، تا جایی که قرآن کریم برای ارشاد مردم از این وسیله در موارد بسیار سود جسته و تصریح کرده است که «در داستانهای آن ها (مردم قدیم) برای مردم صاحب عقل فهمیده درس و عبرتی وجود دارد»^(۲۵)

مرحوم استاد سعیدی آثار فراوان دیگری دارد که در مصاحبه کیهان فرهنگی با ایشان آنها را نزدیک بر ۶۰ جلد دانسته، بیش از ۴۰ عنوان آن ها را نام می برد. تلاش برای یافتن آثار

استاد سعیدی در اکثر کتاب خانه های شهر مقدس قم بیش از ۲۵ اثر وی را در بر نداشت و آنچه معرفی شد، نتیجه همین تلاش و کوشش است. ضمناً تاریخ تالیف برخی کتاب ها به خاطر آنکه مقدمه ای از استاد بر آن ها نوشته نشده بود مجهول مانده است که به همراه کتاب هایی که فقط نامی از آن ها داشتیم، و کتاب هایی که در کتاب خانه های قم یافت نشد در پی می آید.

۱- پیمان جوانمردان

که در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی منتشر شد.

۲- مجموعه مقالات (۱۱)

صفحه ۳۴

۳- مسأله کشمیر و حیدرآباد یا (مبارزه گاو پرستان با خداپرستان) در سال ۱۳۲۸

هجری شمسی منتشر شد.

۴- چهار مقاله درباره بزرگترین مرد تاریخ یا نجات دهنده بشر محمد (صلی الله علیه و

آله و سلم) تاریخ انتشار: ۱۳۹۷ هجری قمری

۵- اول اخلاق ما بعد تمدن آنها

این کتاب اثری است از سید ابوالاعلی مودودی که استاد آن را به فارسی ترجمه و در سال

۱۳۴۳ هجری شمسی توسط شرکت سهامی انتشار منتشر کرد.

۶- مقدمه ای بر کتاب جاذبه اسلام

۷- اسلام و جاهلیت (مودودی)

۹- در جنگ پاکستان متجاوز کیست؟

۱۰- قائد اعظم محمدم علی جناح (هکتور بولیتو)

۱۱- فلسفه و تربیت (پرفسور احسان الله)

- ۱۲ عايشه همسر پيغمبر (صلي الله عليه و آله و سلم) (نبيا ابوت)

- ۱۳ جلوه حق در اندونزي

- ۱۴ فلسفه اقبال

- ۱۵ الجزاير پيروز

- ۱۶ مسائل اسلامي

- ۱۷ انگيزيسيون يا محكمه تفتيش عقايد

- ۱۸ مباني اخلاقي براي جنبش اسلامي

- ۱۹ توطئه خاورشناسان

- ۲۰ شالوده علوم جديد در اسلام

صفحه ۳۵

- ۲۱ مصاحبه (مجموعه گفتگوي محمود حقيقي با استاد)

استاد سعدي و اهداي كتاب

استاد برخي از تأليفات خويش را به افراي كه به صورتي حقوقي برگردنش داشتند، هديه

ممي كرد. اين كتاب هـا عبارتند از:

- ۱ اسلام و طب جديد

«ترجمه اين كتاب را به روان پاك علامه جليل مرحوم آية الله سيد حسن تهامي (رضوان

الله عليه) تقديم مي كنم»

- ۲ رسول اكرم (صلي الله عليه و آله و سلم) در ميدان جنگ

«اهداء كتاب: به روح پاك استاد فقيد مرحوم آ ميرزا محمد حسين بيرجندي مدرس

مدرسه شوكتيه بيرجند كه فكر نگارنده و محصيلين ادوار اوليه آن مدرسه را به معارف اسلامي

رهبري فرمود».

- ۳ پیشرفت سریع اسلام

«به همسر عزیزم! که در تمام دوران زندگی مایه سکون خاطر و آرامش فکرم بوده است، اهداء مي کنم»

- ۴ نقش اسلام در برابر غرب

«اهداء به جوانان تحصیلکرده مسلمانان به امید اینکه آنها را در تشخیص مبانی اسلام در برابر اندیشه های ویرانگر این عصر کمک کند».

- ۵ جنگ و صلح در قانون اسلام

«به محضر استاد بزرگوار جلیل، حضرت آقای احمد مدیر نراقی، پایه گذار فرهنگ جدید و رهبر آزادی و استقلال فکر در شهرستان بیرجند اهداء مي شود».

صفحه ۳۶

- ۶ عمار یاسر

«به روان پاک اولین آموزگاری که الفبای قرائت و الفبای تعلیمات اسلامی را به من آموخت و به یاد مؤسس مدرسه شوکتیه بیرجند؛ مرحوم امیر شوکت الملک و استادان آن مدرسه در دوران اول تأسیس که روح تعلیمات اسلامی را در ما تزریق کردند و به جوانان غیور و فکوری که در این عصر گمشدنه خود را در ایدئولوژی (طرز فکر) اسلامی جستجو می کنند و از پیروی عمار یاسر به خود می بالند.»

پی نوشت ها :

- ۱ رک: پیام مقام معظم رهبری درباره فوت ایشان .

- ۲ میراث ماندگار، سال دوم، سازمان انتشارات کیهان، صفحه ۱۰۴، ۱۳۶۹ هجری شمسی .

- ۳- _____ ماخوذ اول، .
- ۴- فریاد فلسطین و حریق مسجد الاقصی، سید غلامرضا سعیدی، قم انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۰ ش .
- ۵- تقویم طبیعی یک صد و چهل و یک ساله، حسام سرلئی، تهران انتشارات زوار .
- ۶- میراث ماندگار، صفحه ۱۰۶ .
- ۷- مفخر شرق، سید جمال الدین اسدآبادی، با کوشش سید هادی خسروشاهی، دفتر فرهنگ اسلامی صفحه ۱۲ .
- ۸- میراث ماندگار، صفحه ۱۰۸ .
- ۹- همان، صفحه ۱۰۹ .
- ۱۰- پاکستان، سید غلامرضا سعیدی .
- ۱۱- عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، جان دیون پورت، سید غلامرضا سعیدی، قم، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی .
- ۱۲- مفخر شرق، صفحه ۱۲ .
- ۱۳- رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در میدان جنگ، پرفسور دکتر محمد حمیدالله، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی تهران، انتشارات کتاب فروشی محمدی، ۱۳۳۶ هجری شمسی .
- ۱۴- پیشرفت سریع اسلایتم، دکتر لوراواکسیا واکلیری، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی .
- ۱۵- زندگانی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) یا بزرگترین مرد تاریخ جهان، سید غلامرضا سعیدی، قم، مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی .
- ۱۶- اعمار یاسر پیشاهنگ اسلام و پرچمدار علی (علیه السلام) صدر الدین شرف الدین، ترجمه: سید غلام رضا سعیدی، تبلیغات و انتشارات آیین محمدی .
- ۱۷- فرد و اجتماع، محمد قطب، ترجمه: سید غلام رضا سعیدی، ۱۳۴۶ هجری شمسی .

- ۱۸ منشور جهاني اسلام، دكتور محمد رفيع الدين، سيد غلامرضا سعیدی .
- ۱۹ میراث مانددگار، صفحه ۱۰۹ .
- ۲۰ اسلام و غرب، پرفسور دكتور احمد خورشید، ترجمه: سيد غلام رضا سعیدی .
- ۲۱ نقش اسلام در برابر غرب، مارگرت مارکوس، سيد غلامرضا سعیدی، قم دارالتبلیغ اسلامي با همکاري شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸ هجری شمسی .
- ۲۲ جمال عبدالناصر، محمد حسنین هیکل، ترجمه: سيد غلامرضا سعیدی .
- ۲۳ کمونیسم و اخلاق، سيد غلام رضا سعیدی .
- ۲۴ تربیت از دیدگاه قرآن، دكتور محمد فاضل جمالی، ترجمه: سيد غلام رضا سعیدی .
- ۲۵ داستانهای از تاریخ اسلام، سيد غلامرضا سعیدی خاندان علم و سیادت .

سید محمد صادق لواسانی

یار دیرین امام

علی احمد پورترکمانی

خاندان علم و سیادت

پدر آیه الله سید محمد صادق لواسانی آیت الله سید محمد صادق برخاسته از خاندان علم و سیادت بود، پدرش با آیه الله حاج سید ابوالقاسم حسینی در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در خانواده علم و سیاست دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و سطح رادر مکتب دانشمندان آن دوره فرا گرفت. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات عظام آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ه.ق) و آقا سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (متوفی ۱۳۳۷ ه.ق) استفاده کرد و به دریافت درجه اجتهاد موفق شد. سید در عتبات از محضر بزرگانی گون فقیه وارسته آیه الله حاج شیخ محمد بهاری همدانی (متوفی ۱۳۲۵ ه.ق) و آیه الله حاج سید احمد تهرانی کربلایی (متوفی ۱۳۳۲ ه.ق) که از شاگردان مرحوم آیه الله آخوند حسینقلی همدانی (متوفی ۱۳۱۱ ه.ق) به شمار می رفتند بهره برد؛ مدارج عالی اخلاقی را کسب کرد. آنگاه به ایران بازگشت. هنگام ورود به همدان و استقبال شایسته ای از طرف مردم آن سامان صورت گرفت و بنا بر درخواست آنها در همدان رحل اقامت افکند. وی سرانجام بعد از یک عمر خدمت در ۲۸ ماه رمضان سال ۱۳۶۳؛ در سن ۸۷ سالگی دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت و پیکر پاکش رادر تهران با شکوه ویژه ای تشییع و بعد به نجف اشرف منتقل کردند و در جوار صحن حضرت علی (ع) به خاک سپردند. آیه الله سید ابوالقاسم لواسانی ^(۱) از خود ده فرزند به یادگار گذاشتند همه از بزرگان و علماء بودند.

نامهام آنها چنین است: آیه الله سید محمد صادق، آیه الله سید احمد، سیدعلی، سید زین العابدین، سید محمود،

صفحه ۴۲

حاج سید رضا، سید یحیی، سید حسین، سید حسن و سید محسن لواسانی، در این مقاله به بخشی از زندگی و فعالیت های آیه الله سید محمد صادق لواسانی می پردازیم، تولد

سید محمد در ماه صفر ۱۳۲۴ هجری قمری، مطابق با ۱۲۸۰ هجری شمسی در شهر نجف اشرف و جوار بارگاه ملکوتی حضرت علی (ع)^(۲) (دیده به جهان گشود. وی در محیط آرام و صمیمی تحت تربیت پدر و مادر مؤمنه اش روزهای کودکی را سپری کرد. او از همان ایام نبوغ و استعداد شگرفش را نمایاند. با تشویق و راهنماییهای پدر تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش شروع کرد و به مدت هفت سال در نجف در محضر پدرش، آیت الله سید ابوالقاسم لواسانی و برادر بزرگش سید احمد لواسانی دروس حوزوی را فرا گرفت. سفر به همدان

سید محمد در سال ۱۲۹۵ ه.ش در حالی که پانزدهمین بهار زندگیش را پشت سر می گذاشت، به همراه پدر به ایران آمد.^(۳) پدر چون بیشتر درسهای اخلاقی و عرفانی را از اساتید به نام حوزه نجف که از دیار همدان برخاسته بودند، آموخته بود به همراه فرزندش وارد همدان شد و محمد صادق در حدود یک سال در کنار پدر ماند و از محضر او و برادر استفاده برد.

صفحه ۴۳

سفر به اراک

هنگامي که در سال ۱۳۳۲ ه. ق مطابق با ۱۲۸۸ آیت الله حاج شيخ عبدالکریم حائري، از مجتهدين به نام حوزه نجف به شکر اراک وارد شد، از مکتبخانه و حوزه هاي علوم ديني پر رونق خبري نبود اما با ورود حاج شيخ در مدتي اندک آوازه مکتبش به بسياري از شهرهاي ايران رسيد و ديري نپاييد که شيفتگان دانش از سراسر کشور به سوي اراک رهسپار شدند و به اين ترتيب حوزه علميه اراک به عنوان بزرگترين مجمع علمي ايران شناخته شد. ^(۴) همين دوران بود که سيد محمد به همراه برادرش سيد احمد باري ادامه تحصيل از همدان به اراک آمد. در اين سالها نيز سيد محمد بيشتر از محضر برادرش کسب فيض مي کرد.

در سال ۱۳۴۰ ه. ق؛ مطابق با ۱۲۹۶ ه. ش حاج شيخ عبدالکریم براي زيارت به قم آمده بود، با دعوت علماء از جمله آیت الله بافقي (متوفي ۱۳۶۵ ه. ق) مبني بر ماندن در حوزه قم با توجه به مشکلات زيادي که حوزه علميه قم را تهديد مي کرد، موافقت کرد و حوزه اراک را به شهر مقدس قم انتقال داد.

مهاجرت به قم

با هجرت آیت الله حاج شيخ عبدالکریم به شهر مقدس قم سيد محمد نيز در سال ۱۲۹۷ ه. ش در سن ۱۷ سالگي در حالي که به مدت نه سال مقدمات و سطح حوزه را از محضر پدر و برادرش در نجف، همدان و اراک فراگرفته بود، مانند ديگر طلاب و فضلا به قم عزيمت کرد.

صفحه ۴۴

آشنائي با امام

سيد محمد بعد از ورود به قم در مدرسه علوم ديني فيضيه و دارالشفاء ساکن شد و در همان روزهاي ورود با حاج آقا روح الله آشنا و پس از مدتي هم بحث و هم حجره ايشان شد. سيد با شروع دروس حوزه در درس خارج فقه و اصول بزرگاني همچون آیت الله العظمي

حاج شیخ عبدالکریم^(۵) حائری^(۶) سید محمد تقی خوانساری^(۷) متوفی ۱۳۷۱ ه. ق^(۸) و مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای^(۹) متولد ۱۳۱۰ ه. ق و متوفی ۱۳۷۲ ه. ق^(۱۰) شرکت کرد. همچنین از محضر درس مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد علی شاه آبادی^(۱۱) متولد ۱۲۹۲ و متوفی ۱۳۶۹ ه. ق (درس عرفان، سیر و سلوک، حکمت، فلسفه، «مفاتیح الغیب»، «شرح فصوص» و «منازل السائرین» را آموخت. دو سال نیز از درس اخلاق عارف الهی، مرحوم آیت الله حاج میرزا جواد آقا ملک تبریزی^(۱۲) متوفی ۱۳۴۳^(۱۳) بهره مند شد. سید محمد در طول نه سال اقامت خود در قم اکثر این دروس را با حاج آقا روح الله خمینی مباحثه کرد. خود در این باره میگوید: حتی در سفرها و زیارت که گاهی مشهد مشرف می شدیم، در راه و هر فرصتی که حاصل می شد مشغول مباحثات علمی فلسفی می شدیم... در مدرسه فیضیه صبحهای زود در کنار رودخانه ساحلی مشغول مباحثه می شدیم؛ حتی روزهای سرد هم این کار انجام می شد و چقدر زیبا و با لطف و صفا صورت می گرفت^(۱۴).

صفحه ۴۵

عزیمت به نجف

آیت الله سید محمد صادق لواسانی به شوق زیارت بارگاه امام علی (ع)، تجدید میثاق با جد بزرگوارش و استفاده بیشتر از علمای آن حوزه، در سال ۱۳۰۴ ه. ش عازم عراق شد و از مکتب درسی اساتید بزرگی همچون، مرحوم آیه الله حاج میرزا ابوالحسن مشکینی، (متوفی ۱۳۵۸ ه. ق مدفن نجف اشرف^(۱۵)) و آیه الله آقاضیاء الدین عراقی^(۱۶)، عالم بزرگ علم اصول و فقه (متوفی ۱۳۵۹ ه. ق) استفاده کرد و بعد از مدتی به خاطر کسالت و به امر پدر به شهر مقدس قم بازگشت.

وي در سن ۳۲ سالگي (سال ۱۳۱۲ ه.ش) در نتیجه سالها تحقيق و فعاليتهاي علمي به مدارج عاليه اجتهاد دست يافت. در اين فاصله زماني مدتي هم در مشهد دروس فقه و اصول و حکمت را از محضر آية الله العظمي حاج آقا حسين قمي^(۱۷) متولد ۱۲۸۲ ه.ق و متوفي ۱۳۶۶ (۱۳۶۶) خارج فقه و اصول تفسير را نزد آية الله حاج شيخ مرتضي آشتياني^(۱۸) متولد ۱۳۸۱ ه.ق آية الله ميرزا محمد آقازاده كفائي^(۱۹) متوفي ۱۳۵۶) فراگرفت.

تصدي مدارس حوزه علميه قم

در سال ۱۳۱۴ ه.ش^(۲۰) به جهت توطئه هاي گوناگوني مانند اعلام كشف حجاب، به گلوله بستن مردم در مسجد گوهر شاد، تبعيد علماء و بزرگان مشهد، مصوبه هاي اتحاد شكل لباس، لزوم جواز پروانه و گواهينامه و تقطيش و رسيدگي به امور روحانيون و دهها مورد ديگر که از سوي رضا خان عليه حوزه هاي علميه، خصوصا حوزه قم انجام مي گرفت. از طرف آيات ثلاث

صفحه ۴۶

عظام، سيد محمد حجت، سيد محمد تقی خوانساري و سيد صدر الدين صدر به توليت مدارس فيضيه، دار الشفاء و عبدالله خان^(۲۱) منصوب شد. اين دو حوزه علميه در طول شش سال مديريت ايشان به بهترين وجه اداره شد و در روزگاري که طلاب حق پوشيدن لباس روحاني را نداشتند، زير نظر بزرگان ضمن حل و فصل امور طلاب به تدريس دروس سطح حوزه پرداخت و تا سال ۱۳۲۰ ه.ش مشغول اين امر مهم شد.

اقامت در تهران

آيت الله لواساني در سال ۱۳۲۱ ه.ش براي نشر معارف الهي عازم تهران شد و در مسجد مدرسه ميرزا ابوالحسن معمار^(۲۲) به اقامه جماعت و خدمات ديني پرداخت. با اين حال همچنان با امام که در قم بود، ارتباط نزديک داشت. دکتر محمد تقی لواساني؛ فرزند آيت

الله لواساني از آن ايام چنين ياد مي کند : «آيت الله لواساني به تهران مهاجرت مي نمايند. از همان سال مرحوم امام (قدس سره) سالي دو تا سه بار به تهران تشریف و میهمان آیت الله لواساني بودند.»^(۲۳)

سرآغاز مبارزات

در سال ۱۳۴۱ ه. ش که حضرت امام برای دیدار با آیت الله لواساني به تهران آمده بود، موضوع لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی مطرح شد. امام اولین مرجع تقلید جهان اسلام بود که به مخالفت با آن لایحه برخاست. بعد از سخنرانی تاریخی اما در مدرسه فیضیه در سال ۴۲، رژیم پهلوی امام را دستگیر کرده، به تهران منتقل کرد. مدتی بعد که امام آزاد شد، سراغ یار

صفحه ۴۷

دیرین و مجاهد خود را گرفت. حجة الاسلام سید محمد رضا لواساني در این رابطه می گوید:_____:

«امام پس از آزادی به اولین کسی که تلفن زدند و خواستار ملاقات با ایشان شدند، آیت الله لواساني بود و از همین تاریخ هم بود که حضرت امام وکالت تام الاختیاری را در تهران به ایشان واگذار نمودند، به صورتی که وقتی افرادی به حضرت امام مراجعه می نمودند و سؤال می کردند در تهران به چه کسی مراجعه می نمایم، امام می فرمود: به آقای لواساني مراجعه نمایید. دست ایشان دست من است و توهین به ایشان توهین به من است و این مطلب را حضرت امام قبلاًز تبعید به ترکیه و نجف می فرمودند و هم بعد از آن که نامه های کتبی افراد در این رابطه گویای این مطلب است.»^(۲۴)

نقش آیت الله لواساني بعد از تبعید امام

چند ماه بعد از آزادي امام قانون کاپیتولاسیون و مصونیت قضایی اتباع آمریکایی در ایران مطرح شد. امام در سخنرانی خود در قم ارکان دولت شاهنشاهی را به لرزه در آورد. در پی آن در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دژخیمان پهلوی به خانه امام هجوم آورد، ایشان را دستگیر و به تهران منتقل و بلافاصله به ترکیه تبعید کردند.

نقش آیت الله لواسانی در حفظ و حمایت از امام و انقلاب در این دوران آنچنان برجسته است که همه یاران امام و انقلاب بر آن شهادت داده اند. در این بین یادگار امام (قدس سره) می نویسد: حاج سید احمد. او (آیت الله لواسانی) به

صفحه ۴۸

حق در زمان تبعید امام (قدس سره) پدری دلسوز و مربی ای صادق برایم بود. محبت‌های خالصانه او در تنهایی‌هایم موجب دلگرمی بود. در مدت تبعید و زندانی امام، آیت الله لواسانی در مقابل طاغوت و طاغوتیان ایستاد و از امام دفاع کرد و زمانی که نام امام مساوی با زنان و اعدام بود، یک تنه مسئولیت نمایندگی علی‌الاطلاق حضرت امام را پذیرفت و مسئول شهریه در قم و تهران و سایر حوزه‌ها شد و با شهادت تا دم مرگ از این مسئولیت دفاع کرد و پذیرای زندان و شکنجه و تبعید و در بدری شد. او کسی بود که امام بارها گفته بود: دست او دست من است. او رفیق بی بدیل من است، توهین به او توهین به من است و او راستی چنین بود. (۲۵)...

در زمان تبعید امام به دست شاه‌خائن او راهی ترکیه شد، از این شهر به آن شهر، تا بلکه یارش را بیابد ولی دون صفتان نامرد به هیچ وجه به او یاری نکردند. تا با دلی آکنده از درد و رنج از ترکیه مراجعت کرد (۲۶).

استمرار مبارزات

بعد از بازگشت آیت الله لواسانی در سال ۱۳۴۳ از ترکیه به ایران، رژیم ستم شاهی ایشان را ممنوع الخروج کرد و در تهران تحت نظر نگهداری می‌کند.^(۲۷) وجود ایشان در تهران و مساعدت‌های فکری و مالی به خانواده‌های زندانیان و تبعیدیها و تقویت نیروها توجه آحاد مردم به ایشان. ارتباط نزدیک از تهران با تبعیدگاه امام در نجف و پیوند امام با امت و وکالت تام الاختیاری امام، باعث حساسی ویژه رژیم پهلوی به معظم له و متعاقب آن فشارهای مختلفی بود که به ایشان می‌آوردند. با این همه آیت الله لواسانی همچنان به انجام مسئولیت‌های خود ادامه می‌داد تا اینکه رژیم در بهمن

صفحه ۴۹

۱۳۵۱ ه. ش ایشان را در سن ۷۱ سالگی دستگیر^(۲۸) و به زندان انفرادی کمیته شهربانی تهران انتقال داده اما مدتی بعد با وساطت مراجع عظام از زندان آزاد شد. پس از آزادی به خاطر استمرار مبارزه برای دومین بار در سال ۱۳۵۳ تیر ماه، دستگیر و به مدت سه سال به «هشت پر» طالش تبعید شد. لواسانی کیفیت دستگیری و منطقه تبعید خود را اینگونه ترسیم می‌کند: «روز جمعه ۱۳۵۳ / ۴ / ۷ مطابق جمادی الثانی ۱۳۹۴ نیم ساعت به ظهر چهار نفر به منزل ما ریختند و مرا به شهربانی جلب و در سلول انفرادی بازداشت نمودند. روز بعد، شنبه ساعت ۱۰ صبح به بنده گفتند که شما اخلال در نظم می‌کنید و تبعید هستید. پس دستبند به دست من زده و بدون این که بگویند به کجا می‌برند سوار ماشین کرده و حرکت نموده و در شهر هشت پر از توابع طالش واقع در هیجده فرسخی رشت و نزدیک آستارا که اکثریت اهل محل از اهل تسنن بودند و تناسبی با یک عالم شیعی نداشت، فرود آوردند در آنجا به بنده گفتند که به مدت سه سال تبعید هستید. بنده چون در آنجا کسیرا نمی‌شناختم و جایی برای سکونت نداشتم، رفتم و در مسجد آنجا اقامت کردم.

هشت روز در این مسجد به سر بردم، سپس روز ۵۳ / ۴ / ۱۶ چون در مسجد راحت نبودم، منتقل به مسافرخانه شدم و يك ماه نیز در آن مسافرخانه ماندم و از آنجا نیز روز چهارده رجب سال ۱۳۹۴ قمری به دعوت آقای سید فضائل خلخالی به منزلایشان رفته، تا اینکه در بیست و چهار شعبان مطابق ۴۳ / ۶ / ۲۱ خانه ای اجاره اجاره و به آنجا منتقل شدم و ۳۱ ماه مدت اقامت و تبعید طول کشید. (۲۹)

آیت الله لواسانی به دلیل نامناسب بودن هوا و اقامت دچار بیماری شد به این

صفحه ۵۰

جهت ایشان به تهران منتقل شد. شش ماه تحت درمان قرار گرفت. وقتی در بیمارستان از طرف ساواک به ایشان اعلام شد که اگر می خواهید به تبعیدگاه برگردید، دست از حمایتی خمینی بردارید. ایشان در جواب به يك جمله بسنده کرد و گفت: به تبعیدگاه بر می گردم. (۳۰)

آیت الله لواسانی در سال ۱۳۵۷ در سن هفتاد و هفت سالگی بعد از زیارت عتبات عالیات برای تجدید دیار با امام، عازم فرانسه شد و پس از تبادل اندیشه پیرامون حکومت اسلامی و آینده ایران و ... قبل از امام به ایران مراجعت کرد.

سنگ صبور انقلاب

آیت الله لواسانی بعد از ورود امام به ایران اسلامی بی هیچ نام و عنوانی در کنار امام قرار گرفت و در طول ده سال بعد از پیروزی انقلاب نیز تا آخری لحظه با امام همراه شد. حجة الاسلام سید محمد رضا لواسانی فرزند آیت الله لواسانی در این باره می نویسد:

«پس از انقلاب آیت الله لواسانی حداقل هفته ای یکبار بدون هیچگونه تشریفاتی به ملاقات حضرت امام می رفتند و اگر به واسطه عذری نمی توانستند بروند، حضرت امام توسط یادگارشان جناب آقای حاج احمد آقا از حال آیت الله لواسانی سؤال می کردند و علت نیامدن را می پرسیدند.» (۳۱)

یادگار امام، حجة الاسلام آقاي حاج احمد آقا در پیرامون این موضوع می نویسد:
«...با اینکه او نماینده ام الاختیار حضرت امام بود، هرگز از زندگی زاهدانه اش دست نکشید
و تا آخر در همان منزل که

صفحه ۵۱

قریب پنجاه سال پیش خریده بود، زندگی کرد و در آخر عمر با آنکه تمامی دوستانش او
را به زندگی ای بهتر فرا می خواندند، ولی او با خدای خود عهد کرده بود تا چون محرومین و
پا برهنه ها زندگی کند. او هشتاد سال با خمینی بود و برای همه کسانی که او را می شناختند
بوی امام را می داد هر هفته در تمامی مدت بعد از انقلاب يك روز از آن ملاقات او با امام
بود و او در برف و سرما هم این ملاقات را ترك نکرد. آخر دل امام به او خوش بود»...^(۳۲)

ویژگیهای اخلاقی

با نگرش اجمالی به نظریات امام (قدس سره) آیت الله خامنه ای، یادگار امام (قدس
سره) فرزندان و نزدیکان آیت الله لواسانی می تون به خصوصیات ویژه این مرد الهی پی برد
که از جمله آنهاست: عمل به تکلیف، ساده زیستی، انجام فرائض در اول وقت، تقید به نماز
شب، خلوص در زندگی، سعی در حل مشکلات مردم، صله رحم، تواضع و فروتنی، قرائت
چند نوبت قرآن در روزها، شهادت دفاع از حق، سلام دادن به کوچک و بزرگ، حسن خلق در
زندگی با همسر و فرزندان و مردم، احترام به بندگان خدا، شنیدن نظریات دیگران و ...

عروج

آیت الله لواسانی قبل از رحلت امام در بیمارستان بار دیگر با دوست دیرین خود ملاقات
کرد. ارتحال امام اثر عمیقی بر روح آن عزیز می گذارد و سرانجام بعد از يك دوران بیماری
نسبتاً طولانی شانزده ماه بعد از ارتحال

امام (قدس سره) روز هشتم مهر ۱۳۶۹ در ۸۹ سالگی دارفانی را وداع گفت و به ملکوت اعلی پیوست.

پیکر مطهرش با حضور هزاران نفر از مردم عزادار تهران و نماینده های رهبر معظم انقلاب، رئیس جمهور و با حضور یادگار امام، حضرت حجة الاسلام آقای حاج احمد آقا در میان حزن و اندوه امت حزب الله از مسجد ایشان تشییع و به شهر مقدس قم منتقل گردید. آنگاه در جوار حرم حضرت فاطمه معصومن (س) به خاک سپرده شد.

پیام رهبر معظم انقلاب

به مناسبت ارتحال آیت الله سید محمد صادق لواسانی پیامهای متعددی از سوی شخصیت های مختلف^(۳۳) صادر شد. متن پیامهای رهبر معظم انقلاب، ریاست جمهوری و یادگار امام (قدس سره) چنین بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون .

عالم ربانی و فقیه پرهیزکار و بزرگوار، آیت الله آقای حاج سید محمد صادق لواسانی رضوان الله تعالی علیه دعوت حق را لبیک گفته و به لقاء الله پیوست. آن روحانی عالیقدر هم به موجب مدارج و مقامات عالیہ علم و عمل و عمر طولانی و پربرکتی که تماماً در صراط مستقیم حق سپری شد و هم به خاطر پیوند مودت و صداقت با امام عزیز و بزرگوارمان که حدود هفتاد سال استمرار و استحکام داشت، یکی از

شخصیتهای محبوب و چهره های شاخص به شمار می آمد و فقدان ایشان ضایعه ای تأسف انگیز و خسارت بار است. این جانب که خود سالیان متمادی آن شخصیت عزیز را از

نزدیک به طهارت و صداقت و وارستگی می شناختم، این مصیبت را به خانواده محترم،
مخصوصاً فرزندان مکرم ایشان و نیز به جامع علمی و مردم تهران عسلیت عرض می کنم و
رحمت و فضل الهی را برای روح مطهرشان مسئلت می نمایم .

۸ / ۷ / ۶۹

سید علی خامنه ای

پیام آیه الله هاشمی رفسنجانی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

رحلت عالم جلیل القدر، آیه الله آق ای حاج سید محمد صادق لواسانی رحمه الله علیه
که عمر پر برکتش در راه خدمت به اسلام و ترویج اهل بیت اطهار سپری شد، را به حوزه های
علمیه مردم تهران و خانواده آن مرحوم بویژه فرزندان گرامیشان تسلیت می گویم. آن روحانی
خدمتگزار با پیوند علمی، فکری و عملی که با حضرت امام قدس سره الشریف داشت،
خدمات بسیاری به انقلاب اسلامی نمود^(۳۴).

از خدای متعال برای آن عالم عامل علو درجات و برای

صفحه ۵۴

بازماندگان صبر و مسئلت دارم

اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور

پیام تسلیت حجة الاسلام حاج سید احمد خمینی به فرزند آن مرحوم

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج سید محمد رضا لواسانی (دامت افاضاته) با قلبی
خسته و پر اندوه خبر عروج ملکوتی یار وفادار امام، زاهدی عالیقدر پرسیانی مبارز و

پرهیزکاری عزیز؛ حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد صادق لواسانی را شنیدم، او به حق در زمان تبعید امام (قدس سره) پدری دلسوز و مربی ای صادق برایم بود. محبت های خالصانه او در تنهایی هایم موجب دلگرمی بود. در طول مدت تبعید و زندان امام در مقابل طاغوت و طاغوتیان ایستاد و از امام دفاع کرد^(۳۵).

در زمانی که نام امام مساوی با زندان و اعدام بود؛ يك تنه مسئولیت نمایندگی علی الاطلاق حضرت امام را پذیرفت و مسئول شهریه در قم و تهران و سایر حوزه ها شد و با شهادت تا دم مرگ از این مسئولیت ها دفاع کرد و پذیرای زندان و شکنجه و تبعید و در بدری شد.

او کسی بود که امام بارها گفته بود: دست او دست من است. او رفیق بی بدیل من است. توهین به او توهین به من است. و

صفحه ۵۵

او براستی چنین بود. در زمان تبعید امام به دست شاه خائن، او راهی ترکیه شد. از این شهر به آن شهر تا بلکه یارش را بیابد، ولی دون صفتان نامرد به هیچ وجه به او یاری نکردند تا با دلی آکنده از درد و رنج از ترکیه مراجعت کرد.

با اینکه او نماینده تام الاختیار حضرت امام بود، هرگز از زندگی زاهدانه اش دست نکشید و تا آخر در همان منزل که قریب پنجاه سال پیش خریده بود، زندگی کرد و در آخر عمر با آن که تمامی دوستانش او را به زندگی ای بهتر فرا می خواندند، ولی او با خدای خود عهد کرده بود تا چون محرومین و پابرهنه ها زندگی کند.

او هفتاد سال با خمینی بود و برای همه کسانی که او می شناختند بوی امام را می داد هر هفته در تمامی مدت بعد از انقلاب يك روز از آن ملاقات او با امام بود و او در برف و سرما هم این ملاقات را ترك نکرد. آخر دل امام به او خوش بود. باور کن که من در حد تو و

برادرانت متأثرم و اگر نبود که سنت (الله) بر این تعلق گرفته است، هیچ چیز و کس نمی توانست آرامم کند .

من به شما که دوست عزیز و برادرم هستی و به برادران بزرگوار و شریف؛ جناب آقای دکتر محمد تقی لواسانی و جناب آقای دکتر محمد حسین لواسانی و برادران و خواهران و فامیل شریف و بزرگوارتان تسلیت عرض می کنم و از

صفحه ۵۶

خداوند می خواهم که به همه ما تحمل این درد و رنج را عطا فرماید .

و السلام علیکم احمد خمینی

پی نوشت ها :

-
- ۱- گنجینه دانشمندان، جلد ۹، ص ۲۹۶ .
 - ۲- گنجینه دانشمندان، جلد ۴، ص ۵۵۰ .
 - ۳- همان
 - ۴- شیخ عبدالکریم حائری نگهبان بیدار، سعید عباس زاده .
 - ۵- متولد ۱۲۶۷ ه ق و متوفی ۱۳۵۵، مدفن حرم مطهر حضرت معصومه علیها سلام .
 - ۶- همان
 - ۷- دیدار با ابزار، زندگینامه آیه الله خوانساری .
 - ۸- مدفن حرم مطهر حضرت معصومه علیها سلام .
 - ۹- علمای بزرگ از کلینی تا خمینی، جلد اول، ص ۴۲۰ .
 - ۱۰- مدفن مدرسه حجتیه .
 - ۱۱- سیمای فرزندگان، جلد سوم، ص ۸۸ .

- ۱۲ همسان، ص ۷۰ .
- ۱۳ - مدفن قبرستان شیعیان صاحب کتب ارزشمند امرار الصلوة - المراقبات - اعمال السنه
- رساله لقاء الله
- ۱۴ - مصاحبه با آية الله لواساني، روزنامه رسالت، ۱۳۶۸ / ۴ / ۲۰ .
- ۱۵ - گنجينه دانشمندان، جلد هفتم، ص ۷۵ .
- ۱۶ - گنجينه دانشمندان، جلد سوم، ص ۵۴ .
- ۱۷ - حاج آقا حسين قمي، قامت قيامت، ص ۱۷۰ .
- ۱۸ - گنجينه دانشمندان
- ۱۹ همسان
- ۲۰ - تاريخ سياسي معاصر ايران، جلد اول .
- ۲۱ - آثار الحجه، جلد دوم، ص ۲۵۶، محمد شريف رازي .
- ۲۲ - واقع در محله امامزاده يحيي .
- ۲۳ - مصاحبه با آيد الله لواساني، نقل از دكتور محمد تقى لواساني، روزنامه رسالت، ۱۳۶۸ / ۲۰ / ۴ .
- ۲۴ - حجه الاسلام محمد رضا لواساني؛ فرزند آية الله لواساني كيهان، ۱۳۶۹ / ۸ / ۱۷ .
- ۲۵ - يادگار امام، رسالت، ۹ / ۸ / ۶۹ .
- ۲۶ همسان
- ۲۷ - دكتور محمد تقى لواساني، فرزند آية الله لواساني، رسالت، ۱۳۶۸ / ۴ / ۲ .
- ۲۸ - تاريخ و فرهنگ معاصر، جلد اول، ص ۶۲۷ .
- ۲۹ - نهضت روحانيون، جلد شش، ص ۱۹۹، علي دواني .
- ۳۰ - حجة الاسلام سيد محمد رضا لواساني؛ فرزند آية الله لواساني، كيهان، ۱۳۶۹ / ۸ / ۱۷ .
- ۳۱ همسان

- ۳۲ یادگار امام، رسالت، ۹/۸/۶۹ .
- ۳۳ پیام رهبر فرزانه انقلاب به مناسبت ارتحال آیه الله لواسانی، حدیث ولایت، جلد پنجم، ص ۸/۷/۶۹، ۲۰۹ .
- ۳۴ پیام رئیس جمهور وقت، آیه الله هاشمی رفسنجانی، رسالت، ۸/۷/۶۹ .
- ۳۵ پیام حجة الاسلام حاج احمد آقا خمینی، یادگار امام، به مناسبت ارتحال آیه الله لواسانی، ۸/۷/۶۹ رسالت .

عبدالله بن جعفر حميري قمی

محدث فرزانه

ابوالحسن رباني

عبدالله بن جعفر حميري قمی یکی از بزرگانی است که در شما مزداران مکتب شیعه محسوب می شود، و در این مقاله سعی بر آن داریم تا قدر منزلت این مرد «عظیم القدر» را برای نسل جوان روشن سازیم.

لقب حميري

لقب عبدالله را «حميري» ذکر کرده اند که به، حمير، است و حمير آن گونه که در کتب لغت ذکر شده، نام محلي در غرب صنعا (مرکز یمن) و نیز نام پدر قبیله ای است.^(۱) در مجمع البحرين^(۲) می خوانیم «ابو قبیله في اليمن كان منهم الملكومك في الزمن القديم»، نام پدر قبیله ای در یمن است که در قرنهای گذشته پادشاهانی از آن ظهور کرده اند. بنابراین اجداد عبدالله بن جعفر حميري از اهل یمن بوده اند. البته به عبدالله بن این دلیل که برخاسته از قم بود، لقب «قمی» نیز داده بودند^(۳) و مشهورترین کنیه اش را «ابوالعباس» دانسته اند^(۴)

تاریخ تولد

از قرائن این گونه استفاده می گردد که عبدالله در اوائل در اوائل قرن سوم هجری قمری به دنیا آمده. از جمله این قرائن سال وفات مشایخ اوست، یکی از این مشایخ محمد بن الحسین ابي الخطاب است که در سال ۲۶۲ هـ ق از دنیا رفت^(۵) بنابراین می توان گفت که زمان تولد حميري بین سالها ۲۲۰ تا ۲۴۰ است.

حمیري از منظر اهل نظر

اولین بار از حمیري در رجال کشي (یکی از بزرگترین منابع شناخت بزرگان و اصحاب ائمه اطهار) یاد شده است. در این کتاب می خوانیم: «قال نصر بن الصباح ابو العباس الحمیري عبدالله بن جعفر کان استاد ابی الحسن ...» از قول (استاد خود نقل می کند که حمیري استاد ابوالحسن است ^(۶) و ظاهراً مراد از «ابوالحسن» در اینجا پدر بزرگوار شیخ صدوق به نام علی بن الحسین بن بابویه است که یکی از شاگردان راویان «حمیري» بود.

شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ه.ق) می نویسد: «عبدالله بن جعفر حمیري قمی مکنی به ابوالعباس و شخص ثقه و مورد اطمینانی است ^(۷)» و نجاشی درباره ایشان معتقد است ^(۸) که عبدالله بن جعفر حمیري بزرگ علمای قم و شخصیت برجسته آنها که در سال ۲۹۰ و اندی از قم به شهر کوفه رفتند بزرگان و علما کوفه از حمیري اخبار و روایات ائمه را زیاد شنیدید و کتابهای زیادی تصنیف کردند.

نجاشی تعبیرهایی درباره این استاد رجال راوی شناس بزرگ می آورد که بسیار جالب توجه است. ویاز عظمت و جلالت محدث و فقیه شیعه سخن اینگونه میگوید.

«جناب حمیري در قم و بلکه در جهان شیعه، معروف و مشهور بود. وقتی به کوفه می رفت، اعظم در پای منبر حدیث او جمع می شدند در حالیکه کوفه خود از مراکز اصلی معارف احادیث اهل بیت عصمت و طهارت بود، جالب اینکه تعریف و تمجیدهایی که توسط علمای رجال درباره شخصیت عبدالله صورت گرفته، همانند عبارتی است که در حق شیخ صدوق ذکر شده است.

عبارت مرحوم نجاشي چنين است:
 محمد بن علي بنالحسين ابن بابويه ساکن شهر ري، شيخ، فقه و چهره برجسته شيعه در ناحيه خراسان در سال ۳۵۵ ه. ق وارد بغداد شد. بزرگان طايفه و شخصيتهاي فقه و فقاہت و درايت از او روايت شنيدند در حالي که صدوق هنوز «جوان» بود.^(۹)
 اما علامه حلي در کتاب «خلاصه» خويش همين عبارتها را در شأن عبدالله بن جعفر حميري ذکر کرده است.

صحابي معصومين (عليهم السلام)

عبدالله اين افتخار بزرگ را داشت که در جرگه ياران امام هادي و امام حسن عسکري (ع) وارد شود. در بعضي از اخبار مي خوانيم عبدالله به خدمت امام هادي (ع) نامه نوشت و از حضرت با عنوان الرجل نام برد.^(۱۰) البته در موارد زيادي نيز با عنوان ابي محمد^(۱۱) نامه مي نوشت و به خدمت امام حسن عسکري (ع) مي فرستاد. شيخ در رجال^(۱۲) ايشان را از اصحاب حضرت هادي و امام عسکري (عليهم السلام) مي داند^(۱۳) همچنين همه عالماني که در علم رجال تأليف دارند، اين نکته را تأييد کرده اند.
 اساتيد

عبدالله در طول عمر خود از مکتب بزرگاني استفاده کرد و از آنها روايت نقل نمود.
 اين اساتيد عبارتند از:

صفحه ۶۴

- ۱- ابراهيم بن مهزيار اهوازي، برادر جناب علي بن مهزيار، که از بزرگان ياران امام عليهم السلام بود.^(۱۴)
- ۲- حسين بن مالك (شيخ در رجال او را ثقه از اصحاب امام هادي (ع) مي داند.^(۱۵)
- ۳- محمد بن جزك (از ياران امام هادي (ع) و مورد وثوق است.^(۱۶))

- ٤ حسن بن علي بن كيسان (١٧).
 - ٥ ايوب بن نوح (١٨).
 - ٦ احمد بن خالد برقي (١٩).
 - ٧ هارون بن مسلم (٢٠).
 - ٨ ابراهيم بن هاشم قمي (٢١).
 - ٩ احمد بن محمد بن عيسي اشعري قمي (٢٢).
 - ١٠ محمد بن الحسين ابني الخطاب (٢٣).
 - ١١ محمد بن عبد الجبار القمي (٢٤).
 - ١٢ محمد بن عيسي يقطيني (٢٥)
- شاگردان
- جمعي از افراد برجسته از محضر عبدالله كسب فيض و معرفت کرده اند كه شمار معاريف آنها تقريباً به ١٢ نفر مي رسد و اما به برخي از آنان به اين صورت است:
- ١ علي بن الحسين بابويه (٢٦)
 - ٢ محمد بن الحسن بن الوليد (از مشايخ مرحوم صدوق است) (٢٧)
 - ٣ محمد بن موسي بن متوكل (از شايع صدوق است) (٢٨)

صفحه ٦٥

- ٤ محمد بن الحسن الصفار (متوفي سال ٢٩٠ (٢٩) و صاحب كتاب بصائر الدرجات (٣٠)
- ٥ محمد بن يحيي العطار القمي (٣١)
- ٦ احمد بن محمد يحيي (٣٢)
- ٧ سعد بن عبدالله الاشعري (متوفي به سال ٣٠١ يا ٢٩٩ (٣٣)

۸- محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری (فرزند عبدالله حمیری بود)^(۳۴)

آثار و کتب

این محدث عظیم الشأن کتابهای زیادی تصنیف کرد. مرحوم شیخ در فهرست^(۳۵) پانزده کتاب برای ایشان ذکر می کند و می نویسد: له کتب، و منها «کتاب الدلائل»، «کتاب الطلب»، «کتاب التوحید...» و «قرب الاسناد» و نجاشی نیز ۲۶ کتاب برای وی می شمارد^(۳۶).

البته این کتابها از بین رفته اند و یا تا کنون به دست ما نرسیده اند و تنها يك کتاب از این محدث بزرگ به یادگار مانده است و آن کتاب معروف «قرب الاسناد» است که یکی از منابع و مآخذ کتب اربعه شیعه را تشکیل می دهد.

مرحوم صاحب وسائل از این کتاب بسیار نقل روایت می فرماید^(۳۷) و نیز علامه مجلسی در مقدمه بحار الانوار این کتاب را مورد عنایت قرار داده است^(۳۸).

این کتاب شریف در زمان حیات آیت الله بروجردی (قدس سره) با عنایت و اشراف و مقدمه ایشان چاپ شد.

و اخیرا هم به ضمیمه کتاب «جعفریات» به وسیله آقای احمد صادقی

صفحه ۶۶

اردستانی تصحیح و تنقیح و چاپ شده است.

خوشه هایی از خرمن حمیری

در این بخش روایتی چند از کتاب حمیری را نقل می کنیم و شما را به استفاده بیشتر از

مکتب این راوی بزرگ فرا می خوانیم.

میزان شناخت مؤمن و منافق

جناب حميري به سند خود از امام باقر (ع) نقل مي کند «قال عبدالله بن عمر و الله ما كنا نعرف المنافقين في زمان رسول الله (ص) الا ببغضهم عليا .»
عبدالله بن عمر گفت : به خدا قسم ما در زمان رسول اکرم (ص) افراد منافق را نمي شناختيم مگر به وسيله دشمني که با علي (ع) داشتند، که هر کس دشمن علي (ع) بود منافق بود^(۳۹).

نشانه ریا کاران

رسول اکرم (ص) فرمود : «للمرائي ثلاث علامات يكسل اذا كان وحده وينشط اذا كان عند الناس ويحب ان يحمد جميع اموره^(۴۰).»

پیامبر اکرم (ص) فرمود : ریا کار سه نشانه دارد، در تنهایی بی علاقه به عبادت است و در حضور دیگران با نشاط، ریا کار دوست دارد در تمام کارهایش او را ستایش کنند .

نماز اول وقت

قال الصادق (ع) : «الفضل الوقت الاول علي الاخير خير، للمؤمن من

صفحه ۶۷

ولده و ماله^(۴۱) »

حضرت صادق (ع) فرمود : فضیلت نماز اول وقت در مقابل آخر وقت، برای مؤمن از فرزند و مال و ثروت بهتر است .

خاندان و فرزندان

حميري (قدس سره) چهار فرزند به نامهای محمد، جعفر، حسین و احمد داشت، که همه چهار نفر با امام هادی، عسکری و صاحب الزمان (علیهم السلام) مکاتبه داشتند^(۴۲) کل کان له مکاتبه از کلام نجاشي چنین استفاده مي شود که فرزندان عبدالله بن جعفر در شمار بزرگان دانشوران بودند. البته در میان این چهار برادر فقط محمد بن عبدالله بن جعفر توثیق

شده است. ^(۴۳) گاهی در کتب روایت مانند پدر بزرگوارش با عنوان «حمیری» از او یاد می شود.

رحلت

هر چند می دانیم تولد عبدالله در اوائل قرن سوم هجری قمری است اما زمان دقیق آن مشخص نیست، با این حال زمان رحلتش نیز نامعلوم است و نمی توان قاطعانه درباره زمان رحلت ایشان ابراز نظر کرد.

ولی از قرائن به دست می آید که زمان وفات ایشان اواخر قرن سوم هجری بود. به این دلیل که یکی از شاگردانش سعد بن عبدالله اشعری بود که در سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ درگذشت. محمد بن حسن صفار نیز که از دیگر شاگردان وی بود، در سال ۲۹۰ رحلت کرد. از این رو سن استاد از شاگرد بیشتر است و طبیعتاً زودتر از شاگرد از این دنیا رحلت کرده است.

صفحه ۶۸

بر این اساس شاید بتوان گفت رحلت عبدالله بین سالهای ۳۰۰ تا ۳۰۵ ه. ق اتفاق افتاد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

مرقد حمیری

درباره رحلت و محل دفن عبدالله هر چند به اشاره چیزی در کتابهای مربوطه ذکر نشده است. اما به نظر می رسد در قم از دنیا رفته، در کنار بی بی حضرت معصومه (س) مدفون شده باشد.

پی نوشت ها :

-
- ۱- قاموس اللغه، ج ۲ ص ۱۴ .
 - ۲- مجمع البحرین، ماده حَمَر .

- ٣رجال نجاشي، ص ١٥٢ وفهرست شيخ، ص ١٠٢ .
- ٤همان، ص ١٥٢ وفهرست شيخ، ص ١٠٢ .
- ٥همان، ص ٢٣٦ .
- ٦رجال كششي، ج ٢، ص ٨٦٤ .
- ٧فهرست شيخ، ص ١٠٢ .
- ٨رجال نجاشي، ص ١٥٢ .
- ٩همان، ص ٢٧٦ .
- ١٠الرجل اصطلاح محدثين شيعه به امام هادي (ع) اطلاق مي شود .
- ١١رجال محقق اردبيلي، ج ١ ص ٤٧٩ .
- ١٢رجال شيخ طوسي، ص ٤١٩ .
- ١٣همان، ص ٤٣٢ .
- ١٤تنقيح المقال، مماقاني، ج ١ ص ١٣٦ و جامع الروات ج ١، ص ٤٧٩ .
- ١٥رجال شيخ، ص ٤١٣ .
- ١٦همان، ص ٤٢٣ .
- ١٧جامع الروات، ج ١، ص ٤٧٩ و تنقيح المقال ج ١ ص ٣٠٠ .
- ١٨تنقيح المقال، ج ١، ص ١٦٠ .
- ١٩مالي صندوق، مجلد ١٠، ص ٤١ .
- ٢٠همان، ٣٦، ص ١١٦ .
- ٢١همان، ٣٧، ص ١٧١ .
- ٢٢همان، ٣٨، ص ١٧٨ .
- ٢٣همان، ٣٩، ص ١٨١ .
- ٢٤همان، ٤٨، ص ٢٣٨ .

- ٢٥مءل ي ص دوق، م جـــــــــــــــــل س ٤٨، ص ٢٣٨ .
 - ٢٦شـــــــــــــــــرح مشـــــــــــــــــيخه، ج ٤، ص ١٢٢ .
 - ٢٧همــــــــــــــــان .
 - ٢٨همــــــــــــــــان .
 - ٢٩نجاشــــــــــــــــي، ص ٢٥١ .
 - ٣٠جامع الـــــــــــــــــروا، ج ١، ص ٤٧٨ .
 - ٣١نجاشــــــــــــــــي، ص ٢٥٠ و خلاصـــــــــــــــــه علامـــــــــــــــــه، ص ١٥٧ .
 - ٣٢رجــــــــــــــــال نجاشــــــــــــــــي، ص ١٥٢ .
 - ٣٣رجــــــــــــــــال نجاشــــــــــــــــي، ص ١٢٧ و جامــــــــــــــــع الـــــــــــــــــروا، ج ١، ص ٤٧١ .
 - ٣٤جامــــــــــــــــع الـــــــــــــــــروا، ج ١، ص ٤٧١ .
 - ٣٥فهرســــــــــــــــت، ص ١٠٢ .
 - ٣٦نجاشــــــــــــــــي، ص ١٥٢ .
 - ٣٧وســــــــــــــــائل الشــــــــــــــــيعة، ج ٢، ص ٤٠ .
 - ٣٨بحــــــــــــــــار الــــــــــــــــانــــــــــــــــوار، ج ١، ص ٦ .
 - ٣٩قرب الــــــــــــــــاسناد بــــــــــــــــه تحقــــــــــــــــيق صاــــــــــــــــدق اردســــــــــــــــتاني، ص ٣٩ .
 - ٤٠همــــــــــــــــان، ص ٤١ .
 - ٤١همــــــــــــــــان، ص ٥١ .
 - ٤٢رجــــــــــــــــال نجاشــــــــــــــــي، ص ٢٥١ .
- ٤٣همان، ص ٢٥١ .

احمد بن ادریس اشعری قمی فقیه نامدار، محدث عالیقدر و یکی از چهره های درخشان شهر مقدس قم است. وی در قرن سوم هجری زندگی می کرد و توفیق یافت به محضر پیشوای یازدهم، حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) شرفیاب شود. از اطلاعات به دست آمده، از منابع معتبر، چنین برمی آید که وی در نیمه اول قرن تا سال ۳۰۶ هجری قمری می زیسته .

احمد ابن ادریس دانشهای مختلف را از محضر اساتید و دانشوران نامدار امامیه عصر خویش، همچون احمد بن اسحاق قمی (سفیر امام زمان «عج» در شهر قم)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (که دانشمندان علم رجال قداست نفس و عظمت روحش را به نیکوترین وجه ستوده، به عدالتش تصریح کرده اند) و ده ها تن از چهره های درخشان شیعه، فرا گرفت و موفق به تألیف کتاب های ارزشمند فقهی و حدیثی شد .

او روایات متعددی را از ائمه اطهار علیها سلام نقل کرده است. شاگردان دانشمندی در مکتب تربیت شده اند و او به آنان اجازه روایت داد. از مهمترین و مشهورترین شاگردان وی می توان ثقة الاسلام، محمد بن یعقوب کلینی را نام برد که صاحب مطمئن ترین کتاب حدیثی شیعه یعنی «کافی» است و کلینی در آن روایات ابن ادریس را بدون واسطه نقل کرده است .

القاب و اسامی

در کتاب های روایی و رجالی و در اسناد روایات از وی با نامهای، ابوعلی اشعری، احمد ابن ادريس قمی، احمد ابن ادريس بن احمد یاد می شود. به نظر صاحب کتاب «معجم رجال الحديث» مراد از همه اینها احمد ابن ادريس

صفحه ۷۴

اشعری قمی است.^(۱)

فعالیت های گسترده

چنانکه از گفته دانشمندان بر می آید، احمد ابن ادريس فقه و حديث شناس شیعه، فعالیت های وسیعی در نشر حقایق و معارف قرآن و اهل بیت علیه السلام در سال های ۲۵۰ تا ۳۶۰ انجام داد شخصیت های ممتازی همچون ابو عمر و کشي با يك واسطه و محمد بن یعقوب کلینی مستقیما و سایر محدثین از وی حديث آموخته، به نسل های بعد منتقل کردند. درخشش این شخصیت والا مقام زمانی بیشتر احساس می شود که بدانیم ایشان دویست و هشتاد حدیث ارزشمند از ائمه اطهار (ع) برای ما به یادگار گذاشته است.

او علاوه بر فراگیری و انتقال علم حدیث به شاگردان و فرزندان فرزانه خویش به شهرهای کوفه، بغداد و کشور حجاز مسافرت کرد تا با ترویج، تبلیغ و نشر احکام نورانی اسلام وظیفه الهی خود را انجام دهد.^(۲) وی همچنین با عموزاده های قمی خویش (احمد ابن اسحاق و محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد) در همین رابطه همکاری نزدیک داشته.

ویژگی درخشان

از ویژگیهایی که در زندگی این مرد ممتاز قمی به چشم می خورد، رقم بالای اساتید و شاگردان اوست. صاحب «معجم رجال الحديث» حدود ۲۹ نفر از اساتید و ۱۵ نفر از شاگردان او را نام می برد^(۳)، که این خود امتیاز مهمی برای او محسوب می شود.

احمد علاوه بر اینکه از فیض تشرف به حضور حضرت امام حسن عسکری برخوردار بود، از بزرگان و دانشمندان امامیه در نیمه دوم قرن سوم بهره‌های فراوانی برد. در کتاب «معجم الرجال» تعدادی از اساتید روایی وی معرفی شده‌اند که مهمترین آنها عبارتند از احمد ابن اسحاق قمی، بنیانگذار مسجد امام حسن عسکری و سفیر امام زمان (عج) در شهر قم، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، احمد بن ابی عبدالله برقی، ابراهیم ابن هاشم قمی، محمد ابن احمد بن یحیی عطار قمی، محمد بن حسین ابن ابی الخطاب، حسن بن علی دقاق کوفی، محمد ابن عبدالجبار قمی (که همان محمد بن ابی صهبان است)، محمد ابن حسان رازی، محمد ابن حمدان کوفی، محمد ابن پندار قمی و محمد ابن علی بن محبوب قمی^(۴)

در نگاه دانشمندان

شیخ طوسی می‌نویسد: احمد ابن ادریس ابو علی اشعری قمی در میان علمای ما دانشمندی موثق و فقیه و دارای احادیث صحیح بسیار بود. او کتاب بزرگ و پرفایده «النوادر» را تألیف کرد و شیخ در کتاب رجال ضمن شمارش یاران امام عسکری (علیه السلام) می‌نویسد: احمد بن ادریس قمی معلم، به خدمت حضرت عسکری (علیه السلام) رسید ولی از وی روایت نکرده است^(۵)

شیخ ابو عمر کشی در گزیده رجال احادیث زیادی را با يك واسطه از احمد ابن ادریس نقل می‌کند. از جمله در شرح حال «فضیل بن یسار» از ابراهیم بن محمد بن عباس روایت می‌کند که (وی گفت: برای من احمد ابن

ادريس معلم قمی نقل کرد از محمد بن احمد بن يحيى^(۶)...

علامه حلی بعد از شرح حال وی می گوید: خدا او را رحمت کند. من به روایت او اعتماد دارم^(۷)

ابن شهر آشوب مازندرانی می نویسد: احمد ابن ادريس، ابو علي اشعري قمی مورد اعتماد و صاحب کتاب های پر فایده «نوادر» و «المقت و التوبیخ» است.

ابو العباس نجاشی می گوید: وی دانشمندی موثق و در میان علمای ما فقیه، صاحب احادیث بسیار و روایات صحیح می باشد^(۸).

آیت الله خوئی می نویسد: «ابو علي اشعري، احمد ابن ادريس قمی که همان احمد ابن ادريس ابن احمد است، در اسناد بسیاری از روایات قرار دارد و تعداد آن به دویست و هشتاد روایت می رسد.» آنگاه وی اساتید، شاگردان و روایات او را به تفصیل بیان می کند.^(۹)

آقابزرگ تهرانی می نویسد: احمد ابن ادريس بن احمد، ابو علي اشعري قمی، استاد ثقة الاسلام کلینی و استاد ابن قولویه است. وی دو فرزند به نام های حسن و حسین دارد که هر دو استاد شیخ صدوق، محدث معروف و صاحب کتاب «من لا یحضره الفقیه» است^(۱۰)

آثار و تألیفات

احمد ابن ادريس، محدث فداار و فقیه پرهیزگار خاندان اشعري، نتیجه یافته های علمی خویش را در قابل تألیفات و روایات، برای عالم تشیع عرضه کرده است.

احتمال دارد این فقیه تلاشگر کتاب ها و آثار دیگری غیر آنچه ذکر شده

صفحه ۷۷

داشته باشد^(۱۱) وی علاوه بر تحویل کتاب های مفید، بیشترین تلاش و همت خویش را در تربیت شاگردان و نقل روایات از ائمه اطهار علیها سلام به کار برد. و آنچه را محضر بزرگان فقه و حدیث و مفاخر فن اندوخته بود، در قالب احادیث و روایات به شاگردان فاضل و

روایان عرضه کرد. آثارش را می توان در کتاب «الكافي» و «تهذيب» «استبصار» «وسائل الشیعه» و سایر کتب روایی یافت. آثار وی در موضوعات مختلف همچون احکام صلوة، عقود، ولادت و زیارت پیامبر (صلي الله عليه و آله و سلم)، سیره ائمه علیها سلام، تفسیر اخلاق و آداب اجتماعی است.

شاگردان با فضیلت

احمد ابن ادریس سرمایه علمی - معنوی اش را به دانشمندان اوایل قرن چهارم عرضه کرد و بسیاری از محدثان، مؤلفان، فقها و دانشمندان نامی شیعه در آن عصر از وی روایت کردند، حدیث شنیدند، اجازه نقل حدیث گرفتند یا کتب حدیثی بر وی قرائت کردند. برای آشنایی بهتر با مقام علمی احمد بن ادریس به معرفی چند نفر از شاگردان معروف وی می پردازیم:

- ثقة الاسلام کلینی

مشهورترین شاگرد احمد ابن ادریس ثقة الاسلام محمد ابن یعقوب کلینی^(۱۲) رازی است. وی محدث نامدار و موثق شیعه در عصر غیبت صغری و مؤلف کتاب «کافی» است. شیخ مفید درباره این کتاب می نویسد: مجللترین کتاب امامیه به شمار می رود و دارای هشتاد هزار بیت^(۱۳) و شانزده هزار و صد و نود و نه حدیث است و در مدت بیست سال تحقیق و تفحص کرده، سپس

صفحه ۷۸

تألیف فرموده است. وی مرجع فتوای خاص و عام بود^(۱۴)، این ابن اثیر، دانشمند معروف اهل تسنن، در «جامع الاصول» از وی به عنوان مجدد مذهب امامیه در سال سیصد هجری نام می برد^(۱۵) و فیض کاشانی ضمن تمجید از کتب اربعه، می فرماید: کافی شریفترین، مطمئن ترین، کاملترین و جامعترین آن ها است.^(۱۶) کلینی در سال ۳۲۹ اول غیب کبری در

شهر بغداد وفات کرد و در «باب الکوفه» به خاک سپرده شد. شیعیان مرقدی روی قبرش بنا نمودند و به عنوان زیارتگاه عموم مردم شناخته شد.

کتاب های دیگری نیز از کلینی به نام های «رد بر قرامطه» کتاب «تعبیر رؤیا»، «رسائل الائمه علیها سلام» به یادگار مانده است. ^(۱۷)

۲- ابو علی برفری ^(۱۸)

ابو علی احمد ابن جعفر ابن سفیان بزوفری، معروف به ابو علی بزوفری، شاگرد مخصوص و ممتاز احمد بن ادريس و یکی از محدثین و راویان پر تلاش شیعه در عصر خویش بود. او شاگردانی همچون: شیخ مفید، حسین ابن عبیدالله غضائری و شیخ ابو عبدالله تلعبکری (متوفی؛ ۳۸۵ هـ ق) تربیت کرده. شیخ طوسی می نویسد: تلعبکری از او روایت کرده و در سال ۳۶۵ از وی حدیث شنید و اجازه گرفت. شیخ مفید و حسین ابن عبیدالله غضائری (که شاگردان وی می باشند) نیز از او به ما روایت نقل کرده اند ^(۱۹)

۳- ابو عبدالله بزوفری (سفیر امام زمان علیه السلام)

ابو عبدالله حسین ابن علی بزوفری مانند پسرعموی خویش، ابو علی بزوفری، از شاگردان احمد ابن ادريس بود و همانند او مقام استادی تلعبکری،

صفحه ۷۹

شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائری داشت، ولی شخصیت علمی وی به مراتب بالاتر از ابوعلی است و کتاب هایی همچون «حج» - «ثواب الاعمال» - «احکام صید» - «رد بر واقفیه» و «سیره النبی و الائمه علیها سلام فی المشرکین» از تألیفات او است. شیخ طوسی با یک واسطه، و شیخ مفید (شاگرد وی) بدون واسطه از او روایت نقل کرده اند. محدث قمی (قدس سره) می نویسد: از روایت کمال الدین تظاهر می شود، او یکی از سفراء امام زمان علیه السلام بوده است که از امتیازهای درخشان در زندگی این شخصیت فرزانه این

است که سند دعای ندبه به فرزند دانشمند و محدث او، محمد بن حسین بزوفری^(۲۰) می رسد.

۴- علی ابن حاتم قزوینی

آثار و تألیفات زیادی از علی ابن حاتم قزوینی بجا مانده است. شیخ طوسی می گوید: «ابو الحسن علی ابن حاتم قزوینی» دانشمندی موثق و مورد اعتماد است. او کتاب های متعددی به رشته تحریر در آورد که بسیار نیکو و مورد اعتماد است. کتاب های او در موضوعات مختلف فقهی همچون، وضوء، صلوٰه، صوم، زکات، حج، عمل شهر رمضان، توحید و... است. علاوه بر کتاب های فوق نجاشی کتاب های «شناخت اذان»، «قبله»، «وقف»، «سهو»، «یوم و لیل»، «فرائض»، «مصایح النور»، «بیان و ایضاح»، «مصایح موازین عدل»، علل، «الصفوة فی اسماء امیر المؤمنین (علیه السلام)، «صفات انبیاء»، «رد بر قرامطه»، «رد بر اهل بدعتها و حدود دین» را نیز بر تألیفات او می افزاید و می نویسد: این کتاب ها را ابو عبدالله بن شاذان به نقل از ابوالحسن علی ابن حاتم به ما نقل کرد^(۲۱) مانند احمد بن جعفر بن محمد ابن قولویه، جعفر بن محمد ابن قولویه، علی ابن الحسین بن بابویه قمی و... و در کتاب «معجم رجال الحدیث»، اسامی ۱۵

صفحه ۸۰

نفر از آنان ذکر شده است.

فرزندان محدث

احمد ابن ادريس دو فرزند دانشمند از خود به یادگار گذاشته که هر دو از محضر پدر

بهره مند شده اند.

۱- حسن ابن احمد ابن ادريس قمی

او از محدثین مورد اعتماد امامیه است، و عموماً از پدرش حدیث نقل می‌کند. آثارش را می‌توان در کتاب‌های «کمال الدین» (باب ۳۳ و ۴۲)، «عیون اخبار الرضا» (باب ۵، ج ۱) «تهذیب» (ج ۶، ح ۱۶۸) در موضوع زیارت امام هشتم علیه السلام یافت، حسن ابن احمد استاد حدیث شیخ صدوق نیز می‌باشد و بارها از استادش، حسن بن احمد روایت نقل کرده، از وی تجلیل می‌کند، محمد ابن احمد بن داود هم یکی دیگر از شاگردان حسن ابن احمد محبوب می‌شود. (۲۲)

۲- حسین ابن احمد ابن ادریس قمی

حسین ابن احمد هم مثل برادرش حسن از محدثین مورد اعتماد و عنایت علمای بزرگ امامیه است. وی مکنی به ابو عبدالله و استاد شخصیت‌هایی همچون شیخ صدوق، تلکبری، حسین ابن علی ابن بابویه (برادر شیخ صدوق) و حیدر ابن محمد ابن نعیم سمرقندی (دانشمند جلیل القدر شیعه) است که بعضی از آنان از محضر وی استفاده کرده، اجازه روایتی دریافت کردند.

در عظمت شخصیت وی و برادرش همین کافی است که شیخ صدوق،

صفحه ۸۱

زئیس محدثین شیعه هر کجا از ایشان اسم می‌برد و یا روایت نقل می‌کند، رحمت فرستاده و از آنان اظهار رضایت می‌کند، صاحب «اعیان الشیعه» نیز می‌فرماید: این نکته، می‌تواند دلیل بر مقبولیت روایت و شخصیت وی نزد علمای شیعه باشد (۲۳)، اینک نمونه‌ای از روایت حسین ابن احمد را به نقل از شیخ صدوق در امالی، مرور می‌کنیم.

آرزوی خدایی

قال رسول الله (صلي الله عليه وآله وسلم) من تمنى شيئاً و هو لله رضا كم يخرچ من الدنيا حتي يعطاه (۲۴)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس چیزی را آرزو کند که رضای خدا در آن است قبل از اینکه از دنیا برود، خداوند متعال او را به آرزوی خویش می‌رساند.

سفر به سوی ابدیت

احمد ابن ادریس که در قرن سوم و اوائل قرن چهارم زندگی سراسر افتخار خویش را می‌گذرانید، بعد از يك عمر کوشش در راه تحقق اهداف عالیه اسلامی و آثاری مدون و شاگردانی مبرز و احادیث نورانی از اهل بیت (علیه السلام) در سال ۳۰۶ در منطقه «قرعاء» در راه مکه از مسیر کوفه، دعوت آسمانی را لبیک گفته و روح بلندش به ملکوت اعلاء پر کشید. (۲۵)

نمونه ای از روایات احمد ابن ادریس

نمونه هایی از احادیث احمد بن ادریس را به عنوان حسن ختام این نوشتار

صفحه ۸۲

ذکر می‌کنیم.

۱- عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: من صدق لسانه زکا عمله، و من حسنت نیته زاد الله فی رزقه، و من حسن بره باهله زاد الله فی عمره. (۲۶)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آنکه زیانش راستگو است، عملش پاکیزه می‌شود و آنکه نیتش خوب است، خداوند متعال روزی او را زیاد خواهد کرد و هر کس با خانواده خویش خوشرفتاری کند، خداوند عمرش را افزایش می‌دهد.

تجدید وضو

۲- عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: الظهر علی الظهر عشر صفات. (۲۷)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: تجدید وضو، بدون اینکه حدثی صادر شود، ده حسنه دارد.

نور نخستین

۳- عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال: ان لله كان اذ لا كان، فخلق الكان و المكان، و خلق نور الانوار، الذي نورت منه الانوار و اجري فيه من نوره الذي نورت منه الانوار و هو النور الذي خلق منه محمدا و عليا، فلم يزالا نورين، اولين، اذ لاشيء كون قبلهمات، فلم يزالا يعجريان طاهرين مطهرين في الاصلاب الطاهره حتي افترقا في اطهر طاهرين في عبدالله و ابي طالب عليها سلام. (۲۸)

امام صادق (عليه السلام) فرمود: خدا بود، آنگاه که هیچ پدیده ای نبود، سپس پدیده

صفحه ۸۳

و مکان و نور الانوار را آفرید، که همه نورها از او نور گرفت و از نور خود که همه نورها از آن نور یافت در آن (نور الانوار) جاری ساخت و همان نوری است که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) را از آن آفرید، پس محمد و علی (علیه السلام) دو نور نخستین بودند، زیرا بیش از آنها چیزی پدید نیامده بود و آن دو پاک و پاکیزه در صلبهای پاک جای بودند تا آنکه در پاک ترین آنها (عبدالله و ابوطالب) از یکدیگر جدا گشتند.

دامان پاک و بهشتی

۴- عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال: نزل جبرئيل (عليه السلام) علي النبي (صلي الله عليه و آله و سلم) فقال: يا محمد! ان ربك يقرئك السلام و يقول اني قد حرمت النار علي صلب انزلك و بطن حملك و حجر كفلك، فالصلب صلب ابيك عبدالله بن عبدالمطلب و البطن الذي حملك فآمنه بنت و هب و اما حجر كفلك فحجر ابي طالب - و في رواية ابن فضال - و فاطمه بنت اسد. (۲۹)

امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل علیه السلام بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد و گفت: ای پیامبر پروردگارت سلام می رساند و می فرماید: من آتش دوزخ را

بر پشتي که ترا فرود آورد شكي که بر تو آبتن شد و داماني که ترا پرورید حرام کردم: آن پشت، پشت عبدالله بن عبدالمطلب است و شکمي که به تو آبتن شد، آمنه دختر وهب مي باشد و اما داماني که تورا پرورید، دامن ابي طالب است، - و طبق روايت ابن فضال - فاطمه بنت اسد است .

پي نوشت ها :

-
- ۱ معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۳۶ .
 - ۲ مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۱۵ .
 - ۳ معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۳۷ .
 - ۴ همان .
 - ۵ فهرست شيخ طوسي، ص ۲۶، اعيان الشيعة، ج ۲، ص ۴۷۷، رجال شيخ، ص ۴۲۸ .
 - ۶ مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۱۱، به نقل از رجال کشي، ص ۱۸۵، معلوم مي شود احمد ملقب به «معلم» بوده است و اين شايد به جهت استادي وي نسبت به علماي عصر بوده است .
 - ۷ خلاصه الاقوال، ص ۱۶ .
 - ۸ اعيان الشيعة، ج ۲، ص ۴۰ .
 - ۹ معجم رجال الحديث، ص ۴۷۷ .
 - ۱۰ مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۱۴، بنقل از اعلام الشيعة، نوايع الروايات في رابعة المات، ص ۱۹ .
 - ۱۱ همان منبع .
 - ۱۲ کلين بر وزن زبير روستايي در نزديكي شهر ري مي باشد که پدر وي يعقوب ابن اسحاق در آنجا مدفون است .

- ۱۳ احتمالاً مراد از «بیت» در عبارت مرحوم محدث قمی «سطر» باشد .
- ۱۴ فوائد الرضویه، ص ۶۵۸ .
- ۱۵ جامع الاصول، ج ۱۱، ۳۲۳، د بیا تلخیص .
- ۱۶ مقدمه وسائل الشیعه، ص ۶۵ .
- ۱۷ فوائد الرضویه، ص ۶۵۸ .
- ۱۸ بزوفر به فتح با وفاء، روستایی بزرگ نزدیک منطقه واسط واقع در غرب بغداد است .
- ۱۹ رجال شیخ، ص ۴۴۳، و فوائد الرضویه، ص ۱۴ .
- ۲۰ با استفاده از فوائد الرضویه، ص ۱۴۴، و مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۱۱۴، و ص ۱۱۶، به نقل از نوابغ الرواة .
- ۲۱ رجال نجاشی، ص ۱۸۶ و مفاخر اسلام، ج ۲ (به نقل از رجال شیخ) ص ۴۸۲ و فهرست ص ۹۸ .
- ۲۲ معجم، ج ۴، ص ۲۹۱، و مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۱۶ .
- ۲۳ اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۴۱۷ .
- ۲۴ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۴، به نقل از امالی صدوق ۴۶۳ / ۱۲ .
- ۲۵ رجال نجاشی، ص ۶۷ .
- ۲۶ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۵، ج ۱۹ .
- ۲۷ همگان، ص ۳۷۶، ج ۳ .
- ۲۸ اصول کافی، جزء ۱، کتاب الحجة، باب مولد النبی، ج ۹ .
- ۲۹ همان، ج ۲۱ .

عبدالحسین غروی تبریزی

شکوه و ارستگی

علی احمد پورترکمانی

بسمه تعالی

حضرت آیه الله آقای حاج سید علی خامنه ای رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) یگانه تحفه و ذخیره جامعه روحانیت در این زمان می باشد و این جانب با کمال افتخار به مرجعیت دینی ایشان در تمشیت امور مسلمانان جهان معتقد هستم، ذریه بعضها این بعض. السلام علیه .

الاحقر عبدالحسین غروی

۲۶ / ج ۱۴۱۵

تولد مبارک

در سال ۱۳۲۸ ه ق، در (شهر نجف اشرف) و جوار بارگاه ملکوتی امیر مؤمنان کودکی دیده به جهان گشود که نامش را عبدالحسین نهادند، وی ایام کودکی را در آن شهر سپری ساخت و در شش سالگی وارد مدرسه علوی در نجف اشرف شد . عبدالحسین بعد از گرفتن گواهی نامه ششم ابتدایی بود که پا به مدرسه دینی نهاد و چنانچه خود می گوید: «پدرم از تبریز نوشت خوب است ایشان همان روش آباء و اجداد خود را پیشه کند و به تحیل علوم دینی پردازد .^(۱)

سفارش پدر بزرگوارش او را مصمم ساخت و تصمیم گرفت و در نجف کنار بارگاه ملکوتی حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) دروس حوزوی را آغاز کند . عبدالحسین بعد از تحصیل دروس مقدماتی، قوانین را در محضر آقا شیخ حسین اهری، و مقداری از مکاسب را

در محضر مرحوم شیخ ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه بر کفایه خواند و جلد اول کفایه الاصول را در محضر آیت الله محمد باقر زنجانی فرا گرفت .

خاندان

آیت الله عبدالحسین غروی بیش از سیصد سال از بزرگان و علما بودند و در منطقه انزاب نام آشنایی داشتند. انزاب منطقه ای بین تبریز تا دوفرسخی سلماس را گویند. سرزمین بسیار وسیع و مهمی که مردمان فهمیده و عالمان بزرگی داشته و دارد و جد بزرگ ایشان سیصد سال پیش امام جمعه خامنه بوده است. پدر آیت الله غروی نیز از علمای بزرگ بود چنانکه استاد

صفحه ۸۸

محمد شریف رازی در مجموعه گنجینه دانشمندان درباره پدر آیت الله غروی می نویسد

:

«ایشان پس از تحصیل و فراگیری علوم حوزوی در تبریز به نجف اشرف مشرف می شود و در آنجا از محضر بزرگانی همچون مرحوم سید یزدی صاحب عروة الوثقی، مرحوم شریعت اصفهانی و آخوند خراسانی بهره می برد و مورد لطف و توجه آن بزرگان قرار می گیرد اجازاتو تقریرات خوبی از آنان داشت» (۲)

از آیت الله شیخ مرتضی چهرگانی سه فرزند به نامهای عبدالحسین، محمد حسین، غلامعلی به یادگار مانده است .

هجرت از نجف به تبریز

عبدالحسین پس از سالها تحصیل و خوشه چینی در نجف اشرف از محضر بزرگان، بنا به امر پدرش در سن ۲۲ سالگی عزم سفر به تبریز کرده راهی ایران می شود. وی در این مورد

می گوید:_____

«مشغول تحصیل بودم که مرحوم والد نوشت برای دیدار چند صباحی به تبریز بیایید» (۳)

عبدالحسین برای دیدار و صله رحم به تبریز می‌آید و این نظر جاری بود که ایران در آستانه تحولات قرار داشت و مرزها به دستور رضا خان بسته می‌شود. ایشان دیگر نمی‌تواند به نجف برگردد و به همین جهت اقامت وی در تبریز طولانی می‌شود. ایشان سه سال در تبریز از فیوضات آیت الله العظمی ابوالحسن انگجی بهره‌مند می‌گردد.

صفحه ۸۹

هجرت به قم

آقا عبدالحسین در سال ۱۳۵۳ هجری قمری در سن ۲۵ سالگی وارد شهر مقدس قم شد. جلد دوم «کفایة الاصول» را در محضر مرحوم آیت الله میرزا محمد همدانی که یکی از مدرسین برجسته آن زمان بود فرا می‌گیرد و بعد از اتمام سطح در درس خارج مرحوم آیت الله العظمی حائری و مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت شرکت می‌کند. عبدالحسین به مرحوم شیخ عبدالکریم حائری ارادت خاصی داشتند و از او به عظمت و بزرگی یاد می‌کردند و بقاء حوزه را مرهون زحمات حاج شیخ و عظمت او می‌دانست بعد از ارتحال حاج شیخ عبدالکریم در سنه ۱۳۵۵ حوزه به همته آیات ثلاث از جمله آیت الله العظمی سید محمد حجت از گزند حوادث مصون مانده عبدالحسین سالها در محضر پر فیض این عالم جلیل القدر تلمذ نمود و ارادت زیادی به حضرت ایشان داشت.

شیخ عبدالحسین بعد از ۱۲ سال تحصیل در سطوح عالیّه حوزه علمیه قم به درجه عالیّه اجتهاد نائل گشت.

هجرت به تبریز

آیت الله غروی در سال ۱۳۶۳ هجری قمری در سن ۳۴ سالگی به تبریز مراجعت نمود و در شهر تبریز رحل اقامت گزید و به رسالت الهی خود از جمله تدریس، امامت جماعت و

عظ و تبلیغ و تعلیم و ارشاد و اهتمام به مباحث اخلاقی و تربیتی و علاوه بر اینها به تدریس فقه و اصول می پردازند .

صفحه ۹۰

دلداده اهل بیت (علیهم السلام)

آیت الله غروی در عشق به اهل بیت ذوب شده بود و دین و سیاست و تولی و تبری در رفتار و گفتار ایشان متجلی بود زمانی که سخن از فضائل اهل بیت (علیهم السلام) می گفت و به نام حضرات معصومین (علیهم السلام) می رسید احساس می شد که در درون این مرد الهی غلیان عجیبی ایجاد و اشک از چشمان نورانی و ملکوتی اش سرازیر می شد گریه همراه با تبسم ایشان آنقدر زیبا و قشنگ بود که هر بیننده را با آن اقیانوس ادب و معرفت نزدیک می ساخت به همین نسبت نزدیک با خاندان رسول خدا بود که گاهی می گفت : «حضرت فاطمه معصومه (س) خیلی مهمان نواز است ما باید خود را لایق مهمانی ایشان کنیم و الله با اینکه تعداد ما در زمان طاغوت ۵۳۰ نفر بود و تحت فشار پهلوی هم بودیم اما دلخوش بودیم که الحمد لله در جوار حضرت معصومه (س) هستیم. من به همه آقایانی که در قم تشریف دارند تبریک عرض می کنم که در عش آل محمد هستند» (۴)

یار دیرین امام (قدس سره)

آیت الله غروی یکی از یاران و همراهان امام و پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی بود. این حمایت آنقدر قوت داشت که از مشاهده آن روحانی فرزانه شهید صدر به ذهن تداعی می کرد (ذوبوا فی الامام الخميني كما ذاب هو فی الاسلام) وی در مورد امام می فرمود:

«امام به قدری بزرگوار بود که در يك جمله عرض می کنم من در

صفحه ۹۱

حدود ده سالي که با ايشان معاصر بودم و حتي دوستان نمي دانستيم که ايشان شعر مي گويد. عصرهاي پنجشنبه در مدرسه فيضيه درس اخلاق مي گفتند و به احترام مرحوم حاج شيخ بر روي منبر نمي نشستند حتي بازياران قم هم در درس اخلاق ايشان شرکت مي کردند. اما با آن عظمتشان خيلي هم ظريف بودند و در عين اينکه با وقار بودند موقع مناسب شوخي هم مي کردند، واقعا وفات ايشان ضايعه بود ^(۵).

نا گفته ها

آيت الله غروي هميشه توصيه مي کرد که قدر اين نظام و ولايت را بدانيد و براي احياء تمامي ارزشهاي والاي الهي انسان تلاش کنيد وگرامي داشت ياد امام و شهيدان و ايشاگران را از شعائر بزرگ الهي مي دانستند و مي فرمودند:

«من بسيار متأسفم و گلایه مندم از کسانی که امروز نسبت به این عظمتی که برای اسلام و روحانیت پیش آمده بی تفاوتند، آنان که آن روزهای سخت و طاقت فرسا را دیده اند باید قدر این روزها را بدانند بر این نعمت بزرگ خدا را شکر کنند امام خمینی (قدس سره) با یاران ایشاگر و مجاهدش ما را از ذلت و بدبختی نجات دادند. آیا نباید از چنین پاکانی سپاسگذار باشیم و بر چنین نعمتی شکرگزار؟ با تساهل در حفظ این نعمت کفران نعمت نکنیم ^(۶)».

آيت الله غروي مي فرمودند علما و روحانيت براي اسلام خون دادند، خون دل خوردند اين همه شهداء، بايد قدر اين حرکت را بدانيد. در اين نهضت امام

صفحه ۹۲

عظمت اسلام و مسلمين نمايان شد انسانهايي به کمالات رسيدند اينها افتخارات اسلام هستند : شهداء عالم را مي بينند و ما نمي بينيم .

روزگار جهاد و مبارزه

در زیر اکثر اعلامیه ها و تلگرافهای سالهای حساس انقلاب قبل از ۱۳۴۲ و بعد امضای آیت الله غروي دیده می شود و ایشان یا به قلم خود و یا زیر نظر و توجه ایشان متن اعلامیه ها و تلگرافها تنظیم می شد و نام آیت الله غروي برای همه مبارزین خط مقدم اسلام نامی آشناست. ایشان در مبارزات مردم تبریز به همراهی بزرگان دیگر همچون آیه الله قاضی طباطبائی و آیه الله سید محمد انگجی و آیه الله میرزا عبدالله مجتهدی). شرکت فعال داشت (۷).

مبارز آگاه

همچنان که آیه الله غروي در فعالیت های مبارزاتی و سیاسی پیشرو بودند در مبارزه با الحاد و القانات و رد شبهات نیز سهم بسزایی داشتند، و در کتاب مفاخر آذربایجان آمده زمانی که کسروی با دین و مذهب به نبرد برخاسته بود معظم له از جمله کسانی بود که به رد گفته های او پرداخت که بعدها به نام کتاب اسلام و شیعه به چاپ رسید. (۸)

صفحه ۹۳

ره توشه

آیه الله غروي نمونه ای از ماعت طبع و بزرگواری بود با آنکه خیلی سختی و بی مهری و فشار کشیده بود اما با این حال همچنان مقاوم و بردبار بود و این منش و رفتار الهی را سفارش و در این جهت آیه الله شریانی را مثال می زد. در ماه رمضان شخصی پاکتی به ایشان می دهد آن مرحوم متوجه محتوای پاکت نمی شود در منزل پاکت را باز می کند می بیند محتوای پاکت مقداری پول است از طرف استانداری (رژیم سابق) از فرط ناراحتی تا صبح نمی تواند بخوابد، فردای آن روز پاکت را به فرد موثقی می دهد که تحویل استاندار بدهد. (۹)

روزگار غیبت

آية الله غروي از دوران گذشته خود خاطرات تلخ و شیرین دارد و این بار به خاطرات دوستان خود می پردازد. تبریز در زمان وفات آية الله العظمي آسیدابوالحسن اصفهانی در حدود ۸۰ نفر عالم داشت که فقط ۵ نفر آنها در ثم تحصیل کرده بودند که ما بقی تحصیل کرده نجف اشرف بودند در حال حاضر يك نفر از آن طلاب اهل نجف در تهران ساکن است و دومی بنده هستم و بقیه همگی مرحوم شدند به همین جهت است می گویم در تبریز غریب هستم. (۱۰)

آية الله غروي و ولایت

آية الله غروي از رهبر معظم انقلاب به عنوان پاسدار دین و فقاها و سلاله

صفحه ۹۴

حضرت فاطمه علیها سلام یاد می کرد و می فرمود:
«نجات دهنده اسلام امروز ایشان هستند». (۱۱)

بعد از ارتحال حضرت آية الله اراکي، آية الله غروي از جمله علمایی بودند که در تأیید مرجعیت آية الله خامنه ای نامه نوشتند و مسائل اجتهاد و ولایت را مطرح نمودند و لزوم مراجعه امت حزب الله در مسأله تقلید را به ایشان تأکید نمودند. رهبر معظم انقلاب نیز علاقه و ارادت زیادی نیست به آية الله غروي داشتند و در همین اواخر سال ۱۳۷۱ که به تبریز تشریف آورده بودند جهت دیدار به منزل آية الله غروي رفته بودند.

پشتیبان امت حزب الله

آية الله غروي در همه تند بادهاي روزگار پناهگاه و پشتیبان امت حزب الله تبریز بودند و در طول هشت سال دفاع مقدس، تقویت کننده رزمندگان و مخصوصاً لشکر همیشه پیروز و خط شکن ۳۱ عاشورا بودند و با آن کهولت سن در مراسم های سپاه و بسیج و اعزام حضور می یافتند.

آية الله غروي حدود دو دوره در مجلس خبرگان حضور داشتند و تا آخذ عمر شریفشان امام جمعه موقت شهر تبریز بودند .

اجازات

آية الله غروي اجازات اجتهاد از اساتید معظم خود از جمله مرحوم آية الله العظمي آقا ضياءالدين عراقی، مرحوم آية الله العظمي آقا سيد ابوالحسن اصفهانی، مرحوم آية الله العظمي آقا سيد محمد حجت کوه کمری (رضوان الله تعالی عليهم) دریافت کرد^(۱۲).

صفحه ۹۵

آثار

از آية الله آقا شيخ عبدالحسين غروي آثار گوناگونی به اقتضای زمان به جای مانده که عبارتند از:

۱- کتاب اسلام و شیعه به زبان فارسی مطبوع در تبریز در سال ۱۳۶۳ قمری .

۲- کتاب تقریرات افادات مرحوم آية الله العظمي حجت .

۳- اصول و فقه .

۴- مصلح جهانی یا مهدی موعود (عج) .

۵- اخلاق .^(۱۳)

عروج

این عالم ربانی و فقه صمدانی پس از عمری نزدیک به یک قرن خدمت و جهاد و مبارزه و سیر و سلوک الی الله و تدریس و پرورش انسانهای عالم و دانشمند و کمک به حوزه های علمی و تقویت مساجد و محافل فرهنگی و دینی در بامداد روز چهارشنبه ۲۰ آذر ۱۳۷۴ هجری شمسی مطابق با هفتم رجب ۱۴۱۵ هجری قمری بر اثر سکته قلبی در سن ۸۷ سالگی در بیمارستان امام خمینی تبریز دار فانی را وداع گفت و به ملکوت اعلی پیوست .

با ارتحال جانگداز این فقیه جلیل القدر شهر تبریز روز چهارشنبه یکپارچه تعطیل شد و مردم در تکایا و محلات و خیابانهای اصلی شهر به عزاداری پرداختند. از طرف نمایندگی ولی فقیه و امام جمعه و استانداری آذربایجان شرقی با صدور اطلاعیه ای به مناسبت وفات آیه الله حاج شیخ عبدالحسین

صفحه ۹۶

غروی روز چهارشنبه را در استان آذربایجان شرقی تعطیل و به مدت سه روز عزای عمومی اعلام کردند، پس از مراسم تشییع آن عالم فرزانه پیکر مطهرش به شهر مقدس قم انتقال یافت و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد. مراسم های مختلفی در تبریز و قم و تهران و شهرهای دیگر برگزار شد و از آن عالم الهی تجلیل به عمل آمد و همچنین از سوی رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای به مناسبت ارتحال آن عالم فرزانه پیام تسلیتی صادر شد که با درج آن پیام این گفتار مختصر پایان می یابد:

پیام رهبر معظم انقلاب

بسمه تعالی

حضرت آیه الله شیخ مسلم ملکوتی امام جمعه محترم تبریز. خبر رحلت آیه الله حاج میرزا عبدالحسین غروی (رحمة الله علیه) موجب تأثر و اندوه اینجانب گردید ایشان یکی از علماء بزرگ تبریز و از یاران و از دوستان صمیمی این جانب بودند فقدان ایشان بی شک ضایعه ای بزرگ است، اینجانب رحلت آن بزرگوار را به همه مردم مؤمن و غیور و هوشمند و همیشه در صحنه آذربایجان و شهر پیش رو و مقاوم تبریز خصوصاً به علمای اعلام روحانیون و فضایی آن خطه علم پرور بالاخص به برادر محترم و خانواده معلم ایشان تسلیت می گویم و رحمت و فضل الهی را برای ایشان مست می نمایم.

سید علی خامنه ای

۲۴ / ۹ / ۱۳۷۳

پی نوشت ها :

-
- ۱مجله حوزه، شماره ۶۲، ص ۳۸ .
 - ۲همان .
 - ۳همان .
 - ۴مصاحبه در روزنامه جمهوری+ ۶ آب ۳۷۳ .
 - ۵همان .
 - ۶مجله حوزه، شماره ۲، ص ۴ .
 - ۷ر - ک به نهضت روحانیون ایران، علی دوانی .
 - ۸مفخر آذربایجان، جلد ۱، ص ۴۷۴ .
 - ۹حوزه، شماره ۶۲، ص ۵۱ .
 - ۱۰جمهوری اسلامی، مصاحبه سال ۱۳۷۳، شماره آبان، ص ۱۶ .
 - ۱۱خاطرات و مصاحبه از آیه الله غروی .
 - ۱۲گنجینه دانشمندان، جلد ۳، ص ۳۱۰ .
 - ۱۳آثار الحجه، جلد ۲، ص ۲۳۱ .

سفیر امامت

احمد ابن اسحاق محدث بزرگوار قرن سوم از چهره های درخشان شهر قم است که مورد عنایت امام زمان (علیه السلام) خویش قرار گرفت. او عالمی جلیل القدر فقیه‌ی پرهیزگار نماینده و مورد اعتماد ویژه امام عسکری (علیه السلام) در شهر قم بود.

افزون بر آن مرجعیت دینی ویژه ای نیز در قم داشت، حتی زمانی متولی اوقاف و روزگاری هم کارگزار پیشوای یازدهم شد، احمد به عنوان دوست خصوصی و محرم راز امام عسکری (علیه السلام) و رابط بین حضرت و شیعیان قم بود. او وجوهات جمع آوری شده را در سفرهای متعدد به حضور امام (علیه السلام) تقدیم می کرد. همچنین برای تحصیل علم و کمال از محضر پیشوایان معصوم مسافرتها‌ی به سامره و ناحیه حجاز داشته است. او به محضر سه امام (امام جواد و امام هادی و حضرت عسکری (علیه السلام))، نیز نائل آمد. معجزاتی را از آن بزرگوار مشاهده کرد و جواب نامه هایی هم از طرف آن حضرت (که اصطلاحاً توقیع گفته می شود) دریافت داشت.^(۱)

برای شناخت شخصیت احمد بن اسحاق ناچاریم تأملی در عصری که وی در آن زندگی می کرد و فعالیت های حضرت عسکری علیه السلام داشته باشیم چرا که حضرت مهمترین تأثیر را در افکار و آرمان های وی داشت.

آن حضرت با وجود سخت ترین تدابیر امنیتی و فشارهای سیاسی از هیچ کوششی در راه انجام وظیفه خطیر امامت فرو گذاری نمی کرد. از جمله فعالیت های آن حضرت می توان به تربیت انسان های کار آمد اشاره کرد. امام (علیه السلام)

صفحه ۱۰۲

با اقدامات سری، بین شیعیان مناطق مختلف ارتباط ایجاد می کرد و از طریف نمایندگان و سفراء و اعزام پیک ها و نامه ها به آنان، در نگهبانی از شریعت آسمانی می کوشید. شیخ طوسی (قدس سره) در کتاب رجالش حدود صد نفر را نام می برد که با حضرت ارتباط داشته، از یاران و شاگردان برجسته اش محسوب می شدند که یکی از آنان احمد ابن اسحق است.^(۲)

خاندان بزرگ

بسیاری از خویشاوندان از اصحاب ائمه (علیه السلام)، از محدثین بزرگ و مؤلفین برجسته بوده و از ائمه هدی (علیه السلام) روایات بسیاری نقل کرده اند که در کتاب های معتبر حدیث از جمله در کتب اربعه و سایر کتاب های روایتی به چشم می خورد^(۳) اجداد و آباء این مرد پر تلاش و ممتاز قمی در شهر کوفه سکونت داشته و از طایفه مشهور و معروف اشعری بوده اند، جد چهارم احمد بن اسحاق، احوص بن سائل اشعری در سال (۱۲۱ ق) در قیام زید فرزند امام زین العابدین (علیه السلام) شرکت کرد و فرماندهی سپاه او را بر عهده گرفت و بعد از شهادت زید مثل دیگر یاران زید دستگیر شد. بعد از چهار سال حبس، در زندان حجاج، با شفاعت برادرش عبدالله، آزاد شد و همراه برادرش به قم هجرت کرد و در این شهر اقامت گزیده، طایفه بزرگ شیعیان اشعری را بنیان نهادند^(۴)

پدر نیکوکار

اسحاق بن عبدالله بن سعد از راویان مورد اعتماد و محدثان عادل قم است. او به محضر امام صدق و امام کاظم (علیه السلام) شرفیاب شد و از محفل الهی شان توشه برچیده است. بزرگان علم رجال از او به نیکی یاد کرده و به دالتش

صفحه ۱۰۳

تصریح نموده ند، بنابر نظر شیخ طوسی، اسحاق بن عبدالله دارنده کتابی بوده است. احمد ابن زید، محمد بن ابی عمیر، علی ابن بزرج و افرادی دیگر از اسحاق - که تا قبل از سال ۱۸۳ هجری زنده بوده است روایت نقل کرده اند^(۵)

برای شناخت این خاندان به روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره می کنیم. عیسی ابن عبدالله قمی، یکی از افراد ممتاز خاندان اشعری ملاقاتی با حضرت صادق علیه السلام داشت. امام بعد از استقبال گرم، میان دو چشم عیسی را بوسید و فرمود: «عیسی از ما اهل بیت است» یکی از حاضران پرسید: عیسی از اهل قم است، است؛ چگونه می تواند از شما اهل بیت علیها سلام باشد؟ حضرت در پاسخ فرمود: عیسی ابن عبدالله، مردی است که زندگی و مرگ او با زندگی و مرگ ما در آمیخته است.

احمد ابن اسحاق در محضر حضرت هادی علیه السلام

بعضی مواقع که احمد با زحمات زیاد از قم به سامراء می آمد، به علت پیش آمدها و موانع سیاسی و... نمی توانست به حضور حضرت هادی علیه السلام شرفیاب شود. روزی نزد امام علی آمد و از دوری راه و کم سعادت خویشتن گلایه کرد و پرسید: آقای من! من بعضی وقت ها می توانم به حضور شما رسیده، بهره مند شوم ولی گاهی هم از این فیض محروم می شود. زمانی که نتوانستم به حضور شما بیایم، از چه کسی پیروی کنم؟ امام علیه السلام فرمود: این ابو عمر و عثمان ابن سعید نائب اول امام زمان (عج) مورد اعتماد من است. هر آنچه او برای شما بگوید: از طرف من می گوید و هر چه به شما برساند، از جانب

من مي رساند .^(۶) البته ارجاع احمد ابن اسحاق بن عثمان ابن سعيد توسط امام عليه السلام به خاطر ملاحظات زماني و موقعيت سياسي بود .

صفحه ۱۰۴

محرم راز حضرت عسکري عليه السلام

چنانکه گفتیم احمد ابن اسحاق از نزديکترین یاران امام عسکري عليه السلام نیز محسوب مي شد و با اینکه در شهر قم مي زیست امام علاقه اش ه ائمه او را از قم به سامراء مي کشانید به این ترتیب از دریاي کمالات یازدهمین کوب فروزان امامت توشه ها برگرفت. او به عنوان محرم اسرار امام از برخي رازها آگاه مي شد که یکی از آنها خبر ولادت با سعادت حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحناه فداه) است که امام عسکري عليه السلام توسط پیک ویژه خویش احمد را از تولد فرزندش آگاه ساخت. متن نامه حضرت با دست خط مبارک خویش خطاب به احمد ابن اسحاق، چنین گفت:

«فرزند ما متولد شد. باید آن را از دیگران پوشیده بداري زیرا ما به جز دوستان نزديک خویش کسی را از آن آگاه نکرده ایم و ما دوست داشتیم که به تو خبر دهیم تا خداوند تو را به وسیله این خبر خوشحال گرداند، همان طور که ما هم خوشحال شده ایم^(۷)

و السلام

جانشین حضرت عسکري (عليه السلام)

در اثر اختناق سياسي که از سوي حکمرانان عباسي اعمال مي شد، موضوع جانشيني بعد از حضرت عسکري (عليه السلام) در هاله اي از ابهام قرار داشت و غير از دوستان مورد اعتماد کسی از آن آگاه نبود، شیعیان در این باره از احمد ابن اسحاق که نماینده حضرت بود، سؤالاتي کردند و او براي اینکه در این باره اطلاعات بیشتری کسب کند و جانشین حضرت را

با چشم خود ببیند، عزم سفر کرد و در شهر سامراء به محضر حضرت عسکری علیه السلام شرفیاب شد. قبل از

صفحه ۱۰۵

اینکه لب به سخن بگشاید و در مورد جانشین سؤال کند، امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود: «ای احمد ابن اسحاق! خداوند متعال از اول خلقت آدم تا امروز زمین را خالی از حجت قرار نداده است و تا قیامت هم خالی نخواهد گذاشت؛ حجتی که به واسطه او گرفتاری ها از اهل زمین دفع می کند و به سبب او باران نازل می شود و به میمنت وجود وی برکات نهفته در دل زمین را آشکار می سازد».

احمد پرسید: یا بن رسول الله! حجت خدا بعد از شما کیست؟ حضرت به درون خانه رفت و لحظه ای بعد کودکی سه ساله را که رخسارش همچون ماه شب چهارده می درخشید، در آغوش گرفت. بیرون آورد و فرمود: «ای احمد ابن اسحاق! اگر در نزد خداوند متعال و ائمه اطهار (علیه السلام) (مقامی والا نداشتی، فرزندی را به تو نشان نمی دادم، این کودک هم نام و هم کینه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است و همین کودک است که زمین را بعد از آنکه از ظلم پر شد پر از عدل خواهد کرد. ای احمد ابن اسحاق! فرزندی همانند خضر و ذوالقرنین است. به خدا سوگند او غیبتی خواهد داشت و در زمان غیبت غیر از شیعیان ثابت قدم و دعا کنندگان در تعجیل فرجش کسی اهل نجات نخواهد بود.

احمد از امام (علیه السلام) پرسید: سرورم! آیا نشانه ای هست که مطمئن شوم این کودک همان قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است؟ در این هنگام کودک لب به سخن گشود، گفت: انا بقية الله في ارضه و المنتقم من اعدائه فلا تطلب اثرا بعد عين يا احمد بن

اسحاق.» من آخرین حجت خدا بر روی زمین ام و از دشمنان او انتقام خواهم گرفت. ای احمد وقتی حقیقت را با چشم خود دیدی،

صفحه ۱۰۶

دیگر نشانه ای نخواه.

احمد از اینکه توانسته بود هم پاسخ سؤال خویش را دریافت کند و هم آخرین سفیر خداوند را مشاهده کند چهره اش از شادی بسیار شگفته شد. فردای همان روز با اشتیاقی افزونتر به دیدار امام عسکری (علیه السلام) شتافت و پاسخ بقیه سؤالات خویش را دریافت کرد^(۸)

سیمای احمد در دیدگاه امام زمان (عج)

حضرت ولی عصر (عج) در موارد گوناگونی این فقیه فرزانه را مورد عنایت قرار داد. ابو محمد رازی می گوید: به اتفاق احمد بن ابی عبدالله برقی در محله عسکر بودیم^(۹) که پیک ویژه حضرت امام زمان علیه السلام از طرف ایشان نزد ما آمد و بعد از اینکه چند نفر از یاران امام علیه السلام را نام برد، خطاب به ما گفت؟ حضرت می فرماید: همه این افراد و احمد ابن اسحاق مورد اعتماد ما هستند^(۱۰) همچنین در نامه ای که از ناحیه مقدسه حضرت قائم (صلوات الله علیه) به عنوان احمد ابن اسحاق صادر شد، عباراتی در تأیید وی به چشم می خورد از جمله این که حضرت فرموده بود: خداوند نگهدار تو باشد و ترا پاینده بدارد. نامه ات به همراه ضمیمه اش به من رسید... ای احمد ابن اسحاق خدا تو را رحمت کند... خداوند توفیقات تو را افزون گرداند.^(۱۱)

در نگاه دانشمندان

شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) می نویسد: احمد ابن اسحاق قمی مورد اعتماد ماست. او مقامی بزرگ دارد و از یاران نزدیک امام حسن عسکری علیه السلام است. احمد که

پیشوای علمای قم بود. بارها به محضر ائمه معاصرش مشرف شد و مسائل دینی اش را از آنها پرسید.^(۱۲)

صفحه ۱۰۷

این شهر آشوب، یکی دیگر از نظریه پردازان علم رجال است، وی می نویسد: احمد بن اسحاق بن عبدالله اشعری قمی از نزدیکان امام یازدهم علیه السلام بود و به افتخار دیدار حضرت صاحب الزمان علیه السلام نائل آمد.^(۱۳)

ابو العباس نجاشی، متوفی ۴۵۰ ق و یکی از اعلام نامدار امامیه معتقد است: احمد ابن اسحاق قمی رابطه بین شیعیان قم و ائمه بود. وجوہات مردم را پیش آنان می برد و پاسخ مسائل شرعی را هم گرفته، به شیعیان می رساند او از امام جواد و حضرت هادی علیه السلام روایت دارد و یکی از یاران ویژه حضرت امام عسکری علیه السلام به شما می آید.^(۱۴)

هدیه حضرت مهدی (عج)

محمد ابن حمد قمی نامه ای به ناحیه مقدسه حضرت مهدی عج نوشت و در ضمن آن یادآور شد که احمد بن اسحاق قمی می خواهد همراه من به سفر حج برود و به هزار دینار نیاز دارد، اگر صلاح بدانید این مبلغ پول را به عنوان قرض به احمد بپردازم تا پس از به جای آوردن مراسم و بازگشت به دیار خویش قرضش را بپردازد. امام علیه السلام در جواب چنین مرقوم فرمود: این مبلغ را به عنوان هدیه به او می دهیم و پس از بازگشت از زیارت خانه خدا نیز مبلغ دیگری به او خواهیم داد.^(۱۵)

بهترین شهروند قمی و شوق وصال یار

سعد ابن عبدالله اشعری یکی از محدثین نامدار شیعه می گوید: سؤالات زیادی را یادداشت کرده بودم تا از احمد ابن اسحاق پرسم: زیرا او بهترین همشهری من و نزدیکترین دوست امام حسن عسکری علیه السلام بود. وقتی به دنبال

او رفتم. معلوم شد به قصد سفر به سامراء از شهر خارج شده است. بي درنگ به راه افتادم، در بين راه او را ملاقات و علت دیدار او را بيان کردم و گفتم طبق معمول پرسشهایی آورده ام که جواب بگیرم. وي در حالي که از اين دیدار خوشحال بود. به من گفت: خوب شد آمدی همراهم باش. زیرا من به شوق دیدار مولایمان حضرت عسکری علیه السلام به سامراء می روم و سؤالاتی در رابطه با تأویل و تنزیل قرآن دارم. با هم برویم و پاسخ هایمان را از منبع وحی بگیریم؛ زیرا اگر به محضر آقا برسی، با دریایی از شگفتی های تمام ناشدنی و غرائب بی پایان روبرو خواهی شد.

وقتی وارد سامراء شدیم، يك راست به منزل امام عسکری علیه السلام رفتیم و بعد از کسب اجازه یکی از خدمتگزاران ما را به داخل منزل راهنمایی کرد. وقتی وارد شدیم، صحنه ای دیدیم که رخسارش مانند ماه شب چهارده می درخشید و کودکی روی زانویش نشسته بود که در شکل و زیبایی به ستاره مشتري شباهت داشت. موس سرش از دو سوتا بنا گوش می رسید و میان آن باز بود، مانند الفی که در بین دو واو قرار گیرد.

به حضرت سلام کردیم. آقا که مشغول نوشتن نامه بود، با مهربانی جواب فرمود و ما را به حضور پذیرفت.

داستان صد و شصت کیسه پول

احمد ابن اسحاق امانت های ارسالی را که شامل صد و شصت کیسه درهم و دینار ممهور به نام صاحبانشان بود و در داخل يك کیسه بزرگ قرار داشت. به محضر حضرت تقدیم کرد. امام عسکری علیه السلام رو به کودک کرد و فرمود: فرزندم! هدایای دوستان و شیعیانت را تحویل بگیر. کودک لب به سخن

گشود، عرضه داشت: آقای من! آیا سزاوار است دست های پاکم را به این هدایای آلوده که حلال آن به حرامش مخلوط شده است دراز کنم؟

امام علیه السلام به احمد فرمود: ای فرزند اسحاق! محتویات کیسه را خالی کن تا فرزندم (مهدی علیه السلام) حلال را از حرام جدا کند. احمد کیسه ها را یکی پس از دیگری بیرون آورد و آن کودک آنها را با نام صاحب سکه و محل سکونت مقدار سکه ها، چگونگی به دست آوردن آن مال و علت حلال و حرام بودنش را مشخص فرمود. در این میان مهر کیسه ها را می شکست و احمد که آنها را باز می کرد همان طور می یافت که آن کودک فرموده بود تا اینکه کیسه ها تمام شد ...

امام عسکری علیه السلام فرمود: راست گفتم! فرزندم! آنگاه حضرت خطاب به احمدن گفت: ای پسر اسحاق! تمام این پولها را جمع کن و به صاحبانشان برگردان و یا سفارش کن به آن ها برسانند. ما نیازی به آن ها نداریم، فقط پارچه آن پیرزن را بیاور! احمد که آن پارچه را در خورجین جا گذاشته بود، خواست به بیرون از خانه برود و آنرا بیاورد، امام عسکری علیه السلام رو به من کرد و فرمود: ای سعد! تو برای چه آمده ای؟ عرض کردم احمد مرا به زیارت شما تشویف کرد. حضرت فرمود: مسائلی را که می خواستی بپرسی، چه شد؟ گفتم: آقا! همچنان بدون جواب مانده اند. فرمود: از نور چشم من سؤال کن و به کودک خردسال اشاره نمود.

من سؤالهایم را مطرح کرده و جوابهای کافی از او گرفتم، تا اینکه وقت نماز رسید، در این موقع امام عسکری علیه السلام با فرزند گرامی اش برخاسته، آماده نماز شدند. من نیز از خدمت آن ها اجازه گرفته، بدنیا احمد بن اسحاق رفتم. وقتی او را پیدا کردم دیدم گریه می کند. پرسیدم چرا گریه می کنی؟ گفت: پارچه امانتی را که امام علیه السلام از من خواست

گم کرده ام. گفتم ناراحت نشو، برو واقعیت را به حضرت بگو. او رفت و لحظه ای بعد در حالی که صلوات می فرستاد و

صفحه ۱۱۰

شادی در صورتش موج می زد، برگشت. پرسیدم چه شد؟ گفت: پارچه امانتی زیر پای امام پهن بود و حضرت روی آن نماز می خواند. ^(۱۶)

شخصیت علمی

احمد ابن اسحاق افزون بر اینکه امین، تکیل و سفیر حضرت عسکری علیه السلام بود و بعد از ایشان نمایندگی امام زمان علیه السلام در شهر مقدس قم را بر عهده داشت به عنوان يك محدث راستگو و مورد اعتماد دانشمندان امایه مشهور است بنا به نقل «معجم رجال الحديث» او در سلسله اسناد ۶۷ روایت قرار گرفته است و روایاتش در کتب حدیث شیعه مثل کتب اربعه و «غیبت» شیخ چیره دستی در علم حدیث و احکام که مرجع خاص و عام بود و مردم برای حس مسائل دینی به او رو می آوردند، سفرهای متعددی به عراق و حجاز داشته که در این سفرها مسائل مختلف کلامی، علوم قرآن و اطلاعات تاریخی را از ائمه آموخته بود و اطلاعات جامعی در این زمینه ها داشت. ^(۱۷)

موقعیت علمی و مرجعیتش مقبولیت همگانی داشت و روزی محمد ابن ابی العلاء و یحیی ابن محمد که از دانشمندان شیعه بودند، در بحث تاریخی اختلاف پیدا کردند و بعد از مجادله و بحث های طولانی تصمیم گرفتند برای حل مسئله و یافتن حقیقت به احمد ابن اسحاق قمی که از یاران برجسته امام دهم و یازدهم علیه السلام بود، مراجعه کنند.

آن دو به قم سفر کرده، به منزل احمد ابن اسحاق رفتند، امد پاسخ صحیح را به صورتی بیان کرد که آن دو اظهار کردند: حمد و شکر خداوند را که تو را در دسترس ما قرار داد. ^(۱۸)

روایت ها و سؤال و جواب های این محدث عالیقدر از حضور ائمه علیه السلام به

قدری اهمیت دارد که امروزه مدرک فقهی، فقهای بزرگ شیعه محسوب می شود.

تالیفات

او نتیجه آموخته هایش از ائمه طاهرین علیه السلام را در قالب کتاب های متعدد و در موضوعات مختلف جمع آوری کرد که بعنوان نمونه می توان از کتاب «۱ - علل الصوم» ۲ - «علل الصلوة» ۳ - «مسائل الرجال» نام برد.

اساتید

احمد ابن اسحاق از مکتب دانشمندان عصرش استفاده کرد و از آنان حدیث نقل کرد از جمله، عبدالله ابن میمون، زکریا ابن آدم، زکریا ابن محمد یا سر خادم و دیگر محدثین که در کتاب های معتبر شرح مفصل ان بیان شده است.

شاگردان احمد ابن اسحاق

۱ - احمد ابن ادريس قمي «ابو علي اشعري» (متوفي؛ ۳۰۶ ه ق)

احمد سرآمد فقها و محدثان امین امامیه در نیمه دوم سده سوم هجری و از اصحاب امام حسن عسکری است و حضرت با عنوان «معلم» از وی یاد کرده است.

کلینی و تلکبری از شاگردان برجسته اش به شمار می آیند.

نامش در سند بیش از دویست و هشتاد حدیث به چشم می خورد و معروفترین اثر احمد

ابن ادريس، کتاب «نوادر» است. (۱۹)

۲ - احمد ابن علي بن ابراهيم

از راویان مورد اعتماد است و شیخ صدوق روایت های فراوان با استناد به او

نقل مي کند .

- ۱۳ احمد بن محمد بن عيسي اشعري

فقيه و محدث نامدار قم بود و به توفيق ديدار با امام رضا، امام جواد و امام عسکري عليه السلام دست يافت. دانشمندان علم رجال نه تنها از وسعت اطلاعو مهارتش در حديث خبر مي دهند بلکه قداست نفس و عظمت روحش را مي ستايند، نامش در سند پيش از دويست و بيست و نه حديث قرار دارد، آثار فراواني چون «التوحيد، المتعه، فضل النبي، فضائل العرب و کتاب المنسوخ و...» از احمد ابن محمد بجا مانده است. (۲۰)

- ۴ حسين بن محمد اشعري قمي

بزرگان علم رجال او را ثقه و مورد اعتماد دانسته اند. کتاب «نوادير» از اوست و کليني روايات فراواني را با استناد به وي نقل کرده است .

- ۵ سعد بن عبدالله اشعري

ابو القاسم سعد بن عبدالله بن ابي خلف اشعري بزرگ فقهاي شيعه در نيمه دوم قرن سوم و معاصر با حضرت عسکري عليه السلام، عالمي مورد اعتماد و والامقام بود. در سلسله سند نزديک به ۱۱۴۲ حديث قرار دارد و چهل اثر (سي و هفت کتاب وي در اعيان الشيعه ياد شده است) از او به جا مانده است .

«بصائر الدرجات» معروفترين نوشته سعد بن عبدالله به شمار مي رود .

- ۶ سهل بن زياد آدمي رازي، عبدالله بن جعفر حميري، عبدالله بن عامر اشعري، علي

بن ابراهيم قمي، علي بن سليمان زراري، محمد بن حسن فروخ صفار، محمد بن عبدالجبار قمي، و محمد بن يحيي عطار قمي از ديگر شاگردان احمد هستند که در کتب معتبر به تفصيل از آنان ياد شده است. (۲۱)

شخصیت اجتماعی

احمد وکیل ائمه در شهر قم بود و تبلیغات دامنه داری در دفاع از اهل بیت علیه السلام انجام می داد. پاسخگویی مسائل فقهی و اعتقادی مردم بود. وجوهات آنان را جمع آوری می کرد و به محضر امام عسکری علیه السلام می رسانید، در مورد موقوفات اقدامات لازم را انجام می داد و برای اینکه فعالیت هایش را در کانونی متمرکز کند، به دستور امام در قرن سوم ه ق شروع به ساخت مسجد مهمی کرد. که به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام معروف است این مسجد امروزه یکی از بناهای قدیمی به شمار می آید و سالهاست که شیعیان مخلص برای اقامه نماز، عزاداری و مراسم مذهبی - اجتماعی از آن استفاده می کند .

ادیب الممالک فراهانی در قصیده ای طولانی این مسجد را توصیف کرده است و بخشی از ابیاتش چنین است:

تن به تواضع دهی، سر بسجود
ای فلک لاجورد، گر بزمین بنگری
آور

کوفته بر این رواق، رأیت پیغمبر
ور فلک آرد بطاق، مهر و مه اندر نطق
از حسن عسکری علیه السلام مانند بجا این
معنی ام القری، زاده شاه غری
بنا

مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در مراسم های مختلف همچون ایام اعتکاف و غیره مملو از انسان های وارسته و خداجو می شود و از زمان های گذشته تا به حال همیشه علمای بزرگ و متقی مانند آیه الله اراکی در این مسجد که شبستان های متعدد دارد امامت نموده اند .

ستاره تابناك قم بعد از يك عمر تلاش در راه احیاء ارزشهای اسلامی و معنویات ائمه اطهار علیه السلام، خبر رحلت خویش را همراه با کفن از حضرت ولی عصر (عج) دریافت کرد، شیخ ابو عمر و کشی می گوید: ابو عبدالله بلخی طی نامه ای که به من نوشت از حسین ابن روح قمی سخن به میان آورد و از جمله در آن نامه نوشته بود که حسین ابن روح می گوید ج احمد ابن اسحاق نامه ای به ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام نوشت و اجازه خواست که به حج برود. حضرت نیز به وی اجازه داد و پارچه ای هم برایش فرستاد. احمد وقتی پارچه را دید گفت: امام علیه السلام خبر مرگ مرا داده است و هنگام بازگشت از سفر حج در حلول سر پل ذهاب در گذشت ^(۲۲) و به این ترتیب احمد بن اسحاق در حدود سال های ۲۶۰- تا ۲۶۳ در استان کرمانشاه دیده از جهان فرو بست و مقبره اش امروزه در کنار شهر زیارتگاه شیفتگان اهل بیت علیه السلام شده است. ^(۲۳)

نمونه هائی از روایات احمد ابن اسحاق

به عنوان حسن ختام روایاتی چند از احمد بن اسحاق را می آوریم .

ایمان حضرت ابی طالب علیه السلام

۱- عن اسحاق بن جعفر عن، ابیه علیه السلام، قال: قيل له: انهم يزعمون ان ابا طالب كان كافرا فقال: كذبوا كيف كون كافرا و هو يقول: الم تعلمو وجدنا محمدا نبيا كموسي خط في اول الكتب ^(۲۴)

اسحاق ابن جعفر از پدر بزرگوارش، حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که به آن

صفحه ۱۱۵

حضرت عرض شدا آن ها (مخالفین ما) گمان می کنند حضرت ابو طالب کافر بود :
فرمود: دروغ می گویند، چگونه او کافر است در حالی که می گوید: مگر نمی دانند که ما

محمد را مانند موسی پیغمبر یافته ایم که در کتاب های نخستین و قبل از ما نامش نوشته شده است (۲۵)،

نام های نیک خداوند

- ۲ عن ابي عبدالله عليه السلام في قول الله عز و جل «و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها» قال: نحن والله الاسماء الحسنی التي لا يقبل الله من العباد عملا بمعرفتنا .

امام صادق عليه السلام (در رابطه با آیه شریفه که می فرماید: خدا را نام های نیکوست او را به آنها بخوانید) فرمود: به خدا سوگند آن نام های نیکو ما هستیم که خدا عملی از بندگان نپذیرد مگر آن که همراه با شناخت ما باشد . (۲۶)

- ۳ عن ابي عبدالله عليه السلام: قال: ما زار مسلم اخاه المسلم في الله و لله الا ناده الله عز وجل: ايها الزائر طبت و طابت لك الجنة . (۲۷)

امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ مسلمانی نیست که از برادرش مسلمانش به خاطر خدا دیدن کند مگر آنکه خداوند می فرماید: ای زائر خوش باش و بهشت گوارایت باد .

خوشبخت ترین انسان

- ۴ عن ابي عبدالله عليه السلام قال: (قال رسول الله (صلي الله عليه و آله (قال الله عز و جل: ان من اغبط اوليائي عندي عبدا مؤمنا ذاحظ من صلاح، احسن عبادة ربه و عبدالله في السرية، و كان غامضا في الناس فلم يشر اليه بالاصابع و كان رزقه كفافا، فصبر عليه فعجلت به المنية، فقل تراثه و قلت

صفحه ۱۱۶

بواکيه . (۲۸)

حضرت رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) فرمود: خداوند می فرماید: رشک برانگیزترین دوستانم نزد، من بنده مؤمنی است که بهره ای از شایستگی دارد و عبادت

پروردگارش را نیکو انجام می دهد. مرا در نهان عبادت می کند و در میان مردم گمنام است. با انگشت به او اشاره نمی شود، روزیش به قدر کفاف است و بر آن صبر می کند، مرگش زود می رسد و میراث و گریه کننده هایش اندک هستند.

پی نوشت ها :

-
- ۱ - رجال شیخ طوسی، اصحاب امام علیه السلام، ص ۴۲۷، و رجال نجاشی، ص ۹۱، شماره ۲۲۵.
 - ۲ - همان
 - ۳ - منتهی الاممال، ج ۲، ص ۴۱۳.
 - ۴ - احمد بن اسحاق، امین امامت، ص ۱۵.
 - ۵ - معجم الرجال الحدیث، ج ۳، ص ۷۷.
 - ۶ - بحار، ج ۵۱، ص ۳۲۴، ج ۱؛ باب ۱۶ (هذا ابو عمر و الله الامین ما قاله لكم ففی بقوله).
 - ۷ - همان، ج ۵۱، ص ۱۶، ص ۷۷.
 - ۸ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳، ج ۱۶ (بالتلخیص).
 - ۹ - عسکری منطقه ای نظامی در شهر سامراء بود که امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام در زمان زمامداران عباسی مجبور به سکونت در آن منطقه بودند.
 - ۱۰ - رجال کشی، ص ۴۶۶، شماره ۴۳۲.
 - ۱۱ - مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، ص ۱۰۷۸.
 - ۱۲ - رجال و فهرست شیخ طوسی، اصحاب امام جواد و امام عسکری علیه السلام.
 - ۱۳ - المعالم العلماء، ص ۱۴.
 - ۱۴ - رجال نجاشی، ص ۹۱، شماره ۲۲۵.

- ۱۵ رجـال كشـي، ص ۴۶۶ .
- ۱۶ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۸۰، ح ۱ (با تلخیص) و مهدي موعود، ص ۶۴۹ .
- ۱۷ معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۴۰ .
- « ۱۸ فلما تصافحنا قال لخير لحا قك بي قلت الشوق ثم العاده في الاسئله .
- ۱۹ معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۳۶ .
- ۲۰ همـان، ص ۳۰۴ .
- ۲۱ مدرک، احمد بن اسحاق «امن امامت» ص ۶۴ .
- ۲۲ رجـال كشـي، ۴۶۶ .
- ۲۳ گفتني است که در مورد وفات احمد ابن اسحاق در میان رجال شناسان اتفاق نظر وجود ندارد بعضي از روايات دلالت مي کند که وفات او در زمان حيات حضرت امام حسين عسکري عليه السلام اتفاق افتاد و خبر فوت، دفن و کفن وي توسط آن حضرت بود که تحقيق آن از عهده اين نوشتار خارج است و همچنين در مورد محل دفن وي بعضي ها معتقدند که در منطقه طبس مي باشد علاقه مندان را به منابع مفصل مراجع کنند .
- ۲۴ اصول کافي، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۲۹ .
- ۲۵ همـان .
- ۲۶ همـان، ج ۱، ص ۱۱۱، باب نوادر توحيد، ح ۴ .
- ۲۷ همـان، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۱۰ .
- ۲۸ همـان، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۶ وسائل الشيعه، ج ۱، ص ۷۷ .

اشاره

حاج میرزا علی آقا شیرازی ؛ فاضل مشهور، ادیب محقق، فقیه فرزانه، طیب صاحب نفس و سرآمد عارفان عصر خویش بوده اند و استاد شهید مطهری وی را «نهج البلاغه مسلم» می دانست .

آنچه که به زندگی این شخصیت بزرگ امتیاز خاصی یم دهد، حالات ویژه اخلاقی و تأثیر آن بر رادمردانی چون شهید مطهری و دیگر انسانهای جویای تهذیب نفس است. افکار میرزا در علوم متداول آن زمان تحول آفرید، وی مبنای درس اخلاق و جلسات وعظ خویش را بر محور نهج البلاغه قرار داد و گروه کثیری از شهرهای مختلف، حتی عتبات عالیات در محضرش گرد آمدند .

دوران کودکی

«محمد قاسم شیرازی» چهره شناخته شده و تاجر معتبر شیراز به شمار می رفت .^(۱) بعد از وفات حاج علی اکبر فرزند محمد قاسم شغل پدر را پی گرفت، اما مدتی بعد اشتیاق به تحصیل او را به نجف اشرف رساند. البته در نجف نیز فعالیتهای تجاری را ادامه داد .

کشش درونی و همنشینی با اهل دانش سبب شد تا حاج علی اکبر سعادت حضور در مکتب دانشورانی گرانمایه، چون علامه مولا حسین بن محمد اسماعیل اردکانی، معروف به

فاضل اردکانی (۱۲۳۵ - ۱۳۰۵ ه.ق) راه یابد .^(۲)

حاج علي اکبر پس از فراغت از تحصیل، پژوهشي را در روايات و احاديث انجام داده و کتاب معروف «شرح الاربعين حديثا في فضيلة الصلوة علي النبي و

صفحه ۱۲۲

آله صلي الله عليهم اجمعين» را نوشت. اين کتاب ضمن تأييد کمالات علمي اين بزرگان اهل فضل، گوياي علاقه وي به خاندان عصمت و طهارت (عليهم السلام) (نيز هست).^(۳)

اولين مکتب درسي علي در خانه تشکيل شد و نخستين معلم پدرش بود، حاج علي اکبر براي تربيت چنين فرزندی از جان و دل کوشيد^(۴) و سرانجام در سال ۱۳۰۴ ه.ق جان به جان آفرين تسليم کرد.^(۵) بعد از فوت پدر، آيت الله ميرزا حسين شيرازي که اين خانواده را به خويب مي شناخت، سيد عبدالله ثقة الاسلام را قيم و وصي وي قرار داد^(۶).

استادان

حاج ميرزا علي آقا در سال ۱۳۱۶ ه.ق راهي اصفهان شد و بخشي از تحصيلاتش را در مدرسه نيم آورد - واقع در انتهاي بازار بزرگ اصفهان - گذراند. جاذبه معنوي مدرسان اين مدرسه، خصوصا آقا سيد محمد باقر درچه اي، موجب شده بودتا علي به اين مکان روي آورد. مرحوم درچه اي يکي از علما و فقهاي مشهور اصفهان بود. به طوري که پس از درگذشت آيت الله سيد اسماعيل صدر در کاظمين (۱۳۳۸ ه.ق) اهالي اصفهان و برخي نقاط ايران به ايشان

صفحه ۱۲۳

رجوع کردند.^(۷)

و بزرگاني چون مرحوم آيت الله بروجردي و شهيد مدرس نزد وي شاگردي کرده اند.

زمانی که حاج میرزا علی آقا از مکتب آیت الله درچه ای استفاده می کرد، دو نام آور عرصه اندیشه آخوند ملا محمد کاشی و جهانگیر خان قشقایی مشغول تربیت شاگردان در میدان حکمت و فلسفه بودند، نیم قرن فلسفه ملا صدرا را در اصفهان تدریس می کردند. مرحوم آیت الله بروجردی آخوند کاشی را مجتهد در معقول و منقول معرفی کرده است و می گویند: هنگام شب و سحر ذکر ملکوتی «یا سبوح» «یا قدوس» از حجره این حکیم بلند بود و شخص موثقی خاطر نشان ساخته است. احساس می نمودم درختان با این ذکر گویی با وی هم نوا می باشند. ^(۸) فیلسوف، فقیه و حکیم ربانی جهانگیر خان قشقایی استاد دیگر حاج میرزا علی آقا است که حاج شیخ عباس قمی از وی به عنوان عالم جلیل و فاضل نبیل و صاحب مهارت در معقول، منقول و عرفان یاد کرده است. ^(۹)

حاج میرزا علی آقا در بوستان شیخ اسدالله قمشه ای (۱۲۹۷ - ۱۳۳۴ ه.ق) که بهاری کوتاه داشت، گشت و گذاری کرد و ذهن مشتاق خود را از رایحه دانش و تقوای این مرد الهی، عطر آگین ساخت. ^(۱۰)

شیخ عبدالحسین محلاتی (۱۲۷۰ - ۱۳۱۲ ه.ق) ^(۱۱) (بود و در مدرسه صدر اصفهان دروس خارج را تدریس می نمود، یکی دیگر از اساتید حاجی میرزا علی آقا بود. ^(۱۲) آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۱ ه.ق) مرجع عظیم الشأن قرن اخیر در اصفهان، به دلیل تسلط بر منابع، تشریح مبانی فقه و

صفحه ۱۲۴

اصول با زبانی رسا و قابل فهم، حوزه درسی گرم و پر رونقی داشت و یکصد نفر در آن حضور می یافتند حاج میرزا علی آقا شیرازی علاوه بر آنکه از شاگردان برجسته آیت الله بروجردی محسوب می شد، رابطه ای تنگاتنگ با آن فقیه داشت و استادش از همت عالی، علو طبع و حالات اخلاقی وی بر خویشتن می بالید.

حاج میرزا علی آقا شیرازی مباحثی، چون فقه، اصول، رجال و درایه را نزد حاج آقا میرزا کمال الدین ابوالهدی کرباسی (متوفی ۱۳۵۶ ه.ق) که عالمی فقیه و زاهدی مجتهد بود، فرا گرفت. (۱۳)

شیخ محمد حکیم خراسانی گنابادی اصفهانی، از مفرسان و حکمای معاصر است که بعد از درگذشت آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی، استاد مسلم فلسفه در اصفهان بود. شهید مطهری می نویسد: «حاج میرزا علی آقا از نظر سنی با حکیم خراسانی تفاوت چندانی نداشته و با معظم له و حاج آقا رحیم ارباب دوستی در کمال صمیمیت داشته اند اما با توجه به اینکه فلسفه را از بزرگسالی تحصیل کرده به احتمال زیاد از محضر دوست صمیمی اش بهره مند شده است. (۱۴) چون حاج میرزا علی آقا از دوران نوجوانی به آموزش طب علاقه داشت و احساس می کرد با فراگیری آن می تواند خدمتی به جامعه انجام دهد، به محضر حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی (متوفی ۱۳۲۷ ه.ق) از اطباء معروف راه یافت. (۱۵)

حاج میرزا علی آقا شیرازی که مدتی از جوار باره مقدس مولای متقیان دور مانده بود، نگاه مشتاقش همیشه راه نجف را می کاوید، گویی این ندا از نجف گوشش را نوازش می داد :

دوباره باز به آغوش ما در آیی زود گرفتم این که ز ما چند گاه ماندی دور

صفحه ۱۲۵

هنگامی که وی وارد نجف شد، حوزه های علمیه این شهر در اوج شکوه و مزین به وجود فقیهانی فرخنده و فرزانه گانی والا مقام بود. از شخصیت هایی که حاجی به محضرشان شتافت و از اندوخته های علمی آنان استفاده کرد، شیخ الشریعه اصفهانی (۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ ه.ق) (۱۶) ملا محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ه.ق) و سید محمد کاظم یزدی (۱۲۴۸ - ۱۳۳۷ ه.ق) که از مفاخر شیعه و استونه های عظیم فقاهاست به شمار می آیند، می توان نام برد.

احتمال قوي حاج ميرزا علي در سال ۱۳۲۳ ه.ق به اصفهان عزيمت نمود، و خود مي گويد: «در جريان مشروطه خواهي به اصفهان آمدم»...^(۱۷)

غواص اقيانوس علوي

موقعي كه حاجي به اصفهان قدم نهاد، با تلاش علما و استادان حوزه علميه كه شهيد آيت الله مدرس در دين آنان چون ستاره اي مي درخشد، آرامش نسبي به اصفهان بازگشته بود. حاج ميرزا علي آقا با كمال فروتني و به رغم توانايي هاي علمي، در اصفهان به امور بازرگاني مشغول شد تا آن كه روزي به درس نهج البلاغه مرحوم مدرس حاضر شد. شهيد مدرس وقتي وي راديد، چون از سوابق علمي حاجي آگاهي داشت، به او گفت: «آقا حيف است، با آن كمالات، به چنين اموري بپردازيد. مسير خودتان را عوض كنيد و به تجارت آخرت روي آوريد، و به اين ترتيب حاجي گام در مسير جديد گذاشت. آري نسب نامه تدريس نهج البلاغه در حوزه هاي علميه ايران به شهيد مدرس مي رسيد و حاجي اين تبارنامه را روشن مي كند و فراگيري اين كتاب را مديون مدرس مي داند، زيرا وي سپس از تذكر مدرس به تدريس و كاوش در آثار علمي و نيز ارشاد مردم از طريق و عظم و خطابه روي مي آورد.^(۱۸)

حاج ميرزا علي آقا چنان در اقيانوس نهج البلاغه به غواصي پرداخت كه

صفحه ۱۲۶

گويي با نهج البلاغه زندگي مي كرد.

استاد شهيد آيت الله مرتضي مطهري مي نويسد: «قبل از برخورد با وي اين كتاب (نهج البلاغه) را نمي شناخت ... يك نهج البلاغه مجسم بود. مواظ نهج البلاغه در اعماق جانش فرو رفته بود. براي من محسوس بود كه روح اين مرد با روح اميرالمؤمنين پيوند خورده و متصل شده است»...^(۱۹)

و در جـاـي ديگـر مـي نـويسـد:

«نهج البلاغه به او حال مي داد و روي بال و پر خود مي نشانده و در عوالمی که ما نمی توانستیم درک کنیم، سیر می داد. جمله های این کتاب ورد زبانش بود و به آنها استشهاد می نمود. غالباً جریان کلمات نهج البلاغه بر زبانش با جریان اشک از چشمانش بر محاسن سپیدش همراه بود»...^(۲۰)

وقتی آیت الله سید محمد رضا خراسانی، رئیس حوزه علمیه وقت اصفهان، از حاجی خواست برای طلبه‌های مدرسه، مباحث اخلاقی مطرح کند، به تدریس نهج البلاغه روی آورد. او وقتی سخن می گفت، تسلط و تبخّرش آشکار می شد.^(۲۱) یکی از شاگردانش، سید رضا سیادت موسوی می‌گفت:

«غیر ممکن بود حاجی لب به سخن بگشاید و از نهج البلاغه چیزی بر زبان نیاورد».^(۲۲)

آیت الله سید اسماعیل هاشمی نیز گفته است:

«آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی از بزرگ علمایی است که در میان اهل علم و همه مردم قداست و افری داشت در همان اوقات نخستین که برای تحصیل علوم دینی به اصفهان آمدم، از محضر این بزرگمرد استفاده می کردم به خصوص که در خطب

صفحه ۱۲۷

و بیان نهج البلاغه تخصصی خاص داشتند و قطع نظر از تبحر در ادبیات و خطب شریف، آن معنویتی که در خطبه ها نهفته بود، از سیمای این انسان وارسته مشاهده می گردید».^(۲۳)

استاد مهدی خلف زاده که از سال ۱۳۲۴ ه.ق در درس نهج البلاغه حاجی شرکت می نمود و هم حجره ایشان بود، از انقلاب درونی استاد در حال شرح نهج البلاغه سخن گفته است.^(۲۴) عالمان بزرگی مانند شیخ جواد جبل عاملی و سید روح الله خاتمی نیز در درس و

تفسیر نهج البلاغه این عارف متعبد شرکت نموده اند. از حالت روحانی استاد و تأثیر بخشی بر خلق و خوی شاگردان سخن گفته ند. (۲۵)

آیت الله محمد واعظ زاده خراسانی که در سال ۱۳۲۷ ه. ش حاجی را در اصفهان دیده، می گوید: یکبار او را در بیت آیت الله برجردی (در قم) دیدم. فرمود: سید رضی در نهج البلاغه خطبه ها را تقطیع کرده و دارم قطعات حذف شده را جمع می کنم و متوجه شده ام که این تقطیعات گاه محل مقصود است. (۲۶)

این عالم عامل غیر از نهج البلاغه تفسیر قرآن، شرحی کبیر و شرح نفیسی را درس می گفت. او به کتب روایی نیز نظر خاصی داشت و طلاب را به مطالعه آنان تشویق می کرد. گر چه از اهل معقول به شمار می رفت ولی حکمت و فلسفه تدریس نکرد و در تدریس سایر علوم از اندیشه های حکیمان بی بهره نبود. در ادبیات عرب و ادبیات فارسی در بین متأخرین از نوادر بود و علم طب خود را خوب می دانست. شهید مطهری می نویسد: «این مرد در عیناين که فقیه (در حد اجتهاد) و حکیم و عارف و طبیب و ادیب بود و در بعضی قسمت ها؛ مثلاً طب قدیم و ادبیات طراز اول بود و قانون بوعلی را تدریس می کرد. از خدمتگزاران آستان مقدس حضرت سید الشهداء (ع) بود. (۲۷)

صفحه ۱۲۸

جلال الدین همایی می گوید قسمت معالجات قانون ابو علی سینا را خدمت مرحوم، حاج میرزا علی آقا شیرازی فرا گرفتم. (۲۸)

معرفت و تربیت

یکی از فرزاندانی که به محفل نورانی این عالم ربانی راه یافت، شهید آیت الله مطهری است. وی در تابستان سال ۱۳۲۱ ه. ش یعنی چهار سال پس از اقامت در قم ایشان به اصفهان رفت، با این مرد بزرگ آشنا شده و از محضرش استفاده کرد. این آشنایی تبدیل به ارادت زیاد

از سوي وي و لطف استاد از طرف آن مرد بزرگ شد. به طوري كه بعدها حاج ميرزا علي آقا به قم مي آمد و در حجره شهيد مطهري اقامت مي گزيد و علماي بزرگ در آنجا با ايشان ديدار داشتند^(۲۹) و آن متفكر شهيد درك محضر اين استاد را از ذخائر گرانبهاي عمر خود مي دانست و حاضر نبود با هيچ چيزي معاوضه كند.^(۳۰) فقيه عارف، حكيم و اديب معاصر آيت الله حاج آقا رحيم ارباب (۱۲۹۷ - ۱۳۹۶ ه.ق) (از شاگردان خاص حاج ميرزا علي آقا است، وي به آقا رحيم احترام بسياري مي گذاشت و در اصفهان به نماز جمعه او حاضر مي شد.^(۳۱) حسن نيت و خلوص از سراسر وجود اين دانشمند گرانمايه نمايان بود.^(۳۲) آيت الله سيد روح الله خاتمي (متوفي ۱۳۶۷ ه.ق) در ايين باره مي گويد:

«در مدرسه صدر اصفهان از استاداني استفاده كردم كه از حيث مقام اخلاق، زهد و عرفان معروف بودند و يكي از آنها حاج ميرزا علي آقا شيرازي است كه از ابتدا با ايشان مانوس شدم و استفاده هايي از محضرش كردم. شرح شمسويه و قسمتي از نهج البلاغه را نزدشان خواندم و اساسا با هم مانوس بوديم و ايشان به حجره من مي آمدند و مي رفتند.^(۳۳)

صفحه ۱۲۹

استدا سيد جلال الدين همائي (۱۲۸۷ - ۱۳۵۹ ه.ق) يكي ديگر از پرورش يافتگان برجسته حوزه درسي و تهذيب حاج ميرزا علي آقا است. رابطه اين استاد و شاگرد نيز به مرور زمان به اشتياق و ارادت متقابل مبدل شد. استاد منوچهر قدسي مي نويسد:

«مرحوم همائي به حاجي عشق و ارادتي مالا كلام داشت و تا او آخر عمر آن مرحوم هر گاه به ايشان بر مي خورد، عاشقانه و صداقانه مي گفت: دلم مي خواهد يك بار ديگر قانون را در خدمت شما دوره كنم. از استعداد حاجي سخن ها داشت.^(۳۴)

وقتي همائي در تابستان از تهران به اصفهان مي آمد، با حاجي ديدار تازه مي كرد و اين ملاقات همه افاضه و استفاضه بود.^(۳۵)

آیت الله احمد فیاض (متولد ۱۳۲۴ ه.ش) این توفیق را به دست آورد تا در اصفهان از محضر پر فیض حاج میرزا علی آقا شیرازی بهره مند شود. وی می گوید : حجره ایشان در جوار حجره من بود. نهج البلاغه تدریس می نمود و افراد زیادی در درسش شرکت می کردند. در زهد، تقوا و حالات معنوی شهرت داشت و چون به نماز می رفت و طلبه ها متوجه می شدند، به وی اقتدا می نمودند. با وجود آن که در علوم متعدد صاحب نظر و متبحر بود، ولی جنبه اخلاقی وی این توانایی ها را تحت الشعاع قرار می داد. آیت الله فیاض، مدرس پاک سیرت و بدون پیرایه ای است که در نهایت سادگی و قناعت زندگی می کرد و از مدرسان مشهور حوزه علمیه اصفهان به شمار می رود. (۳۶)

آیت الله مشکوة (متوفی ۱۳۶۹ ه.ش) شاگرد مبرز حاجی میرزا علی آقا است که بسیاری از کمالات را نزد وی آموخته. آیت الله مشکوة او که در اصفهان و نجف تحصیلات خویش را تکمیل کرده بود، در زادگاهش «خمینی شهر» مدرسه ای تأسیس کرد و به تربیت طلاب دینی پرداخت. وی در

صفحه ۱۳۰

مشکلات درسی به اهل بیت توسل می جست. (۳۷) آیت الله شیخ جواد جبل عاملی می گوید : خدمت حاج میرزا علی آقا که مرد مذهبی بود، درس تفسیر قرآن و نهج البلاغه می رفتم که واقعا کم نظیر بود و برای کسانی که این جلسات علمی را درک نکرده اند، تصورش مشکل است. آنچه می گفت، از دل بر می خاست و بر دل می نشست. (۳۸) از دیگر شاگردان مرحوم حاج میرزا علی آقا، می توان حاج شیخ عبدالرحیم ملکان (متولد ۱۳۰۲ ه.ش)، آیت الله سید اسماعیل هاشمی (متولد ۱۳۳۳ ه.ق)، مرحوم حسین عماد زاده (متوفی ۱۳۶۹ ه.ش) (صاحب تألیفات متعدد در شرح حال اهل بیت (علیهم السلام)، استاد فضل الله ضیاء نور (متوفی ۱۶۰۴ ه.ق) و پروفیسور علی شیخ الاسلام (متولد ۱۳۰۲ ه.ش) نام برد.

احیای آثار

حاج میرزا علی آقا شیرازی به موازات تدریس، از کاوش در منابع قرآنی، روایی و نیز آثار سلف غافل نبود و ضمن تلاشهای علمی به ارزش والای «تفسیر تبیان» پی برد و پس از تحقیق و تفحص و تصحیح علمی و چاپ اصلاح شده این اثر نفیس را عهده دار شد. در این راستان از اهتمام آیت الله سید محمد حجت کوه کمري و جهد برخي شاگردان فاضل خود از جمله حسین عماد زاده، حاج آقا رحیم ارباب و جلال الدین همایی بهره برد و سرانجام تفسیر تبیان شیخ طوسی در سال ۱۳۶۵ ه.ق با چاپ سنگی در دو مجلد رحلی انتشار یافت.^(۳۹)

احیاء انتشار کتاب «زادالمعار» علامه مجلسی و تصحیح و منقح نمودن این کتاب ارزشمند نیز به عهده حاج میرزا علی آقا شیرازی بود که با هزینه مرحوم روغنی زاده بازرگانی خیر در سال ۱۳۲۴ ه.ش به چاپ رسید.

صفحه ۱۳۱

همچنین کتاب «من لا یحضره الطیب» مربوط به زکریای رازی نیز پس از تحقیق لازم به ضمیمه کتاب براء الساعة (بهبودی آنی) با دستیاری آقا جمال الدین معارف پرور به زیور طبع آراسته کرد.^(۴۰)

اخلاق و رفتار

حاج میرزا علی نسبت به ارشاد و هدایت جامعه احساس وظیفه می کرد و بر فراز منبر به موعظه حاضران می پرداخت. از این رو محضر مرحوم آقا سید علی نجف آبادی (متولد ۱۲۸۷ ه.ق) و آیت الله حاج شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی (متوفی ۱۳۸۴ ه.ق) بهره برد.^(۴۱) وقتی که مرجع عالیقدر - آیت الله بروجردی - جهان تشیع تصمیم گرفت کلاسی اخلاقی در حوزه علمیه قم برگزار کند، با وجدو آن که اشخاص برجسته ای در قم بودند، حاج

میرزا علی آقا را که با مراتب فضل و کمالش از قبل آشنایی داشت برای این منظور به قم فراخواند. (۴۲)

طهارت روح، قداست نفس و صفای ضمیرش سبب شد تا آوازه اش حتی عتبات عالیات پیچید. شهید مطهری درباره اش می گوید: «یکی از بزرگترین اهل معنایی است که من در عمر خود دیده ام». (۴۳)

آیت الله فاضل لنکرانی در وصف وی گفته است. مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی ... انصافاً اخلاقی علمی و عملی متجسم بود و هر کس که با ایشان برخورد می کرد، تحت تأثیر و جاذبه او قرار می گرفت. مدتی هم از محضر ایشان از نظر اخلاق استفاده کردیم. (۴۴)

از عوامل عمده توفیق حاجی در رسیدن به کمالات معنوی انجام فرائض دینی، عبادات و مستحبات و پرهیز از محرمات، مداومت بر ادعیه و زیارات

صفحه ۱۳۲

بود، در مدرسه صدر چون به نماز می ایستاد، با وجود اینکه می خواست در اختفا نماز بخواند و از امامت جماعت پرهیز داشت، هنوز در رکعت اول بود که صحن و ایوان مدرسه از نمازگزار پر می شد. (۴۵)

شهید مطهری می گوید: این پیرمرد با حالی عجیب سوره و الفجر را می خواند. وقتی به این آیه می رسید؛ «و جی ء یومئذ بجهنم» دیگر منقلب می شد و اشکهایش می ریخت، درست مثل مرغی که پرپر بزند. (۴۶)

حاجی به دنیا اعتنایی نداشت، اما حالات زاهدانه او را از وضع محرومان غافل نمی کرد و رسیدگی به دردمنان جزو برنامه هایش بود. (۴۷) اقشار گوناگون مبالغی را به عنوان سهم امام به وی می دادند ولی در مسیر بین محل درس تا منزل همه پولها را به نیازمندان می داد و چون به خانه می آمد، دیگر دیناری در جیبش نبود. (۴۸) وقتی مشغول تدریس شد گاه در باغچه

مدرسه صدر و روی خاکها می نشست. خانه مسکونیش به عیالش که از سادات بود، تعلق داشت. ^(۴۹) آیت الله میرزا اسد الله جوادی گفته است: وقتی حاجی از مشهد بازگشت و به دیدنش رفتیم، در خانه ای محقر ساکن بود که درب اتاقهایش شیشه نداشت و با کاغذ جای قاب شیشه ها را پوشانیده بودند. سر انجام دردهای جانگداز در گذرگاههای دشوار وادی ایمن به کمین نشستند و بدن نحیف این پیر پارسا را در بند بستر گرفتار ساختند با آشکار شدن هلال ماه جمادی الاول که مقارن با اوایل فصل زمستان بود، اندک اندک ستاره فروزان فضیلت در چهار دواری خانه محقرش محصور شد تا آنکه در بین الطلوعین روز یکشنبه هفدهم دیماه سال ۱۳۳۴ ه. ش مطابق با ۲۴ جمادی الاول ۱۳۷۵ ه. ق تن خاکی را به خاک باز پس داد و میهمان عرشیان شد. ^(۵۰) پیکرش را با احترام فراوان از اصفهان به قم انتقال داده، بنابر وصیتش در جوار بارگاه حضرت فاطمه معصومه (س) و مزار شیخان، ضلع جنوبی شرقی دفن کردند. ^(۵۱)

پی نوشت ها:

-
- ۱- انقباء البشر فی اعلان قرن الرابع عشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۴، ص ۱۴۸۸.
 - ۲- الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۳، ص ۷۰ مؤلف «الذریعه» مکان این تلمذ را معین ننموده ولی سید مصلح الدین مهدوی ضمن آن که حاجی علی اکبر شیرازی را در جمله فاضلان معرفی کرده، می افزاید نامبرده نزد مولی محمد حسین کاظمینی در نجف تحصیل نموده است، اما چون فاضل اردکانی در نجف حوزه درسی نداشته شاید حاج علی اکبر سید نجف تا کربلا را طی می نموده تا در جوار بارگاه حضرت امام حسین (ع) از مقامات علمی اساتادش بهره مند گردد.
 - ۳- الذریعه، ج ۱۳ ص ۷۰، تذکره القبرور، ص ۴۳۶.
 - ۴- الذریعه، همـان.

- ۵ تذكرة القبرور، ص ۴۳۶ .
- ۶ طبیب جسم و جان، ص ۳۷ .
- ۷ شرح حال رجال ایران، مهدي بامداد، ج ۳، ص ۳۰۲ .
- ۸ مصاحبه با آیت الله حیدر علي محقق، مجله حوزه، شماره ۵۳ ص ۵۱ - ۵۲ .
- ۹ فوائد الرضویه، حاج شيخ عباس قمي، ج اول، ص ۸۸ .
- ۱۰ علوم و عقاید (بررسی در عقاید مذهبی، سیاسی و فلسفی) ابراهیم جواهری، ص ۸ .
- ۱۱ زندگینامه شيخ انصاري، ضياء الدين سبط الشيخ، ص ۲۱۸ .
- ۱۲ تاریخ شهر سامراء، و شمه اي از زندگي آيت الله بروجردي، سيد مصلح الدين مهدي .
- ص ۱۱۲ .
- ۱۳ مجله حوزه سال چهاردهم، شماره ۸۳، ص ۳۶ .
- ۱۴ خدمات متقابل اسلام و ایران، شهيد مطهري، ص ۶۱۷، پاورقي .
- ۱۵ تذكرة القبرور، ص ۶۷ - ۶۸ .
- ۱۶ در مورد وي بنگريد به كتاب ملا فتح الله اصفهاني شيخ شريعت، محمد علي محمدي .
- ۱۷ مدرس مجاهدي شكست ناپذير، ص ۱۵۹ .
- ۱۸ همجان مأخذ، ص ۱۶۰ .
- ۱۹ عدل الهي، شهيد مطهري، ص ۲۵۱ .
- ۲۰ سيري در نهج البلاغه، ص ۱۰ و ۱۱ .
- ۲۱ طبیب جسم و جان، ص ۶۰ - ۶۱ .
- ۲۲ همجان، ص ۹۰ .
- ۲۳ همجان ص ۴۲ .
- ۲۴ همجان، ص ۸۰ .

- ۲۵ مجله حوزه، سال سوم، شماره مسلسل ۱۶۵ (گفتگو با آیت الله جبل عاملی) و مجله پیام انقلاب، شماره ۷۲ ص ۲۴ .
- ۲۶ سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، ج ۳، ص ۳۵ .
- ۲۷ عدل الهی، ص ۲۵۲، پاورقی .
- ۲۸ هم‌ایمی نامه، ص ۲۳ .
- ۲۹ عدل الهی، ص ۲۵ .
- ۳۰ سیری در نهج البلاغه، مقدمه .
- ۳۱ طبیب جسم و جان، ص ۶۱ .
- ۳۲ کیهان فرهنگی، آذر ۶۵، ص ۳۳ .
- ۳۳ مجله پیام انقلاب، شماره ۷۲، ص ۲۵ .
- ۳۴ رساله شعوبیه، جلال الدین همایمی .
- ۳۵ هم‌ایمی، ص ۴ .
- ۳۶ مجله حوزه، سال سوم، دی ماه ۱۳۶۵، شماره ۱۸، ص ۳۶ .
- ۳۷ مصاحبه با آیت الله مشکوة، مجله حوزه، سال ششم، شماره ۳۱، ص ۵۳ - ۵۴ .
- ۳۸ مجله حوزه، شماره ۱۵، ص ۲۶ - ۲۷ .
- ۳۹ بیست مقاله، آیت الله رضا استادی، ص ۲۱۱ .
- ۴۰ مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی، دکتر محمود نجم آبادی، ص ۷۱ .
- ۴۱ مجله پیام انقلاب، همان شماره ص ۱۷ .
- ۴۲ شهید مدرس ماه مجلس، از نگارنده ص ۵۴ .
- ۴۳ گفتارهای معنوی، شهید مطهری، ص ۱۲۰ .
- ۴۴ مجلسه پیام انقلاب، شماره ۹۰، ص ۲۵ .
- ۴۵ مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص ۱۵۹ و سیری در نهج البلاغه مقدمه .

- ۴۶ تفسیر سوره فجر و قیامت، شهید مطهری، ص ۲۹ .
- ۴۷ روزنامه رسالت، شماره ۲۷۷۸، شماره ۵ / ۶ / ۱۳۷۶ .
- ۴۸ طبیب جسم و جان، ص ۸۸ .
- ۴۹ علوم و عقاید، ابراهیم جواهری، ص ۸ .
- ۵۰ لمعاتی از شیخ شهید، ص ۱۵ و تاریخ حکما و عرفای متأخرین صدر المتألهین،
منه وچهر ص _____ دوقی، ص ۸۳ .
- ۵۱ ناصح صالح، غلرضا گلی زواره، ص ۲۲۹ .

مقدمه

در طول تاريخ حيات بشر، ستارگان علم و معرفت از افق هستي طلوع کرده اند و با نور خود انسانها را به طريق هدايت رهنمون شده اند .

ستارگاني که دانش را از منبع الهي فرا گرفتند و براي حفظ و بشر آن تلاش فراوان از خود نشان دادند. پاداش اين تلاش و جهاد جاودانگي دين و ماندگاري ياد و اثر آنهاست. دانشمندان قم بيشترين نقش را در ميان اين گروه بزرگ ايفا کرده اند، زيرا قم به عنوان محل پرورش استعدادها و مهد انتشار حديث بارها مورد ستايش ائمه (عليهم السلام) قرار گرفته است ^(۱)، و بين آنان اشعريان نمونه راويان نور بوده اند .

اشعريان که پس از سرکوبي قيام ابن اشعث و سخت گيري حجاج بر عليه شيعيان کوفه به قم کوچيدند، در ترويج مذهب تشيع کوشش فراوان کردند به طوري که شمار محدثان اشعري که با امامان معصوم (عليهم السلام) ديدار کرده، از آن بزرگواران حديث شنیده اند، به پيش از يکصد تن مي رسد . ^(۲)

سعد بن عبدالله اشعري کيست؟

ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعري قمي، ملقبه شيخ الطائفه، از محدثان بزرگ شيعه ^(۳) در قرن سوم هجري بود . ^(۴) وي مدتي در بغداد سکونت داشت ^(۵) اما احتمالاً اقامت دائمي اش در قم بود . ^(۶)

سعد اشعري دوران امامت امام حسن عسکري (عليه السلام و دوران غيبت صغري و حضرت صاحب الزمان (عج) را درك كرد. پدرش نیز از راویان و محدثان شیعه بود، اما رجال شناسان از او با عنوان «محدث قليل الحديث» یاد کرده اند.^(۷)

صفحه ۱۳۸

فعاليتهاي علمي

اشعري به تحصيل دانش و جمع آوري حديث اشتياق زيادي داشته و همت بلندش براي كسب معارف او را بر آن داشت تا ضمن سفر به شهرهاي مختلف از علوم دانشمندان بهره گيرد.

استايد

سعد از محضر بزرگان حديث بهره مند گشته. او استادان متعدد داشته است كه عبارتند از

:

۱- ابو علي حسن بن عرفه عبدي بغدادی (متوفي ۲۵۷ ه' ق) اديب و محدث و صاحب آثاري در حديث و ... از جمله كتاب الجزء است وي در سال ۲۵۷ در سامراء در گذشت^(۸).
۲- ابو جعفر محمد بن عبدالملك دقيقی واسطی (متوفي ۲۶۶ ه' ق) او ساكن بغداد بود و تا زمان مرگش به كسب حديث پرداخت.^(۹)

۳- ابو حاتم محمد بن ادريس رازي (متوفي ۲۷۷)

محمد در شهر ري به دنيا آمد. او به عراق و شام و مصر و شهرهاي روم سفر كرد و در فهم حديث و شناخت سند تبحر يافت. آنگاه به جمع آوري روايات و بررسي رجال آن پرداخت. آثاري نیز از وي در زمینه هاي تفسير و فقه بر جاي مانده است.^(۱۰)

استادان شيعي اشعري

۱- ابو مقاتل سيل ديلمی (نقیب ري)

صفحه ۱۳۹

بر حديث و بحثهاي كلامي است. ^(۱۱)

- ۲ ابو مقاتل ضرير

از شاعران بزرگ عصر خود بود، او قصيده مشهور ري درباره حسن بن زيد كه در
طبرستان قيام كرد (۲۵۰ - ۲۷۰) و به حكومت رسيد سرود ^(۱۲)

- ۱۳ احمد بن محمد بن خالد برقي (متوفي ۲۷۴ يا ۲۸۰ هـ ق)

راوي بزرگ و معروف شيعي و از اصحاب امام جواد و امام هادي (ع) بود و در قم
سكونت داشت. احمد نزديك به يكصد كتاب قهفي، تاريخي، انساب و رجال و غيره تأليف
كرد. ^(۱۳)

- ۴ علي بن مهزيار

- ۵ ابراهيم بن مهزيار

- ۶ ابو ايوب مكّي

شمار محدثاني كه سعد اشعري از آنها روايت نقل كرده، به پيش از ۳۴ نفر مي رسد. ^(۱۴)
شاگردان

تربيت شاگردان بزرگ از فعاليتهاي ديگر سعد بود. او عمر خود را در راه به دست آوردن
حديث و سخنان و علوم امامان معصوم (ع) سپري كرد و براي حفظ و نشر آن به تشكيل
محافل علمي و حوزه هاي فرهنگي روي آورد. در اين مجامع علمي به گفت و شنود حديث و
تبادل اندیشه ها پرداخت، عاشقان فقه جعفري و علوم علوي را تربيت كرد، كثر شاگردان و
تأليفات فراوان او از وجود چنين حوزه هايي خبر مي دهد. از ميان شاگردان اشعري مي توان به

این افشاراد اشواره کرد:

- ۱ ابوالحسن علي بن حسين بن بابويه قمی (متوفی ۳۲۹ ه' ق)

صفحه ۱۴۰

پدر شیخ صدوق بود. فرزنداش، جعفر بن محمد بن قولویه و احمد بن داوود قمی از جمله شاگردان او بودند و از وی حدیث نقل کرده اند. ابوالحسن نزدیک به صد کتاب تألیف کرد. ^(۱۵)

- ۲ محمد بن یعقوب کلینی (متوفی، شعبان ۳۲۹ ه' ق)

اهل ری و از بزرگان فقهایی شیعه بود و کتابهای «کافی» (۹ جلد) «تعبیر الرؤیا و الرجال» از آثار اوست. کلینی بعد از وفات در «باب الکوفه» به خاک سپرده شد. قبر او در بغداد زیارتگاه شیعیان است. ^(۱۶)

- ۳ جعفر بن محمد بن قولویه قمی

استاد شیخ مفید و راوی موثق و در فقه حدیث از بزرگان شیعه بود. درباره او گفته اند: «هره مردم به فقاقت و علم توصیف شوند، او برتر از همه آنهاست». «کامل الزیارات از جمله آثار اوست. ^(۱۷)

- ۴ احمد بن محمد بن یحیی عطار

احمد از پدرش محمد بن یحیی، عبدالله بن جعفر حمیری و سعد بن عبدالله روایت نقل کرده است. او استاد شیخ صدوق بود و دانشمندانی چون تلکبری و غضائری از او حدیث نقل کرده اند. ^(۱۸)

- ۵ ابویعلی حمزه بن قاسم علوی عباسی

راوی، از محمد بن اسماعیل برمکی و جعفر بن محمد فزاری و صاحب کتابهای حدیثی است. کتاب «المنتخبات» اثر استادش، سعد بن عبدالله اشعری را روایت کرده است. ^(۱۹)

مجموعه روایتهای سعد در کتابهای چهارگانه روایی شیعه (التهذیب، الاستبصار، الکافی و من لا یحضره الفقیه) به ۱۱۴۲ مورد می‌رسد^(۲۰)، افزون

صفحه ۱۴۱

بر آن روایتهایی از او در «بحار الانوار» «وسائل الشیعه» «کمال الدین» و ... ثبت شده است.

وی بیش از ۳۶ عنوان کتاب در موضوعات مختلف (فقه، کلام، تفسیر، رجال و ...) نوشته که تعداد اندکی از این آثار در لابلای کتابهای روایی و حدیثی موجود است. از جمله «بصائر الدرجات» گویا سعد این کتاب را به پیروی از کتاب بصائر الدرجات تألیف محمد بن حسن الصفار قمی معاصر خود تألیف کرد و موضوع آن هم فضائل و مناقب ائمه اطهار (ع) است. اصل کتاب در دسترس نیست و آنچه که اکنون موجود است، مختصری از آن است که توسط شیخ حسن بن سلیمان حلی، شاگرد شهید اول انتخاب شده است. ذکر این نکته ضروری است که «بصائر الدرجات» مذکور غیر از آن کتابی است که مرحوم علامه مجلسی در «بحار» از آن نقل می‌کند زیرا منظور از آن کتاب که علامه با رمز (یر) نشان می‌دهد، بصائر الدرجات تألیف محمد بن حسن صفار قمی است.^(۲۱) تنها کتابی که تا کنون به صورت مستقل به چاپ رسیده، «المقالات و الفرق» است که به گفته محقق به تازگی نسخه ای از آن به دست آمده و پس از اصلاح، اضافات و توضیحات به زیور چاپ آراسته شده است. وی در این کتاب به بیان فرقه‌های مختلف شیعی (از زمان حضرت رسول (ص) تا زمان تألیف) پرداخته، ادله و دیدگاههای آنان را طرح و گاه نقد کرده است.^(۲۲)

فهرست تعدادی از کتابهای سعد به این صورت است

الرحمة، بصائر الدرجات، الضياء، فرق الشيعة (المقالات و الفرق)، كتاب الرد علي الغلاة، ناسخ القرآن و منسوخه و محكم و متشابهه، فضل الدعاء و الذكر، مناقب، رواة الحديث، فضل قم و الكوفة،

صفحه ۱۴۲

الامامة، فضل النبي (ص) و مناقب الشيعة. (۲۳)

مناظره هاي علمي

سعد براي نشر فرهنگ تشيع و نقد مكتبهاي غير شيعي، به برگزاري مجالس بحث و مناظره روي آورد. خود به تشكيل چنين محافلي اشاره مي كند و مي نويسد: «اشتياق فراواني به جمع آوري كتابهايي مشتمل بر مباحث دقيق داشتيم. علاقه ام به اين جهت بود كه دانشهاي مفيد را بياموزيم و مسائل پيچيده را در نشستهاي علمي با مخالفان مطرح سازيم. اعتقاد كامل به مذهب اماميه داشتيم. به راحتي و سلامتي و امنيت خود نمي انديشيدم و بيشتر به نقد ديدگاههاي آنان در مباني ولايت و خلافت پرداخته، از ستمهاي پيشوايانشان سخن مي گفتم». (۲۴)

البته كتابهاي سعد كه درباره فرقه هاي مختلف شيعه، مناقب شيعه، الامامة و ... نوشته شده، خود گويايي اين است كه او اهل بحث، استدلال و مناظره بود.

منزلت روايي

سعد نزد دانشمندان، محدثي معتبر به شمار مي آيد، شيخ طوسي مي نويسد: «او محدثي جليل القدر، مورد اعتماد بود، راوي اخبار و نويسنده چنددين كتاب است». (۲۵)

شيخ در كتاب رجال نيز از سعد به نيكي ياد مي كند:

صفحه ۱۴۳

فرشته ي ندا مي دهد اين مردم بپا خيزيد و با برپايي نماز، آتش هايي را كه به وسيله گناهانتان بر افروخته ايد خاموش سازيد».^(۳۳)

وجوب جهاد

امام صادق (ع) از رسول رسول خدا فرمود:
«جبرئيل بر من نازل شد و گفت: اي محمد هر كس از امت تو در راه خدا بجنگد و در اين راه بلايي به او برسد، يا دچار سردردي شود، خداوند براي او ثواب شهادت مي نويسد (پاداش شهيد به او مي دهد)».^(۳۴)

انواع قتل

امام باقر (ع) فرمود:
«قتل دو گونه است: قتلي كه كفاره گناهان است و قتلي كه موجب بالا رفتن مرتبه مي شود. جنگ نيز دو گونه است، نبرد با كفار براي آنكه به اسلام روي آورند و جنگ با گروهی كه به مسلمانان تجاوز كنند».^(۳۵)

تأثير روايات اشعري در مباني و احكام فقه

عمده احاديث موجود در كتابهاي حديث در زمينه احكام عملي دين (اعمال واجب و حرام، مستحب و مكروه) است. البته در فقه شيعه و پذيرش روايات و عمل به مفاد آنها مبتني بر رعايت قواعد و اصولي است كه فقيه و مجتهد بر آنها آگاهي كامل دارد و بر اين اساس فقيهان رواياتي را كه از لحاظ

صفحه ۱۴۵

سند و مضمون با عقايد و مباني فقهی شيعه مغايرت ندارد، مي پذيرند و بر پايه آن فتوا مي دهند.

با نگاهی گذرا به روایتهای اشعری در می‌یابیم که وی در نقل روایاتی که مورد استناد فقیهان شیعی قرار گرفته، سهم بزرگی دارد و روایات فراوان او در کتب اربعه افزون بر ۷۷۰ حدیث است که در کتاب وسائل الشیعه ذکر شده است. بیشتر این روایات از امام معصوم (علیه السلام) درباره احکام طهارت، صلوٰه، صوم، حج و ... نقل شده است.

حکومت های عصر اشعری

احتمالاً سعد در عراق با شش تن از حاکمان عباسی معاصر بود. نقطه مشترک خلیفه های عباسی با خاندان پیامبر (ص)، فشار بر جامعه فرهنگی، حبس و تهدید و شکنجه ائمه بود. در این میان یاران و شیفتگان علوم ائمه (علیه السلام) از هر گونه تماس با معادن علم علوی (علیه السلام) منع می شدند.

شاید به همین دلیل نجاشی می نویسد:
«سعد اشعری از امام حسن عسکری (ع) روایتی ندارد».^(۳۶)»

از سویی دیگر دوران حیات سعد بن عبدالله اشعری در ایران با دستیابی طاهر سردار ایرانی به حکومت ایالات شرقی جهان اسلام مصادف بود. طاهر که به مأمون در مبارزه با برادرش، امین یاری رساند، حکومت ایالات شرقی اسلام را از جانب خلیفه به دست آورد. او سلسله طاهریان را بنیان گذارد و تا سال ۲۶۱ بر این نواحی با استقلال نسبی حکومت کرد. در این عصر بابک خرمدین در آذربایجان و مازیار و حسن بن زید در طبرستان قیام کردند و صفاریان نیز در سیستان قدرت را به دست گرفته، به تدریج هرات و بلخ را در شمال و کرمان و فارس را در غرب تصرف کردند.

صفحه ۱۴۶

آنان در سال ۲۵۱ هـ ق خراسان را از تسلط طاهریان خارج ساختند و با پیروزمایی در گرگان و طبرستان تمام نواحی شرقی و مرکز ایران را در اختیار گرفتند. آنگاه سامانیان در سال

۲۸۷ هـ ق سیستان و خراسان را از صفاریان و گرگان و طبرستان را از علویان گرفتند تا مناطق ری و کرمان پیش رفتند^(۳۷)

بنابراین سعد بن عبدالله با تنشهای سیاسی و اجتماعی در ایران و عراق مصادف بود. با این حال سعد از رسالت خود (نشر حدیث و تألیف کتاب) دست نکشید. اشعری شیفته ولایت

با بررسی روایتهای سعد به روشنی در می یابیم که او به خاندان اهل بیت (ع) (عشق می ورزید. در روایتی خود از این عشق اینگونه سخن می گوید. «در یکی از جدلهایی که با گروهی از ناصبیها داشتم، سخنان آنها مرا آشفته کرد. تا جایی که گویی جگرم پاره پاره شد»^(۳۸).

شمار زیادی از روایتهای اوست که در باب عشق و دلبستگی به ائمه (ع) شاهد بر این مدعی است.

او از امام باقر (ع) اینگونه روایت می کند: «حضرت فرمود: اسلام بر پنج امر استوار است: اقامه نماز، ادای زکات، حج، روزه و ولایت ما اهل بیت، خداوند به جز ولایت در چهار امر دیگر رخصت داده است»^(۳۹). در حدیثی دیگر از امام کاظم (ع) نقل می کند که:

صفحه ۱۴۷

«فرمودند: خداوند در همه اوقات نماز، این مردم مخالفان عترت را نفرین می کند، زیرا آنان حقوق ما را پایمال و ولایتمان را تکذیب کردند»^(۴۰).

تألیف کتاب «فرق الشیعه» یا «المقالات و الفراق» هم که به بحث درباره فرقه های مختلف شیعی و جدا کردن آنها از شیعه اثنی عشری می پردازد، نشان دیگری از شیفتگی او به ولایت است. در قسمتی از کتاب می نویسد: «اولین گروه فرقه شیعه، فرقه علی بن ابیطالب

(ع) است. یاران آن حضرت در زمان پیامبر نیز به «شیعه» معروف بودند. این گروه که تنها امامت آن حرصت را پذیرفته، از ایشان اطاعت کردند، شخصیت‌های برجسته‌ای مانند مقداد، سلمان، ابوذر و عمار در میانشان بودند. پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) شیعه به سه گروه تقسیم شدند، فرقه‌ای از آنان عقیده دارند که علی (ع) امام و پیشوا است و به فرموده خدا و رسول اطاعت از او واجب است و تبعیت دیگران بر مردم جایز نیست کسی که از فرمانهای او اطاعت کند به فرمان الهی گردن نهاده و هر که از او سرپیچی کند خدا را عصیان کرده است، زیرا فرستاده خدا او را با همه اسم و نسبش در میان مردم معرفی کرد و زمام مردم را به او سپرد ولایت و دوستی او را واجب گردانید و او را از خود مردم نسبت به ایشان شایسته تر دانست علم رجال و حرام معارف، دین، علوم آثار و غیبه و همه آنچه را که مردم بدان نیازمندند در سینه او به ودیعه گذارد» (۴۱)

صفحه ۱۴۸

دیدار با ماه و مشتری

دیدار اشعری با امام حسن عسکری (ع) و حضرت حجت (عج) از سوی دانشمندان علم رجال و حدیث مورد توجه و بحث قرار گرفته است. نجاشی معتقد است: اصحاب دیدار او با امام عسکری (ع) را ضعیف دانسته اند (۴۲) و دانشمندی همچون شهید ثانی (۴۳)، آیت الله خویی (۴۴) و ... نیز حدیث دیدار او با امام حسن عسکری (ع) را مورد نقد قرار داده و رد کرده اند.

در این بین دسته‌ای از دانشمندان همانند، شیخ صدوق (۴۵)، علامه مجلسی (۴۶)، مرحوم مامقانی (۴۷) و شیخ علی نمازی (۴۸) این روایت را پذیرفته اند دلایلی را به این صورت ارائه می‌کند. راوی حدیث موثق و مورد تأیید رجال شناسان است.

متن حدیث، استدلالهای محکمی درباره اصل ولایت و ائمه (ع) مطرح می‌سازد و ناگفته پیداست که این پاسخها برگرفته از علوم غیبی است.

مسائل دیگری همچون، بازی کودکان حضرت ولی عصر (عج) را که به عنوان نقض این حدیث مطرح گردیده، نمی‌توان پذیرفت، زیرا شواهد فراوانی نشان می‌دهند، امامان معصوم (ع) در کودکی و بزرگسالی، رفتاری همانند انسانهای عادی دارند. به هر حال به این دلیل گروهی از بزرگان به نقل از حدیث پرداخته‌اند، به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

سعد بن عبداللّه اشعری می‌گوید:

«با گروهی از ناصبیهای تندرو به بحث نشستیم، در جدل سؤالاتشان دشمنی بیشتر از گروههای دیگر بود. من پاسخهای گوناگون به آنان دادم اما همه را رد کردند. حدود ۴۰ سؤال از مسایل مشکل را نوشتم تا پاسخ آنها را از احمد بن

صفحه ۱۴۹

اسحاق قمی داناترین دانشمند قم، جوابا شوم. او به طرف سامرا حرکت کرده بود، من نیز به راه افتادم و در بین راه ملاقاتش کردم. گفتم: شوق دیدارتان و پاسخ به سؤالهائیم مرا تا اینجا کشانیده است. پاسخ داد: برای دیدار با امام حسن عسکری (ع) و طرح سئالیهای درباره قرآن، به سامراء می‌روم. تو نیز با من باش تا به دیدار حضرت برویم. وقتی به سامرا رسیدیم، احمد بن اسحاق گفت: دیدار مبارکی است، بزودی بر ساحل دریایی می‌نشیني که عجایب دانشهای فناپذیر است. آن دریا امام ماست.

آنگاه به سوی منزل امام عسکری (ع) حرکت کردیم و پس از کسب اجازه وارد منزل حضرت شدیم. وقتی وارد اطاق شدیم، امام را دیدیم. درخشش چهره اش که بسان ماه کامل بود، وجود ما را فرا گرفت. کودکی به درخشندگی و زیبایی ستاره بر روی زانوان مبارکش نشسته بود. امام (ع) در حال نوشتن بود، سلام کردیم. ایشان جواد داد و اشاره فرمود که

بنشینیم. ساعتی بعد از نوشتن فارغ شده احمد بن اسحاق نزدیک شد و کیسه ای از زیر لباس بیرون آورده در مقابل امام (ع) (گذاارد. امام حسن (ع) به کودک فرمود: عزیزم مَهر هدایایی را که شیعیان و دوستان فرستاده اند، باز کن.

لبهای کودک مانند غنچه ای شکفت: آیا جایز است دست پاکم به هدایای آلوده و اموالی بزنم که حلال و حرامشان به هم آمیخته شده است؟

صفحه ۱۵۰

امام عسکری (ع) به احمد بن اسحاق فرمود: آنچه در توشه داری، بیرون آور تا حلال و حرام آن را جدا کند...

آنگاه امام رو به من کرد و فرمود: ای سعد! برای چه آمده ای؟

-احمد بن اسحاق شوق دیدار شما را به دلم انداخت - پس سؤالهایت که می خواستی

پرسی، چه شد؟

-آری آن سؤالها نیز هست.

-از نور چشمم پرس.

از حضرت صاحب الامر (عج) پرسیدم: مولای من و ای فرزند مولایم، چرا خداوند به پیامبرش موسی فرمود: فاخلع نعلیک انک بالواد مقدس طوی^(۴۹) کفشهایت را درآورد که اینجا مکانی مقدس است. علمای فریقین گمان می کنند که چون کفشها از پوست حیوان مردار بود، خداوند این چنین فرمود.

حضرت فرمود؟ هر کس نظری داده، بر موسی (ع) دروغ بسته و نبوت او را نشناخته است. موسی (ع) در آن مکان مقدس با پروردگارش مناجات کرد و گفت: خدایا محبتم را نسبت به تو خالص کرده ام و قلبم را از غیر توشسته ام

و چون موسي (ع) علاقه بسياري به اهل و خانواده اش داشت، پروردگار فرمود: اخلع نعليك اگر دوستي تو با من خالص و قلبت از تمایل به غير من پاکیزه است، محبت خانواده ات را از دلت بیرون کن.

از امام (ع) درباره تفسیر کلمه کهیصص پرسیدم، فرمود: معنی این حروف از خبرهای غیبی است که خداوند بنده اش

صفحه ۱۵۱

زکریا را بر آن آگاهی داد. سپس آن را بر پیامبر گرامی اسلام (ص) باز گفت. تأویل آن چنین است که روزی زکریا از پروردگارش خواست تا اسمهای پنجگانه را به او بیاموزد. جبرئیل آنها را به او یاد داد و از آن پس هر گاه نام محمد (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) را به خاطر می آورد، نگرانش بر طرف می شد اما هر زمان که نام حسین (ع) را به یاد می آورد، روحش پریشان و از دیدگانش اشک سرازیر می شد.

سبب آن را از پروردگار پرسید. جبرئیل به او خبر داد که «کاف» به اسم کربلا اشاره دارد. «هاء» به معنای هلاکت عترت، «یاء» یزید، کسی که به حسین (ع) ستم می کند است. «عین» به معنی عطش و «صاد» به معنی صبر اوست.

زکریا تا سه روز از عبادتگاهش بیرون نیامد و گریست.

سعد می گوید: پرسشهای دیگری را نزد حضرت صاحب الزمان (عج) مطرح کردم و ایشان نیز جواب فرمود. ما چند روزی هم در منزل امام حسن عسکری (ع) ماندیم اما دیگر آن کودک را ندیدم. (۵۰)

در مکتب اشعری

درباره مجموعه روایتهای سعد موضوعاتی مختلف یافت می شود اما به نظر می رسد به مسائل اخلاقی و درسهای همچون ایمان، تقوا، توجه به قیامت و .. عنایت ویژه ای داشته

است. وي در حديثي طولاني به نقل از امام علي (ع) مي گويد : بهترين وسيله براي نزديكي به بارگاه خداوندي چند چيز است:

صفحه ۱۵۲

- ۱ ايمان به خدا و رسول (ص)
- ۲ اقامه نماز (نشان شريعت و دين)
- ۳ اداي زكات (از واجبات الهي)
- ۴ روزه ماه مبارك رمضان (حافظ انسان از عذاب آخرت)
- ۵ انجام فريضه حج (برطرف كننده فقر و بازدارنده از گناه)
- ۶ پذيرش كلمه توحيد تنها وسيله كسب قدرت براي تشخيص حق و باطل
- ۷ رفت و آمد با خويشاوندان (عامل فزوني مال و تاخير در مرگ)
- ۸ جهاد در راه خدا
- ۹ كمك به نيازمندان به صورت پنهاني (محو كننده گناهان و فرو نشاننده غضب الهي)
- ۱۰ انجام كارهاي خير (نجات از مردن بد، حافظ از پرتگاه) پس صدقه بدهيد، زيرا خداوند صدقه دهندگان را ياري مي كند .
- ۱۱ پرهيز از دروغ، زيرا دروغ در مقابل ايمان قرار دارد. راستگو در ساحل نجات و بزرگواري (سوق دهنده به سوي پرتگاه رسوايي و هلاكت)
- ۱۲ گفتار نيك تا بدان معروف گرديد و به اين وسيله اهل خير باشيد .
- ۱۳ امانتداري در مقابل كسي كه به شما اعتماد کرده است .
- ۱۴ معاشرت با كساني كه ارتباط با شما را قطع کرده اند و چشم پوشي بزرگوارانه از خطاي كسي كه به شما بدوي کرده است . (۵۱)

اشعري هم چنین در روایتی از امام باقر (ع) می گوید:
«من کان ظاهره ارجح من باطنه خف میزانه»

اگر ظاهر کسی آراسته تر از باطنش بود، کفه اعمالش در روز قیامت سبک تر است.»^(۵۲)

صفحه ۱۵۳

وفات و مرقد اشعري

سعد بن عبدالله اشعري پس از سالها کوشش در راه تحصیل، تعلیم معارف دین، نشر احکام شریعت و ارشاد مردم در روز چهارشنبه ۲۷ شوال سال ۳۰۰ ه^(۵۳) ق به دیدار معبود شتافت.

برخی معتقدند که سعد اشعري به هنگام وفات در منطقه «رستم» یا «رستمدر» در نزدیکی استان مازندران^(۵۴) حضور داشت^(۵۵) اما مرقدش در قم (قرستان شیخان) نزدیک مرقد زکریا بن آدم اشعري و زکریا بن ادريس اشعري قرار دارد.^(۵۶)
پی نوشت ها :

-
- ۱- اقتباس از مقدمه کتاب «من لا یحضره الفقیه» ج ۱ .
 - ۲- دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۹۸ زندگی برخی از این ستارگان پرفروغ در همین مجموعه «ستارگان حرم» آمده است .
 - ۳- رجـال نجاشـی، ج ۱ ص ۴۰۱ .
 - ۴- الاعـلام، ج ۳ ص ۸۳ .
 - ۵- هدیة العـارفین، ج ۵ ص ۳۸۴ .
 - ۶- از سلاله سعد بن عبدالهل در قرن اخیر بزرگانی مانند ملا محمد باقر اشعري، عبدالله اشعري و ملا محمد طاهر اشعري، از اساتید امام خمینی و مدفون در زرنند ساوه .

- ۷ حـاوي الاقـوال، ج ۱، ص ۴۰۹ .
- ۸ معجم المـؤلفين، ج ۳، ص ۲۴۵ .
- ۹ تاريخ بغداد، ج ۲ ص ۳۴۶ .
- ۱۰ معجم المـؤلفين، ج ۹، ص ۳۵ .
- ۱۱ طبقات اعلام الشيعة، ج ۱، ص ۱۳۴ .
- ۱۲ همـان .
- ۱۳ معجم رجال الحديث، ج ۲ ص ۲۶۱ .
- ۱۴ همـان ج ۸، ص ۷۴ .
- ۱۵ طبقات اعلام الشيعة، ج ۱، ص ۱۸۵ .
- ۱۶ معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۵۰ .
- ۱۷ طبقات اعلام الشيعة، ج ۱، ص ۷۶ .
- ۱۸ همـان، ج ۱، ص ۵۷ .
- ۱۹ همـان، ج ۱، ص ۱۲۳ .
- ۲۰ معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۷۹ .
- ۲۱ ماهنامـه كـوثر، ش ۷، ص ۷۶، ص ۳۶ .
- ۲۲ المقـالات و الفـرق - مقدمـه .
- ۲۳ رجال نجاشي ج ۱ ص ۴۰۱ .
- ۲۴ بحـار الانـوار، ج ۵۲ ص ۷۸ .
- ۲۵ فـهرست طوسـي، ص ۷۵ .
- ۲۶ رجال طوسـي، ص ۴۳۱ .
- ۲۷ همـان، ص ۴۷۵ .
- ۲۸ رجال نجاشي، ج ۱، ص ۴۰۱ اعيان الشيعة، ج ۷ ص ۲۲۵ شهيد ثاني در حاشيه بر

رجال ابن داوود معتقد است بین علمای شیعه درباره ثقه بودن، بزرگی و دانش او اتفاق نظر

وجود دارد .

- ۲۹ رجال کمال کمال ش، ص ۵۲۸ .
- ۳۰ معالم العلماء، ص ۵۴ .
- ۳۱ الوجیزه، ص ۵۰ .
- ۳۲ الخلاصه، ص ۷۸ .
- ۳۳ التمهید، ج ۲، ص ۲۳۸ .
- ۳۴ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸ .
- ۳۵ همایان، ج ۱۵، ص ۲۸ .
- ۳۶ رجال نجاشی .
- ۳۷ اطلس تاریخی جهان، ص ۲۷۶ و ۲۷۲ و ۲۷۰ .
- ۳۸ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۷۸ .
- ۳۹ خال صدوق، ص ۲۷۸، ووسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳ .
- ۴۰ وسائل الشیعه، ج ۱ ص ۱۲۳ .
- ۴۱ المقالات و الفروق، ص ۱۵ - ۱۷ .
- ۴۲ رجال نجاشی، ج ۱ ص ۴۰۱ .
- ۴۳ اعیان الشیعه، ج ۷ ص ۲۲۵ .
- ۴۴ معجم رجال الحدیث، ج ۸ ص ۷۹ .
- ۴۵ کمال اللمعین و تمام النعمه، ص ۴۵۴ .
- ۴۶ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۷۹ .
- ۴۷ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۷۹ .
- ۴۸ مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۷ .

- ٤٩سوره طه، آيه ١٢ .
- ٥٠بحر الانوار، ج ٥٢، ص ٧٩ .
- ٥١علل الشرايع، ص ٢٤٧ .
- ٥٢امالي صديق، ص ٣٧٩ .
- ٥٣يساس سال ٢٩٩ وي ٣٠١ .
- ٥٤لغتنام دهخدا، ج ٧ ص ١٠٥٩٩ .
- ٥٥الخلاصه، ص ٧٨ .

- ٥٦مراقد المعارف، ج ١ ص ٣٢٤ .

حاج شیخ عباس قمی ستاره تابناک آسمان علم و فضیلت، محدث و حدیث یگانه دوران حضرت امام خمینی (قدس سره)، - چهل حدیث امام خمینی حدیث اول - محدث قمی از جمله، مشایخ روایت است که امام خمینی (قدس سره) از قم و در یک فضای معنوی به دنیا آمد. پدر بزرگوارش مرحوم کربلانی محمد رضا یکی از علاقه مندان و شیفتگان اهل بیت علیه السلام و مردی پرهیزگار و صالح بود و مادر وی زنی پارسا و مؤمنه بود که سعی تمام در انجام واجبات الهی داشت و یکی از ویژگیهای آن بانوی گرانقدر، اهمیت فوق العاده به نماز اول وقت بود. یقیناً یکی از عوامل موفقیت و آینده درخشان این شخصیت بزرگ شیعه، تربیت و نشو و نما در چنین محیطی و توسط چنین مربیانی بوده است. وی دوران کودکی را در جوی آکنده از معنویت و روحانیت پشت سر گذاشته و با عشق و علاقه سرشار به علم و اهل علم تحصیلات مقدماتی خویش را در همان شهر آغاز کرد. ادبیات و فقه و اصول را در محضر اشاتید فن و علمای سرشنای آن روز همچون میرزا محمد ارباب قمی و سایر بزرگان آموخت. عزیمت به حوزه علمیه نجف

بعد از طی مراحل تحصیل در زادگاه خویش، در سال ۱۳۱۶ و در سن ۲ سالگی به منظور تکمیل و ادامه تحصیل، عازم حوزه علمیه نجف اشرف گردید و در جلسه درس دانشمندان و مدرسین والا مقام حوزه نجف حاضر اشرف شد. او که تشنه فراگیری علوم و معارف الهی بود خود را از چشمه زلال

حقیقت و معنویت حوزه نجف سیراب می کرد.

این جوان سعادتمند در ساحل نجف راه خویش را یافت و و بعد از تحلیلات رایج زمان خویش به علوم حدیث متمایل شد و عشق و علاقه خویش را به جمع آوری و نقل احادیث نورانی اهل بیت علیه السلام نشان داد.^(۱) شور و شوق وصف ناپذیر این جوان قمی، وی را به محضر درس استاد حدیث، علامه بزرگوار حاج میرزا حسین نوری قدس سره کشاند او از همان سالها دلبسته استاد خویش گردید وی پیوسته ملازم و همراه استاد خویش بود و در سایه آم وزش های علمی و عملی آن بزرگوار، به مقامات عالی فرهنگی و معنوی رسید و علاوه بر اینکه از اندوخته های علمی و آموزش های عملی استاد ازجمله خویش بهره مند می شد از کتاب خانه ارزشمند و کم نظیرش عملی استاد ازجمله خویش بهره مند می شد از کتاب خانه ارزشمند و کم نظیرش نیز استفاده کرد. در سال ۱۳۲۰ با رحلت محدث نوری محدث نوری تحولی عمیق در روحیه حاج شیخ عباس ایجاد شد و چنان روح و جان او را متأثر ساخت که سال ها بعد از آن حادثه تلخی آن را در کامش احساس می کرد ایشان در این رابطه می نویسد:_____

«... مصیبتش بر عامه مسلمین، خصوص بر این داعی که در خدمتش منزلت اولاد داشتم، چنان تلخ گذشت که هنوز مرارت آن را در کام خود می بینم و بر فقدان آن جناب بسی تأسف می خورم و سزاوار است که بگویم بعد از استادم زندگیم مانند ماهی در خشکی بود و گذران روزگارم مانند برف در مقابل^(۲) حرارت^(۳)»...

وی بعد از شش سال تحصیل مداوم، در محضر اساتید بزرگوار حوزه علمیه نجف و استفاده های فراوان از ارباب علم و معرف در سال ۱۳۲۲ ق با

کوله باري از اندوخته هاي علمي و معنوي به زادگاهش مراجعت کرد. اين جوان پر تلاش قمی، در نتیجه زحمات طاقت فرساي خویش، که اینک بعنوان دانشمندی فرزانه در عرصه علم و تحقیق و نویسنده اي زیر دست در سنگر تألیف و تصنیف و عارفی پرهیزگار در میدان عمل و ستایشگری عاشق در محراب عبادت و سخنوری توانا در منبر وعظ و خطابه محسوب می شد. فعالیت هاي خویش را در سنگر تألیف و تبلیغ و در دفاع از حریم اهل بیت علیه السلام و نشر معارف نورانی اسلام آغاز کرد.

هجرت به مشهد

همزمان با هجرت مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی از عنایت عالیات به مشهد مقدس، ایشان هم از قم عازم مشهد رضوی علیه السلام شد و در آن جا به پیشنهاد آیه الله قمی با دختر برادر ایشان، ازدواج کرد و چهار فرزند او ثمره همین ازدواج می باشد. محدث قمی در مشهد برای سومین بار توفیق سفر به خانه خدا را پیدا کرد و این سفر او که با کشتی انجام گرفت شش ماه طول کشید. که در مجلس سخنرانی او جمعیت انبوهی از شیفتگان اهل بیت علیه السلام برای شنیدن کلمات گهربار و درك فیوضات معنوی از سخنان وی، عاشقانه کرد چراغ معرف او حلقه می زدند.

در پناه حضرت رضا علیه السلام

ایشان سالهایی که در مشهد مقدس رضوی علیه السلام بود بهره های فراوانی از آن آستان مقدس دریافت می کرد، آشنائی با علمای ابرار و انسان های پاک ضمیر همچون آیه الله آقا حسین قمی قدس سره، روحانی پاک سرشت و

صفحه ۱۶۲

صاحب کرامت حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی، مرحوم آخوند ملاعباسی تربتی (پدر بزرگوار آقای حسینعلی راشد)، آقای شیخ مرتضی عیدگاهی و آقا شیخ علی اکبر نوقانی

و سایر علمای مشهد، تألیف کتاب «فوائد الرضویه» و تعدادی از تألیفات ایشان با استفاده از کتابخانه آستان مقدس رضوی، از جمله عنایات حضرت صثامن الحجج آقا علی ابن موسی الرضا علیه السلام، به مرحوم حاج شیخ عباس قمی بود.^(۴) ایشان در این زمینه چنین می نویسند: از دارالایمان قم بصوب ارض اقدس (بسوی سرزمین پا «توجه نمودم... و چندان مراحم و الطاف و نعمت از آن رحمت الهی و نعمت نامتناهی در خود مشاهده کردم که هوس مجاورت آن آستانه مقدسه را نمودم.. با آنکه در این قطعه از زمان که فتنه های بی پایان چون پاره های شب مظلم متراکم، و بر تمام بلاد و عباد متهاجم گشته و بحکم اذا عمت البلدان الفتن و البلیا فعلیکم بقم و حوالیها و نواحیها فان البلیا مدفوع عنها^(۵) شایسته است که هر کس بتوند مهاجرت بلده طایبه قم نماید تا چه رسد بکسی که قم وطن او باشد. لکن این شکسته مهجور، چندان مغمور در نعمت مراجعت به وطن را در خود ندیدم بلکه سختیهای کشیده و تلخیهای چشیده را شکر گفتم و منتها پذیرفتم... و پیوسته سختی های کشیده و تلخی های چشیده را شکر گفتم و منتها پذیرفتم... و پیوسته عرضه می دارم:

مملوک آن جنابم و محتاج این درم	شاها اگر به عرض رسانم سریر فضل
این مهر بر که افکنم این دل کجا برم	ار بر کنم دل از تو و مهر از تو بگسلم

صفحه ۱۶۳

گر جز محبت تو بود ذکر دیگرم	نامم زکاخانه عشاق محبوباد
من کی رسم بوصل تو کر ذره کمترم ^(۶)	ای عاشقان کوی تو از ذره بیشتر

مبارزه با هوای نفس

در همان سالهایی که محدث قمی در مشهد بود جمعی از مؤمنین و طلاب با اصرار از وی تقاضا می کنند که در ماه مبارک رمضان در مسجد گوهر شاد نماز جماعت برپا کند و ایشان هم می پذیرند و در یکی از شبستانهای مسجد، به نماز جماعت اقدام می کنند. هنوز

ده روز نشده بود که جمعیت بسیاری در آن شرکت می کنند. يك روز پس از اتمام نماز ظهر به آقای شهابی که نزدیک وی بود می گوید: من نمی توانم نماز عصر را بخوانم! و بلافاصله به خانه برمی گردد و تا آخر ماه مبارك رمضان نماز جماعت تعطیل می کند. روزی مرحوم حاج میرزا علی اکبر نوقانی از ایشان می پرسند: چرا نماز جماعت را تعطیل گردید؟ ایشان در پاسخ می فرماید: «حقیقت این است که در رکوع رکعت چهارم متوجه شدم که صدای اقتدا کنندگان پشت سرم که می گفتند: «یاالله! ان الله مع الصابرين» از نقطه دوری بگوش می رسد همین که متوجه زیادی جمعیت شدم در من يك نوع خوشحالی ایجاد شد و من فهمیدم برای اقامه نماز جماعت مسلمانان اهلیت ندارم برای همین این بار را بگردن نگرفتم. (۷)

محدث قمی شخصیتی بود که در تمام لحظات زندگی در محضر خدا می زیست و این حضور را کاملاً احساس می کرد اخلاص و خدا محوری او در سرتاسر زندگی، وی را در ردیف بندگان مخلص قرار داده بود و تمام حرکات ریز و درشتش با نام و یاد خدا شکل می گرفت: نیت خالصش را چون

صفحه ۱۶۴

گوهری صاف و شفاف پاس می داشت. انگیزه های خود را با هوا و هوس، نام و آوازه، خودنمایی، لذت های دنیایی، توجیهات و باورها یناصواب، آلوده نمی ساخت داستان بالا و قضیه ای که در پی می آید شاهد مدعی ما است.

داستان شیخ عبدالرزاق

مرحوم محدث روزی برای فرزند بزرگش نقل کرد که: وقتی کتاب «منازل الاخرة» را تألیف و چاپ کردم يك نسخه آن به دست شیخ عبدالزق مسأله گو - که همیشه قبل از ظهر در صحن مطهر حضرت معصومه علیه السلام مسأله می گفت - افتاده، و او هر روز کتاب «منازل الآخ ر» را بدست گرفته و برای حاضرین می خواند. مرحوم پدرم کربلانی محمد رضا

- که از علاقه مندان شیخ عبدالرزاق بود، و هر روز در مجلس او حاضر می شد - روزی به خانه آمد و گفت. شخی عباس! «کاش مثل این مسأله گو می شدی و می توانستی منبر بروی و این کتاب را که امروز برای ما خواند، بخوانی» چند بار خواستم بگویم آن کتاب از آن کتاب از اثر و تألیفات من است، اما هر بار خودداری کردم و چیزی نگفتم: فقط عرض کردم: «دعا بفرماوید خداوند توفیقی مرحمت فرماید»^(۸)

تأثیر بیان

سنگربان صدیق اسلام شب های پنجشنبه و جمعه در مدرسه میرزا جعفر واقع در صحن مطهر رضوی علیه السلام به عنوان درس اخلاق برای طلاب علوم دینی منبر می رفتند، نزدیک به هزار نفر از طلاب و علماء شهر در آن مجلس شرکت می کردند منبر ایشان حدود دو ساعت و نیم تا سه ساعت طول می کشید و دذ مباحث مختلف اخلاقی سخن می گفت. واعظ دانشمند و مشهور جناب آقای راشد که در آن زمان یکی از طلاب حاضر در مجلس حاج شیخ بوده

صفحه ۱۶۵

است در رابطه با نفوذ سخنان ایشان چنین می گوید: اثر يك منبر ایشان در دو شب تا يك هفته در ما باقی بود. در طول يك هفته مضامین سخنان آن مرحوم در اعماق دل ما ریشه دوانیده و ما را به خود مشغول داشته بود! به طوری که تا هفته بعد کاملاً تحت تأثر آن بودیم! سخنان نافذ آن مرحوم چنان چنان بود که تا يك هفته انسان را از پندارهای ناروا و گناهان باز می داشت و به خداوند متعال متوجه می کرد.^(۹) در مورد تأثیر سخنان حاج شیخ عباس قمی و نورانیته که از نقل کلام اهل بیت علیه السلام در دلها جا می گرفت به بیانات ارزشمند یکی از علمای اعلام نجف توجه کنید: وقتی که حاج شیخ عباس قمی در منبر حدیث نقل می کرد و سلسله سند روایان هر حدیث را ذکر نمی نمود و مختصری از شرح حال هر کدام را بیان

مي كرد پس از معرفي آخرين راوي به امام صادق عليه السلام مي رسيد، چنان بود كه گوئي شنونده امام عليه السلام را مي ديد، با همان عظمت و مهابت و مقام شامخ امامت بود^(۱۰) آقاي محمود شهابي استاد دانشگاه تهران كه در سالهاي ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ قمري ايشان را در مشهد درك کرده است در زمينه تأثير كلام حاج شيخ مي نويسد: مرحوم حاج شيخ عباس قمي بي مبالغه خود چنان بود كه براي ديگران مي خواست، و چنان عمل مي كرد كه به ديگران تعليم مي داد. سخنان و مواعظ او چون از دل خارج مي شد و با عمل توأم بود لاجرم بر دل مي نشست و شنونده را به عمل وا مي داشت. هر كس او را با آن حال صفا و خلوص مي ديد عالم بود يا جاهل، عارف بود يا عامي، بازاري بود يا اداري، فقير بود يا غني وقتي سخنان سر تا پا حقيقت را از او مي شنيد، بي اختيار انقلابي در حال وي پديد مي آمد، و تحت تأثير بيانات صادقانه و نصايح مشفقانه او واقع مي شد و به فكر اصلاح حال خويش افتاد^(۱۱)

صفحه ۱۶۶

اخلاق او جلوه اي از تعاليم اسلام

محدث بزرگوار ما، نسبت به اهل علم و علما مخصوصاً كساني كه اهل حديث و روايت بودند احترام خاصي قائل بود، هيچ گاه خود را بر ديگران مقدم نمي داشت، وقتي وارد مجلسي مي شد، زير دست همه مي نشست و هنگام بيرون آمدن به دنبال همه راه مي افتاد، اگر كسي از وي تعريف و تمجيد مي كرد مرحوم محدث خواهش مي نمود كه رشته سخن را تغيير دهد و اضافه مي كرد كه من خود مي دانم كه موجودي بي ارزش و حقيرم! در خانه چيزي را بر كسي تحميل نمي كرد و از كسي خواهشي نمي نمود، در مقابل محبت ديگران سپاسگزاري مي كرد از سخنان بيهوده و لغو همانطور كه در تأليفاتش مكرر نكوهش کرده است سخت پرهيز داشت. هرگز در فكر خوستائي و گفتن خلاف واقع نبود، از غرور و

خودپسندي دوري مي کرد و خلاصه تمام حرکات و سکناات او جلوه اي او جلوه اي از تعاليم عاليه اسلام بود و به ديگر سخن يك شيعه تمام عيار و تجسم ارزهاش الهي بود.^(۱۲) هر کس با او همراه مي شد شيفته اخلاق او شده و تحت تأثير گفتارش قرار مي گرفت، در سفرها اينکه مشغول عبادت، فکر، مطالعه، و نوشتن بود با همسفران مانوس بوده و از آنان غافل نمي شد. تواضع و فروتني

وز تکبر ذليل و خوار شوي» «از تو تواضع بزرگوار شوي

محدث بزرگوار ما وقتي در کتاب ارزنده «فوائد الرضويه» (که در شرح زندگاني علماي شيعه مي باشد) به نام خودش مي رسد، چنين مي نگارد: همانا چون اين کتاب شريف، در بيان احوال علماست شايسته ندیدم که ترجمه خود

صفحه ۱۶۷

را که احقر و پست تر از آنم که در اعداد ايشان باشم - در آن درج کنم. از اين رواز ذکر حال خود صرف نظر کرده، اکتفا مي کنم به ذکر مؤلفات خود). اين است تواضع انساني که آثار زيبا و جالب و عميقش بيش از نيم قرن است مورد استفاده خاص و عام مي باشد.^(۱۳) صفا و اخلاص او

در اواخر عمرش شخصي از همدان به نجف اشرف آم ده و در منزل ايشان او را ملاقات کرد. در ضمن صحبت از زندگي شخصي وي سؤال کرد حاج شيخ عباس واقعييت را بيان کرد آن شخص در موقع رفتن پول به ايشان داد ولي محدث نپذيرفت، هر چه اصرار کرد قبول ننمود پس از رفتن فرزندش گفت: پدر! چرا نپذيرفتيد؟ جواب داد: «گردنم نازک و بدنم ضعيف است، طاقت جواب خدا را در قيامت ندارم.» سپس داستان امير مؤمنان عليه السلام در شب نوزده رمضان را بيان کرد که آن حضرت خطاب به دخترش ام کلثوم فرمود: دخترم! براي من در يك طبق دو نوع خورشت حاضر کرده اي؟ مگر نمي داني که من تابع برادر و پسر

عموي خویش رسول خدا (صلي الله عليه و آله و سلم) هستم، دخترم! هر کس خوراك و پوشاك او در دنيا نيكوتر باشد ايستادن و معطل شدن او در روز قيامت نزد خداوند متعال بيشتر خواهد بود. دخترم! در حلال دنيا حساب است و در حرام آن عذاب. و بعد حاج شيخ عباس گريسته و اهل خانه را موعظه کرد. ^(۱۴)

مردی بزرگ در يك اتاق كوچك

يکي از فضايي نجف که در مدرسه مرحوم آية الله العظمي آقا سيد محمد کاظم يزدي (قدس سره) تحصيل مي کرده است مي گوید: مرحوم حاج آقا

صفحه ۱۶۸

باقر طباطبائي يزدي (توليت مدرسه و نوه سيد) روزي ضمن نصيحت به طلاب مدرسه چنين مي گفت: چرا اين همه اصرار مي كنيد كه اتاق هاي خوب و نورگير در مدرسه داشته باشيد و به هر اتافي كه به شما مي دهند راضي نمي شويد؟ حاج شيخ عباس قمي در اتاق بسيار كوچك و تاريخ راهرو همين مدرسه سكونت داشت، و در همان جاي تنگ و تاريخ دو جلد كتاب «غاية القصوي» را نوشت ^(۱۵) هر بار از آن مرحوم خواستيم اتاقش را عوض كند و اتاق بهتر و و بزرگتري انتخاب نمايد، مي فرمود: «نه! همين جا كفاف كار مرا مي كند به راحتی مي توانم كارم را انجام دهم. چرا اتاق ديگري را كه ساير مي كند به راحتی مي توانم كارم را انجام دهم. چرا اتاق ديگري را كه ساير طلاب احتياج به ان دارند اشغال كنم ^(۱۶) و اين چنين است كه مردان بزرگ كارهاي مهم را با امكانات كم انجام مي دهند و اينان ستارگاني هستند كه در تاريخها مي درخشند و جامعه خویش را به نور ايمان روشن مي كند و نمونه اي از زندگي ساده و زاهدانه پيامبر (صلي الله عليه و آله و سلم) و ائمه عليه السلام را ارائه مي كنند، ^(۱۷) و بنا به فرموده امام باقر عليه السلام شمع بدستاني هستند كه به مردم روشنائي

زندگی کردن در میان علمای ما در محدث قمی خلاصه نمی شود بلکه اکثر اندیشمندان موفق شیعه ساده زیست بوده اند .

مرزبان ایمان و مبارزه با هجوم دشمنان

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: عالمان پیرو ما، مرزبانان و سنگردارانی هستند که مراقب هجوم لشکر شیطان بر مرزهای ایمانند و آن را از تسلط بر مستضعفان فکری باز می دارند. بدانید! از پیوان ما کسانی که برای چنین مهمی بپا خیزند از کسانی که در روم برای گسترش اسلام جهاد می کنند، هزار مرتبه برترند، چرا که ایشان اینان از عقائد پیروان ما دفاع می کنند و آنان از جسم

صفحه ۱۶۹

آنان . (۱۸)

حاج شیخ عهباس قمی به حق یکی از مصادیق بارز عالمان دین باور مرزبان صدیق ایمان بود چرا که او در عصر خویش شاهد یکی از دورانیهای هجوم فرهنگی دشمنان دین، به قلب اسلام و روحانیت بود. برای همین در برابر حوادث و وقایع تلخ زمان خویش قد علم کرده و بعنوان یک روحانی راستین، خود را از نظر علمی و فرهنگی آماده مقابله با توطئه های مخالفین نمود. او در عصر مشروطیت از سوئی قیام مردم مسلمان ایران به رهبری روحانیت آگاه، در مقابل سمتگريها و خونريزي هاي حاکمان ستمگر را می دید و از سوي دیگر فعالیت روشنفکران غربزده و اسلام ستیز را مشاهده می کرد که چگونه دین و فرهنگ معنویت را کم رنگ کرده و فرهنگ مبتذل غرب را به ملت بزرگوار ایران به ارمغان می آورند .

در چنین شرایطی حاج شیخ عباس همچون یک عالم متعهد وارد صحنه شد و مانند یک طبیب دوره گرد روح و قلب مسلمین را شفا بخشید او با نگارش کتاب جاوید «مفاتیح الجنان» و «منازل الاخره» مردم را به سوي دعا و معنویت دعوت کرد و با تألیف «فوائد

الرضويه» و «تحفة الاحباب» و «الكني و الالقاب» و «هدية الاحباب»، بزرگان دين و دانشمندان و ارسته شيعي را به جوانان مسلمان معرفي كرد. و به عنوان الكو به آنان مطرح نمود و شخصيت هاي كاذب غرب و شرق را نفي كرد. وي با تنظيم كتاب «منتهي الآمال»، شيعيان را با تاريخ چهارده معصوم عليه السلام آشنا کرده و مردم خودباخته و بيگانه از فرهنگ خودي را، با رهبران آسماني خویش پیوند داد. او همچنين با ترجمه «غاية القصوي» جوانان مؤمن را با درس احكام و دستورات شرعي مأنوس نمود، بالأخره محدث قمي مانند: ستاره اي تابناك در عصري تاريخ درخشيد، عصري كه رژيم ضد خدائي رضاخان بر ملت

صفحه ۱۷۰

ايران حاكم بود و تاريخي ستم و بي ديني و مبارزه با ارزش هاي الهي همه جا را فرا گرفته بود و ملت مسلمان ايران در گرداب فساد و بدبختي غوطه ور شده بودند، در حالي كه مبارزه با روحانيت و حوزه هاي علميه، ضد يد با حجاب و عمامه و روضه خواني به عنوان يك ارزش ملي تلقي مي شد او كشتي نجات، از گدا ب هلاكت و فساد را به ملت مسلمان عرضه كرد يعني با تدوين كتاب ارزشمند «سفينة النجاة»، مسلمانان گرفتار در بند فرهنگ بي ديني و بي بند و باري را به ساحل نجات رهنمون شد آنان را با احاديث نوراني اهل بيت عليه السلام پيوند داد و به درياي نور متصل كرد و در يك كلام حاج شيخ عباس با تأليف كتاب هاي متعدد در موضوعات مورد نياز جامعه آن روز، توانست در مقابل هجوم فرهنگي دشمنان اسلام به ارزشهاي الهي و اسلامي، سدي پولادين بسازد و به جوانان و نسل جديد تفكرات و اندیشه هاي ائمه اطهار عليه السلام سیراب نماید و آنان را در برابر دين ستيزان، بيمه کند .

او علاوه بر اينكه در سنگر قلم از كيان تشيع سرسختانه دفع مي كرد و در اين مسير لحظه اي آرامش نداشت مجالس درس و سخنراني هايش نيز هدايت آفرين بود .وي با مسافرت

هایش به شهرهای قم و تهران و مشهد به سخنرانی و موعظه می پرداخت و در فراز منبر منکرات روز افزون جامعه را به مردم گوش زد می کرد.

در همان زمانی که مقدسات اسلام مورد هجوم دشمنان قسم خورده اسلام قرار گرفته بود، آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، کانون اندیشه شیعه را، با تأسیس حوزه علمیه قم، بنیان نهاد و برای پربار نمودن بنیه فکری طلاب حوزه علمیه، علما و بزرگان دینی را به آنها دعوت کرد. یکی از کسانی که به وجود او بیش از همه نیاز داشت و به عنوان بازوی توانمند او محسوب

صفحه ۱۷۱

می شد حاج شیخ عباس قمی بود. وقتی از وی دعوت شد مرحوم محدث با تمام عشق و علاقه به جواز ملکوتی امام رضا علیه السلام به دعوت آن بزرگوار لبیک گفته و در خلال اقامه در مشهد به عنوان همکار و همفکر مرحوم حائری را همراهی کرد سفرهای محدث قمی در آن دوران به قم، بسیاری از طلاب را از شهرهای دیگر مخصوصاً شهرهای مقدس مشهد و نجف به سوی قم روانه کرد^(۱۹)

شیخ آقا بزرگ تهرانی می فرماید: هنگامی که حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه وارد قم شد و علمای قم از حاج شیخ عبدالکریم درخواست کردند در آن شهر اقامت کند و سر و سامانی به حوزه علمیه و آن مرکز دینی بدهد، حاج شیخ عباس یکی از معاونان و یاوران او بود با اینکه آن موقع در مشهد زندگی می کرد سهم زیادی در این کار داشت و یکی از بزرگترین مروجین حاج شیخ عبدالکریم به شمار می رفت و با دشت و زبا ناو را تأیید می کرد.^(۲۰)

در نگاه دانشمندان

- ۱- علامه امینی (متوفای ۱۳۹۰ ق). در کتاب گرانقدر الغدیر در رابطه با کتاب «فیض القدیر» می نویسد: ... مؤلف از نواب و بزرگان علم حدیث است و در فن تألیف در عصر حاضر، مقام ارجمندی را احراز نموده و خدمات او در این راه بر احدی پوشیده نیست.
- ۲- مرحوم مدرس تبریزی در کتاب «ریحانة الادب» می گوید: حاج شیخ عباس بن محمد رضا بن ابی القاسم، از افاضل علمای عصر حاضر ما که عالم، فاضل، کامل، محدث، متبع ماهر بوده و ... (۲۱)
- ۳- علامه کتابشناس، شیخ آقا بزرگ تهرانی همدرس و هم حجزه مرحوم

صفحه ۱۷۲

محدث قمی در مورد شخصیت ایشان می فرماید: رابطه من با شیخ عباس قمی محکمتر از دیگران بود زیرا ما دو نفر در انا یکی از مدارس نجف با هم زندگی می کردیم حتی دو سال بعد از فوت استادمان محدث نوری (قدس سره) با هم بودیم و نزد سایر اساتید درس می خواندیم. من همان موقع به خوبی او را شناختم، انسانی کامل و دانشمندی فاضل، آراسته به اخلاقی ستودنی و صفاتی پسندیده بود مدتها به هم نشینی او انس گرفتم و جانم با جان او در آمیخت (۲۲)

۴- مرحوم آية الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در مورد شخصیت محدث قمی و کتاب مفاتیح اش می نویسد: علامه نقاد، نویسنده کتاب های فراوان، عالم بلند مرتبه راهنمای دانا در دانش حدیث، مرحوم مبرور، معشوق و یار بهشت وفور، حاج شیخ عباس قمی فرزند محمد رضای قمی از بزرگان اساتید ما در فن روایت می باشد. مفاتیح او را بهترین کتابی یافتم که در باب ادعیه و زیارات و آداب و سنن و مناجات نوشته شده است (۲۳)

پرتویی از توسل حاج شیخ

هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد از رهگذر خاک سرکوی شما بود

بدون تردید یکی از علل موفقیت یک شخص مسلمان، توجه قلبی و توسل به ائمه اطهار علیه السلام و آثار آن بزرگواران می باشد داستانها زیر نمونه ای از اعتقاد عمیق این محدث مخلص به این مهم می باشد: ۱ - فرزند بزرگ ایشان آقای علی محدث زاده می گوید: فراموش نمی کنم زمانی که در نجف اشرف بودیم یک روز صبح در حدود سال ۱۳۵۷ ه ق یعنی دو سال قبل از وفاتشان از خواب برخاستند و اظهار داشتند امروز چشمم به شدت درد می کند بطوریکه قادر به مطالعه و نوشتن نیستم و بسیار ناراحت به نظر

صفحه ۱۷۳

می رسید. گویا با نحالش این بود: شاید خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا از در خانه شهان طرد کرده باشند. آن مرحوم عادت داشتند که گاهی این مطلب را با تاثیر می گفت و می گریست! آقای محدث زاده می افزاید: در آن ایام مشغول تحصیل بودم، رفتم به درس و ظهر که به خانه برگشتم دیدم ایشان مشغول نوشتن هستند. عرض کردم: درد چشمتان بهتر شد؟ فرمود: درد به کلی مرتفع گردید: پرسیدم: چطوری معالجه فرمودید؟ گفتند: وضو ساختم و مقابل قبله نشستم و کتاب^(۲۴) «کافی» را به چشم کشیدم درد چشمم برطرف شد. و ایشان تا پایان عمر دیگر به درد چشم مبتلا نگردید، و آن کتاب کافی که آن را چشم کشیدند کتابی خطی، و به خط فقیه مشهور ملا عبدالله تونی صاحب کتاب «وافی» بود و محدث قمی خیلی به آن علاقه داشت. ۲ - در زمانی که در مشهد اقامه داشته است، پسر کوچکش که کودکی سه ساله بوده بیمار می شود برایش داروی ایرانی جوشاندهد و صاف کرده و مختصری شکر در آن ریخته می آورند بیاشامد. با انگشت دست راست داروی مایع را به هم می زند، همسرش می گوید: صبر کنید فاشق بیاورم. حاج شیخ عباس در پاسخ می فرماید: «من در این کار قصد استشفاء داشته ام»، چون با این دست هزاران حدیث از ائمه طاهرين علیه السلام نوشته ام^(۲۵) و این چنین بود که دل بسته فرزانه ائمه اطهار علیه السلام در مدتی

کوتاه توانست موفقیت های بزرگی کسب کند و در عصر خویش مشهورترین محدث عالم تشیع و محبوب دل هزاران شیفته و عاشق اهل بیت علیه السلام باشد .

هزار نقد به بازار کائنات آرند

یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

صفحه ۱۷۴

همگام با زائرین حرم

یکی از مؤمنین نقل می کند: روزی در کربلا حاج شیخ عباس قمی را دیدم که در صحن مقدس حضرت امام حسین علیه السلام ایستاده و رفت و آمد سیل جمعیت را به حرم مطهر نگاه می کند و به آن مرحوم سلام کرده و احوالشان را پرسیدم با تأثر فرمودند: به واسطه تنگی نفس نمی توانم همراه جمعیت وارد حرم مطهر شوم . ایتساده ام شاید خلوت شود و بتوانم به حرم بروم .

گفتم: حاج شیخ! غصه نخورید اگر شما نمی توانید با انبوه جمعیت وارد حرم شوید، اینها که به حرم می روند هر کدام «حاج شیخ عباس قمی» را در بغل دارند!^(۲۶)

بلی حاج شیخ عباس سالها بعد از رحلتش در محافل معنوی حضور دارد هر زائری که وارد یکی از زیارت گاهها و یا محافل معنوی و مساجد وارد می شود مفاتیح را که رایجترین کتاب مذهبی ما است به همراه دارد رمز این سعادت بزرگ را باید در خلوص نیت نویسنده آن جستجو کرد چرا که مؤلف آن گوهر گرانمایه اخلاص خویش را با ارادت خالصانه به اهل بیت علیه السلام عجین کرده و در این کتاب جلوه گر ساخته و این چنین است که اثر جاودانه او به ابدیت پیوسته و زینت بخش مجالس و محافل معنوی و روحانی قرار گرفته است .

نویسنده خستگی ناپذیر

محدث قمي علاقه شدیدی به مطالعه و تألیف داشت از فرصتها حداکثر استفاده را می کرد با اینکه مبتلا به يك بیماری ریوی بود و نشستن و برخاستن

صفحه ۱۷۵

برایش مشکل می شد ولی شبانه روز کار می کرد. او عاشق کتاب و مطالعه به ویژه نوشتن بود خوب و سریع و با خط زیبا و نستعلیق می نوشت تا آنجا که در اثر نوشتن دو طرف انگشتانش که قلم بدست می گرفت بر آمدگی داشت. شیخ آقا بزرگ تهران نزدیکترین یار او می فرماید:_____د:

«او پیوسته سرگرم کار بود. عشقی شدید به نوشتن و تألیف و بحث و تحقیق داشت، هیچ چیز او را از این شوق و عشق منصرف نمی کرد و مانعی در این راه نمی شناخت.»

این نویسنده خستگی ناپذیر وقتی با دوستانش به مسافرت می رفت بعد از صرف غذا قلم و کاغذ و کتاب بر می داشت و در گوشه خلوتی مشغول می شد وقتی رفقاییش می گفتند: حاج شیخ! صبر کن قدری صحبت کنیم می گفت: «شما می روید ولی اینها می ماند»؛ برخی از تألیفات یادگار همین اوقات لحظات کوتاه سفر می باشد. (۲۷)

محدث قمي و قرآن

این دانشمند عالیقدر در رشت های مختلف علوم اسلامی متبحر بود و از جمله در علوم قرآنی اطلاعات وسیعی داش تا ایشان نتیجه مطالعات و آموخته های قرآنی خویش را در قالب کتابی گرانسنگ بنام «الدر النظیم فی لغات القرآن العظیم» در موضوع واژه شناسی قرآن به رشته تحریر در آورده. حاج شیخ عباس کتابش را از آثار کهن و مورد اعتماد دانشمندان اسلامی همچون «صاحاح اللغة» جوهری «مفردات» راغب - «اساس البلاغه» زمخشری - «قاموس المحيط» و سایر کتب مربوطه گلچین کرده و در طبقی بس وزین به شیفتگان معارف قرآن عرضه داشته است. (۲۸)

محدث و سادات

مرحوم سلطان الواعظین شیرازی (مؤلف کتاب شبهای پیشاور) نقل می کند: زمانی که کتاب مفاتیح الجنان تازه منتشر شده بود، روزی در سرداب سامره آن را در دست داشتم و مشغول زیارت بودم. دیدم شیخی با قبای کرباس و عمامه کوچک نشسته و مشغول ذکر است. شیخ از من پرسید: این کتاب از کیست؟ گفتم: از محدث قمی آقای حاج شیخ عباس است. و شروع به تعریف می نمودم، شیخ گفت: این قدر هم تعریف ندارد، بی خود تعریف می کنی! من نااحت شدم گفتم: آقات برخیز و برو! کسی که پهلوی من نشسته بود، دست زد به پهلویم و گفت: مؤدب باش! ایشان خدو محدث قمی آقای حاج شیخ عباس هستند! من برخاستم با آن مرحوم روبوسی کردم و عذر خواستم و خم شدم که دست ایشان را ببوسم، ولی آن مرحوم نگذاشت و هم شد دست مرا بوسید و گفت: شما سید هستید! (۲۹)

امر به معروف و نهی از منکر

محدث قمی در بازداشتن افراد از کارهای زشت و ناروا خیلی جدی بود و در اجرای امر به معروف و نهی از منکر فقط رضایت حق تعالی را در نظر می گرفت و از ملازمت مردم در عمل به تکلیف الهی نمی هراسید و ملاحظه کسی را نمی کرد.

آثار و تالیفات

کوکب فروزان آسمان تشیع، افزون پر تلاش های گسترده و تبلیغات دامنہ دار سفرهای بسیار برای ترویج و تبلیغ در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام،

در عرصه کتاب نویسی و تألیف مانند ستاره ای می درخشد. در سن چهل سالگی در حدود هفتاد جلد کتاب در موضوعات مختلف علمی و ادبی و تاریخی و مذهبی، تألیف و ترجمه کرد و به دانش دوستان و شیفتگان علم و فرهنگ و عاشقان اهل بیت علیهم السلام عرضه داشت. ما در این نوشتار محدود به برخی از آنان اشاره می کنیم و علاقه مندان را به کتاب های مفصل ارجاع می دهیم. ۱ - «سفينة البحار» (که به منزله فهرست و مختصر «بحار الانوار» است و به صورت حرف تهجی ترتیب یافته است. ۲ - «منتهی الامال» ۳ - مفاتیح الجنان» که بعد از قرآن شریف بیشترین تیراژ کتاب های چاپی دنیای شیعه را تشکیل می دهد ۴ - «الانوار البهیة» ۵ - «تتمه المنتهی» ۶ - «منازل الاخرة» ۷ - «الفوائد الرضویة» ۸ - «تحفة الاحباب» ۹ - «الکني و اللقب» ۱۰ - «غاية القصوي» ۱۱ - «نزهة النواظر» ۱۲ - «چهل حدیث» ۱۳ - «الفوائد الرجبية» ۱۴ - «بیت الاحزان و...»^(۳۰)

و سایر کتاب های آن بزرگوار که به بعضی از آنان قبلاً اشاره شد، ناگفته نماند تعدادی از کتاب های ایشان به زبانهای مختلف ترجمه شده است. علامه حاج آقا بزرگ تهرانی یار صمیم وی می نویسد: او دارای آثار باارزشی است که همگی دلالت بر مقام شامخ علمی و اطلاعات وسع ایشان دارد از کتابخانه محدث نوری استفاده فراوان برد. زیرا محتوی تعداد زیادی از ذخائر و نقاش بود که بیشتر آن را کتب خطی تشکیل می داد.^(۳۱)

میراث جاودان

امروز میلیونها زن و مرد با ایمان کتاب شریف «مفاتیح الجنان» را می شناسند، این اثر جاویدان زین بخش هر محفل و مجلس مذهبی و روحانی است. در هر فرصتی انسان های خداجو «مفاتیح» بدست، دست تضرع به درگاه

حضرت حق برداشته و با دعاها، مناجات‌ها و تعقیبات و زیارت‌های مفاتیح با معبود خویش به راز و نیاز می‌پردازند. راستی این چه عزت و عظمتی است که مفاتیح در کنار قرآن و صحیفه سجادیه قرار می‌گیرد و این چه سری دارد

که پدید آورنده بزرگترین انقلاب عصر ما حضرت امام خمینی (قدس سره) از تبعیدگاه ترکیه به به فرزندش می‌نویسد: «... کتاب مفاتیح، صحیفه سجادیه و... هم بفرستید»^(۳۲)

و همین امام خمینی در جواب کسانی که می‌گفتند: «اسلام فردا دیگر اسلام مفاتیح نیست اسلام قرآن است»^(۳۳) و ما نیاز به دعا و مفاتیح نداریم.»

می‌فرماید: «همین مفاتیح الجنان همین کتاب‌های ادعیه هستند اینها کمک انسانست در اینکه انسان را آدم کند.»

و در جای دیگر می‌فرماید: «آنهايي که ادعیه را می‌خواهد کنار بگذرانند و به اسم این که ما قرآن می‌خوانیم نه دعا، آن‌ها قرآن را هم نمی‌توانند به صحنه بیاورند... اگر قرآن هم می‌خوانید قرآن دارد از دعا تعریف می‌کند مردم را و دار به دعا کنید که اعتنا به شما نداشتیم اگر دعا»^(۳۴) نمی‌کردید^(۳۵)».

حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی در رابطه با مفاتیح می‌فرماید: «مفاتیح بهترین کتابی است که در باب دعاها و زیارت‌ها و آداب و سنن و مناجات نوشته شده است... مؤلفش آن را از مدارك معتبر و اسناد مورد اعتماد گرد آورده است، به جانم سوگند که همانا آن اثر جاویدی است که در معابد و مشاهد مشرفه مورد

استفاده همگان قرار می گیرد چه مجموعه گرانبها و شریفی؟! چه کتاب ارزشمند و منظم و آراسته ای! عاشقان خدا به آن توجه دارند و کمتر جائی است از خانه ها و مساجد و مشاهد شیعیان که در آن نسخه ای از مفاتیح یافت نشود».

شاگردان

محدث قمی از مشایخ و اساتید بسیاری از علام و مراجع می باشد به طوری که در ۵۰ سال اخیر اکثر فقهای شیعه از آن مرحوم اجازه روایت دریافت کرده اند که از جمله آنها می توان از حضرت امام خمینی (قدس سره) آیه الله میلانی، آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیت الله سید مرتضی مرعشی نجفی یاد نمود. محدث قمی در اجازه روایتی که در سال ۱۳۵۰ ق به آیت الله العظمی مرعشی داده است وی را با القاب و عناوین زیبایی مورد خطاب قرار داده است. (۳۶)

فرزندان

از حاج شیخ عباس چهار فرزند به یادگار مانده است که دو پسر و دو دختر بودند. پسران ایشان مانند خودش عالم و عابد و مبلغ دین و مایه دلگرمی وی بودند. دو پسر ایشان عبارتند از آقای حاج میرزا علی محدث زاده آقای حاج میرزا محسن محدث زاده که هر دو از فرزندان روحانیت بودند آقای حاج میرزا علی فرزند بزرگ شیخ عباس در نشر آثار به جا مانده پدرش سعی فراوان از خود نشان داد و تا این اواخر از دانشمندان و وعاظ مانده پدرش سعی فراوان از خود نشان داد و تا این اواخر از دانشمندان و وعاظ به نام تهران به شمار می آمد او چند سال پیش ندای حق را لبیک گفته و به دیدار پروردگار شتافت. پسر دوم ایشا آقای حاج شیخ محسن محدث زاده فعلا در تهران

صفحه ۱۸۰

اقامه دارد و به تبلیغ معارف دین مشغول است. (۳۷)

لحظه های آخر و بیاد ماندنی

محدث قمی حدود ۱۲ سال در مشهد مقدس اقامت کرد و بعد از مدتی به همدان و سپس به قم رفت و بعد از واقعه گهر شاد به نجف عزیمت کرده و تا پایان عمر خویش در آنجا زندگی کرد - در اواخر عمرش روزی یکی از علماء به عیادتش می آید و از حالش جویا می شود حاج شیخ عباس می فرماید: چند روز است که نتوانسته ام حدیث بخوانم و بنویسم! و شروع به گریستن می کند و سخت می گرید مرحوم روحانی به فرزندش می گوید: کتاب بیاورید ج ۱۷ بحار می آورند و چند حدیث می خواند و محدث قمی کمی خوشحال می شود». از مغرب شب آخر عمرش حالش غیر عادی بود و پس در پی اسامی ائمه اطهار علیهم السلام را تکرار می کرد مخصوصاً به اسم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می رسید بیشتر عرض ادب و اظهار ارادت می کرد و مکرراً می گفت: روحی له الفداء آن شب به علت عدم توانائی نمازها را نشسته خواند. نیمه های شب سه شنبه ۲۲ ذی الحجه سال ۱۳۵۹ ق بود که در سن ۶۵ سالگی دعوت حق را لبیک گفته و به لقاء الله پیوست. مرحوم آیه الله العظمی حاج سید ابوالحسن اصفهانی بر جنازه مطهرش نماز خواند و بعد از تشییع با عظمتی که توسط بزرگان و مراجع عموم مردم انجام شد در صحن مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جنب استادش محدث نوری مدفون گردید. و این بود گوشه هایی از زندگی مردی که گوئی دوباره به دنیا آمده بود، یک بار برای کسب تجربه و یک بار برای بکارگیری آن، شخصیتی که نام و خاطره و آثارش در قرن حاضر زینت بخش محفل عاشقان اهل بیت علیهم السلام می باشد .

روحش شاد و با اولیاء الهی محشور باد

پی نوشت ها :

- ۱ اريحانة الادب ج ۴، ص ۴۷۸، حاج شيخ عباس قمي، مرد تقوا و فضيلت، ص ۱۷ .
- ۲ ويحق لي ان اقول ولقد عشت بعد الشيخ عيشد الحوت في البر و بقيت في الدهر و
لكن بقاء القلب في الحـر .
- ۳ فوائـد الرضـويـه، ص ۱۵۰ .
- ۴ حاج شيخ عباس قمي، مرد تقوا و فضيلت .
- ۵ اشاره به فرمايش امام صادق عليه السلام در مورد قم مي باشد كه آن حضرت فرمود:
زمانيكه فتنه ها و بلايا در شهرها گسترش يافت به قم و نواحي آن سفر كنيد، زيرا آنجا از فتنه و
بـلا در امان اسـت .
- ۶ فوائـد الرضـويـه، ص ۳ .
- ۷ مقدمه فوائـد الرضـويـه، چاپ اول ۱۳۲۷ هـ ش .
- ۸ روزنامه جمهـوري اسلامي ۷۴ / ۳ / ۱ ص ۱۱ و .
- ۹ حاج شيخ عباس قمي، مرد تقوا و فضيلت .
- ۱۰ اـمـان .
- ۱۱ مقدمه فوائـد الرضـويـه .
- ۱۲ طبقات اعلام الشيعة جزء ۱، قسم ۳، ص ۹۹۸ .
- ۱۳ سـيـمايـي فرزانگان، ۳۰۸ .
- ۱۴ منتهي الامال، ج ۱، ص ۱۲۵، و حاج شيخ عباس قمي مرد تقوا و فضيلت .
- ۱۵ اغاية القصوي: ترجمه عروة الوثقي در ۲ جلد، ج اول از طهارت تا اموات، ج دوم از
كتاب صلوة تا بحث ستر و ساتر مي باشد .
- ۱۶ حاج شيخ عباس قمي مرد تقوا و فضيلت .
- ۱۷ حوزة ۴۹ / ۵۳ به نقل از محجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۱ .
- ۱۸ علماء شيعةنا مرابطون في الثغر الذي يلي ابليس و عفاريتـه احتجاج طبرسي چاپ

- ۱۹ حدیث اخلاص، ص ۵۸ .
- ۲۰ طبقات اعلام الشیعه، جزء اول - قسم سوم ص ۹۹۸ .
- ۲۱ نور علم، دوره ۲، ش ۲، ص ۱۲۰ .
- ۲۲ طبقات اعلام الشیعه، جزء سوم، ص ۹۹۸ .
- ۲۳ مقدمه مفاتیح الجنان، چاپ فراهانی، ص ۱۵ .
- ۲۴ کتاب کافی تألیف علامه بزرگوار ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی رئیس محدثین شیعه در گذشته به سال ۳۲۹ ق می باشد و این کتاب معتبرترین و مهمترین کتاب حدیث شیعه می باشد .
- ۲۵ حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت، ص ۵۷ .
- ۲۶ همان، ص ۷۰ .
- ۲۷ همان، ص ۳۳، و طبقات اعلام الشیعه، جزء اول، قسم سوم، ص ۹۹۹ .
- ۲۸ میراث جاویدان، فروردین ۷۲، ص ۲۶ .
- ۲۹ حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت .
- ۳۰ فوائد الرضویه، ۲۲۱ - ۲۲۲ .
- ۳۱ طبقات اعلام الشیعه جزء اول، قسم سوم ص ۱۰۰۰ .
- ۳۲ حوزة، ۴۹ / ۱۸۵ .
- ۳۳ با مخاطبهای آشنا، ص ۱۴۱، نوشته علی شریعتی .
- ۳۴ اشاره به آیه: قل ما یعبا بکم ربی لولا دعاکم، فرقان ۷۷ .
- ۳۵ تفسیر سوره حمد، امام خمینی، ۸۰ - ۸۲ .
- ۳۶ شهاب شریعت ۱۰۸ - ۱۷۸ - ۱۸۶ و نور علم دوره ۲، ش ۲ .
- ۳۷ حاج شیخ عباس، مرد تقوی و فضیلت .

محمد بن خالد برقي

حدیث کوشائي

علي محمدي

زمانی که خلفای جور در سرزمین پهناور اسلامی سعی تمام در نابودی آثار ولایت داشتند، و هر نفسی را در رگلو خفه می کردند، شهر مقدس قم پایگاه شیعیان به شمار می آمد. در اواخر قرن دوم هجری و در قریه ای از توابع این شهر (برقروود)^(۱) (کودکی دیده به جهان گشود که بعدها پرچمدار ارزشهای علوی شد و مانند ستاره در حریم ولایت درخشید.

او ابو عبدالله محمد، فرزند خالد برقي معروف بود.^(۲)

البته احتمال دارد نسبت «برقي» که به وی داده شد، به این علت باشد که او از اهالی

«برقروود» قم بود.

خاندان محمد

خاندانی که محمد بن خالد برقي در آن پرورش یافت. پیشینه ای ممتاز در حمایت از ولایت و امامت داشتند، به گونه ای که جدش (محمد بن علي) در قیام حضرت زید بن علي بن الحسین علیه السلام در پی حمایت از آن انقلابی بزرگ به دست یوسف بن عمرو، والی کوفه، دستگیر و سرانجام پس از تحمل شکنجه های فراوان به شهادت رسید. در پی این حادثه عبدالرحمن، فرزند محمد بن علي، به همراه پسرش، خالد، که طفلی بیش نبود از کوفه به قم هجرت کرده^(۳) و سالها بعد از آن محمد بن خالد برقي قدم به عرصه وجود نهاد.

محمد بن خالد در عصر امامان معصوم علیهم السلام

صحابی ائمه علیهم السلام

محمد بن خالد برقي به اعتراف بسیاری از دانشمندان اسلامی شیخ

طوسي^(۴) علامه حلي^(۵) این شهر آشوب^(۶)، و ابن ندیم^(۷) از اصحاب سه امام معصوم (امام موسی الکاظم، امام رضا، حضرت جواد علیه السلام) بوده و توانست از مکتب خاندان هدایت نهایت فیض را برد.

محمد بن خالد که با سه تن از معصومین معاصر و از اصحاب آنها بود، در حوادثی که رخ می داد از محضر معصوم زمان خویش کسب تکلیف می کرد. البته دانشمندان رجال تنها به ذکر مختصری از شرح حال او می پردازند و به صحابی بودن وی اکتفا می کنند، اما نسبت به کیفیت و موارد ارتباط او با معصومین توضیحی نمی دهند.

بنابراین تحلیل روشنی از ملاقاتها و برخوردها و رابطه های وی با معصومین نمی توان ارائه کرد.

در میان روایات زیادی که محمد بن خالد به نقل آنها پرداخته است. در دو مورد وی با امام جواد علیه السلام ماتبه کرده است^(۸) که این دلیلی بر ارتباط او با امام عصرش است.

فعالیت سیاسی در مقابله با مخالفین ائمه علیهم السلام فضایی تاریک و خفقان آلودی در جامعه آن روز به وسیله خلفای بنی عباس بر علیه پیروان مکتب امامت به وجود آمده بود و هر نوع موضع گیری علیه حکومت از جانب طرفداران ولایت با شدیدترین برخورد ممکن روبرو می شد.

در چنین شرایطی، شکوفایی شخصیت های شیعی، همچون محمد بن خالد دچار مشکل می شد.

ولی دانشمندان شیعه در طول تاریخ به اثبات رسانده اند که برای انجام

رسالت خویش ذره ای بیم و وحشت از قدرتها و دستگاههای ستم به دل راه ندادند، محمد بن خالد برقی نیز به یقین در عرصه دفاع از حریم مکتب شیعه و پاسداری از آن همواره بعنوان سربازی لایق مطرح بود.

محمد بن خالد بر کرسی علم و دانش

محمد بن خالد از پیشگامان عرصه دانش و معرفت در عصر خود بوده، او در زمینه های رایج آن زمان (تفسیر علوم قرآن، تاریخ، روایت، ادبیات عرب، آشنائی با علوم عرب و علم رجال) صاحب نظر و صاحب تألیفات بود.

مقام والای علمی محمد بن خالد برقی بر هیچ یک از دانشمندان علم رجال پوشیده نبود و آنان هر اه به نام این عالم برجسته شیعی می رسیدند از او به بزرگی نام برده، به تعریف از مقام علمی اش می پرداختند. وی را چنین معرفی می کند: «محمد بن خالد برقی فقیه، ادیب و آشنا به علوم عربی و اخبار بود و کتبی دارد»^(۹) «...شیخ طوسی»^(۱۰)، و ابن ندیم^(۱۱) نیز در فهرست شان به نوعی به معرفی شخصیت علمی و تألیفات محمد بن خالد پرداخته اند، دانشمند معاصر، مرحوم سید حسن (متوفی ۱۳۵۴ هـ) صاحب تأسیس الشیعه نیز، به معرفی شخصیت علمی او می پردازد و محمد ابن خالد برقی را از پیشگامان شیعه در عرصه علم و رجال و روایت، تاریخ و سیره و... می شمارد همچنین در بخش مشاهیر شیعه در علوم قرآن و تفسیر تأویل نیز از او نام می برد.^(۱۲)

محمد بن خالد به اعتراف بسیاری از شخصیت نگاران شیعی و غیر شیعه از جمله شخصیت های شیعی است که بر کرسی علم و دانش تکیه زد و در این راستا دارای درجات بالایی از علوم و معارف بود.

یکی از عواملی که نشانگر شخصیت والای علمی فرد است، تصنیفات و تألیفات او است. محمد بن خالد برقی به اقرار بسیاری از علماء رجال نوشته های فراوان داشت، به طوری که مرحوم نجاشی، شیخ طوسی، ابن ندیم و دیگران هر یک به نوعی به معرفی کتاب های وی پرداخته اند. در این میان ابن ندیم به بیشترین مقدار کتاب های محمد بن خالد (۴۶ عنوان) اشاره کرده است. این کتاب ها عبارتند از^(۱۳):

العویص، البقرة، المحاسن، الرجال، المحبوبات، المکروهات، طبقات الرجال، فضائل الأعمال، التحذیر، اخض الأعمال، التخوف، الترهیب، الحبة الصنوة، (علل) الأحادیث، معای الاحادیث و التحریف، الفروق، الاحتجاج، اللطائف، المصالح، تفسیر (تعبیر) الرؤیا، صوم الايام، السماء، الأرضین، البلدان، ذکر الکعبه، الأشکال، القرائن، البزائر، الرياضه، الأوائل، التاريخ، الأسباب، المأثر، الأصفیه، الأفانین، الروایة.

معرفی کتاب النوادر

از تألیفات محمد بن خالد تنها دو کتاب «المحاسن» و «الرجال» موجود است که آن دو هم به فرزندش (احمد بن محمد بن خالد) نسبت داده شده است از بقیه آثار وی هیچ اثری در دست نیست.

صفحه ۱۸۹

شاگردان

محمد بن خالد در حوزه درسی و تعلیمی خود به تربیت شاگردانی کار آمد همت گمارد و موفقیت های فراوان نیز کسب کرد.

شرح حال چند تن از شاگردان محمد بن خالد:

۱- احمد بن محمد بن خالد برقی^(۱۴)

ابو جعفر احمد برقي، فرزند محمد بن خالد، در محضر پدر و استادش به کسب دانش و معرفت پرداخت. او در مکتب پدر حداکثر تلاش را براي فراگيري معارف به کار گرفت و سرانجام در شمار بزرگان و راويان عصر خویش جاي گرفت.

احمد شاگردان، کتاب ها و آثار ارزشمندی از خود بر جاي گذاشت و علماء و دانشمندان شیعه از او به عنوان راوي موثق و عالم جلیل القدر نام برده اند. علاوه بر شخصیت علمی در سلسله اسناد روایات فراواني قرار گرفت که شمار آنها به چند هزار حدیث می رسد.

نجاشي او را فردي مطمئن و موثق دانسته، به نوشته هایش (۹۰ عنوان) اشاره کرده است،^(۱۵) و شیخ طوسي او را؛^{۱۵} در شمار اصحاب امام جواد و حضرت هادي علیه السلام آورده است^(۱۶)

۲- حسین بن سعید اهوازي

از اهالي کوفه بود که به همراه برادرش «حسن بن سعید» به اهواز و آن گاه به قم حرکت کرد و تا آخر عمر در آنجا به زندگی پرداخت.^(۱۷)

صفحه ۱۹۰

حسین بن سعید تألیفات فراواني در عرصه علوم و معارف اسلامی از خود به جاي گذاشت. از مهمترین آنها می توان به احادیث و روایاتی که وي در سلسله اسناد آن ها قرار گرفته، و تعدادش نیز بسیار است، اشاره کرد.

شیخ طوسي^(۱۸) و بسیاری از علماء رجال او را از اصحاب سه امام معصوم (امام رضا و امام جواد و حضرت هادي علیه السلام) دانسته اند.

روایات و احادیث محمد بن خالد برقي

آیه‌الله خویی در «معجم الرجال» خود صفحات زیادی از کتابش را به شرح احوالات او اختصاص داده، به تعداد روایات او در میان کتب روایی شیعه اشاره می‌کنم و می‌نویسد: «عنوان محمد بن خالد در سند بسیاری از احادیث و روایات، بالغ بر ۴۰۳ مورد، واقع شده است...^(۱۹) روایات فراوانی تحت عنوان، ابی عبدالله و ابی عبدالله برقی نیز از او نقل شده است.»^(۲۰)

از این نظر که نام محمد بن خالد در اسناد بسیاری از اخبار ثبت شده است، جایگاه ویژه‌ای در میان علماء و فقها شیعه دارد.

موضوعات روایات

کثرت موضوعاتی که در روایت وی مشاهده می‌شود، به حدی است که عملاً بررسی یکایک آنها را دشوار می‌نماید، اما به طور کلی موضوعاتی را که وی در اخبار خود به آنها اشاره کرده، می‌توان به پنج بخش تقسیم نمود:

- افقه

سهم بسیار زیادی از روایات وی به این بخش اختصاص یافته است، به نمونه‌ای روایات فقهی ذیلاً اشاره می‌کنیم:

صفحه ۱۹۱

«احمد بن محمد بن عیسی عن ابی عبدالله برقی قال: کتبت الی ابی جعفر علیه السلام جعلت فداک أیجوز الصلاة خلف من وقف علی ابيک و جدک صلوٰة الله علیهما؟ فأجاب: لا تصل ورائه .»

نامه‌ای به امام جواد علیه السلام نوشتم و درباره نماز جماعت به امامت کسی که فقط امامت پدر و جد شما را قبول دارد (و نسبت به امامت شما توقف نموده است) سؤال کردم: که امام علیه السلام در جواب نوشتند: پشت سر این شخص شما نخوانید.^(۲۱)

سرورا أنه عليه أدخله فقط بل والله علينا، بل والله علي رسول اله (صلي الله عليه وآله و سلم).

امام عليه السلام فرمود: هر گاه فردي از شما مؤمني را شاد کرد، گمان نکنند فقط همان شخص را مسرور کرده است؛ بلکه به خدا سوگند ما را، بلکه رسول خدا را شاد کرده است. (۲۳)

گرایش روایی

محمد بن خالد بیشتر به نقل اخبار مربوط به فروع، مسائل فقهی (باب طهارت، صلو، صوم، زکوة، خمس، حج، جهاد، نکاح، حدود، دیات، بیع و دیگر بابها) پرداخته است. (۲۴)

همچنین محمد بن خالد در عصر خود فقیه لذایق و موفقی بود. بنابراین کثرت روایات فقهی وی (نسبت به سایر موضوعات) با مقام فقهی وی نیز مربوط می شود. البته با توجه به این که وی در آن روزگار از فقهاء شهم قم به شمار می آمد،

صفحه ۱۹۳

میزان تأثیر گذاری اش در عرصه فقه روشن می شود و این مطلب را در نامه ای که وی خطاب به امام جواد علیه السلام نوشته، تقویت می کند.

در نامه دوم منی خـوانیم:
محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن محمد بن خالد البرقي قال: كتبت الي ابي جعفر الثاني عليه السلام هل يجوز أن يخرج عما يجب في الحرث من الحنطة و الشعير و ما يجب علي الذهب دراهم بقيمة ما يسوي ام لا يجوز الا ان يخرج من كل شيئي ما فيه؟ فاجاب عليه السلام: أيما تيسر يخرج. محمد بن خالد در نامه ای به امام جواد علیه السلام در باب زکوة

گندم، جو و طلا سؤال کرد: آیا به جای گندم، جو و طلا می توان قیمت آن را به عنوان زکوة پرداخت کرد یا نه؟

امام علیه السلام در جواب فرمود: هر چه میسر شد (و او قیمت آنها) باید بعنوان زکوة داده شود^(۲۵)

اساتید و مشایخ

برخی از علماء رجال محمد بن خالد را از یاران سه تن از امامان به شما آورده اند. با توجه به این نکته می توان گفت بزرگترین اساتیدش خاندان امامت بودند. محمد بن خالد از محضر اساتید بزرگ دیگری نیز استفاده برد که آنها نیز به نوبه توفیق شاگردی در مکتب امامت را یافتند.

از میان علماء علم رجال که به ذکر نام اساتید و مشایخ محمد بن خالد پرداخته اند می توان به مرحوم کشی^(۲۶)، محقق اردبیلی^(۲۷) و مرحوم خوئی^(۲۸) اشاره کرد. این بزرگان نام کسانی را که محمد بن خالد از آنها نقل روایت کرده، به عنوان استاد و مشیخه وی ذکر کرده اند. این مشایخ و اساتید

صفحه ۱۹۴

عبارتند از: ابن ابی عمیر، ابی طالب قمی، احمد بن نصر جعفی، محمد بن سنان، علی بن مهزیار و... که هر یک در عصر خود از نامداران فقهاء و راویان برجسته به شما می آمدند.

محمد بن خالد در نگاه دانشمندان

هر کس از دانشمندان علم رجال درباره محمد بن خالد سخن به میان آورده اند و به طور عموم در کتب رجالی از او نام برده اند.

دیدگاه این دانشمندان در مورد شخصیت محمد بن خالد برقی را می توان به سه بخش

تقسیم کرد: —————

الف: گروهی از بزرگان علم رجال «شیخ طوسی»^(۲۹)، علامه حلی^(۳۰)، علامه مامقانی^(۳۱) او را شخصیتی مطمئن معرفی کرده اند.

ب: برخی نیز «کشی»^(۳۲)، محقق اردبیلی^(۳۳) و مرحوم خوئی^(۳۴) صرفاً به معرفی و ذکر اساتید و مشایخ، شاگردان و شرح حال مختصری از وی پرداخته، و نسبت به وثاقت و یا تضعیف او اظهار نظری کرده اند.

ج: بعضی دیگر از رجال نویسان (مرحوم نجاشی^(۳۵) و ابن غضائری^(۳۶))، با تضعیف قلمداد کردند محمد بن خالد به اظهار نظر پرداخته اند. که البته این نظریه توسط بسیاری از علماء رجال پاسخ داده شده است. می نویسد «تضعیف این دو مربوط به حدیث محمد بن خالد است نه خود او، بنابراین شخصیت این راوی مورد وثوق است.^(۳۷)

صفحه ۱۹۵

رحیل دیدار

آن گاه که صدای رحیل دیدار معبود گوش جان محمد بن خالد را نواخت و با دستانی پر از علم و عمل در قرن سوم هجری به دیگر سراقی باقی شتافت. یادش گرامی و نامش بلند. پی نوشت ها :

-
- | | | |
|---|----------------------------|---|
| ۱ | همان | - |
| ۲ | رجال نجاشی، ص ۲۵۷ | - |
| ۳ | همان، ص ۷۶ | - |
| ۴ | رجال شیخ طوسی، ص ۳۸۶ و ۴۰۴ | - |
| ۵ | رجال علامه، ص ۱۳۹ | - |
| ۶ | معالم العلم، ص ۱۰۵ | - |

- ۷ فهرست ابن ندیم ص ۲۷۶، فن ۵، مقاله ۶ .
- ۸ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۷۴، تا ۷۷ .
- ۹ رجال نجاشي ص ۲۵۷ .
- ۱۰ فهرست شيخ طوسي ص ۱۷۵ .
- ۱۱ فهرست ابن ندیم ص ۲۷۶، فن ۵، مقاله ۶ .
- ۱۲ تأسيس الشيعه ص ۲۵۹، ۳۳۰ .
- ۱۳ فهرست ابن ندیم ص ۲۷۶، فن ۵، مقاله ۶ .
- ۱۴ شرح حال مفصل این راوي بزرگ در مجموعه ستارگان حرم جلد اول آمده است .
- ۱۵ رجال نجاشي ص ۷۶ .
- ۱۶ رجال شيخ طوسي ص ۳۹۸ و ۴۱۰ .
- ۱۷ فهرست شيخ طوسي ص ۵۸ .
- ۱۸ رجال شيخ طوسي ص ۳۷۲، ۳۹۹، ۴۱۲ .
- ۱۹ همان ج ۱۶، ص ۶۲ .
- ۲۰ همان ج ۱۶، ص ۷۷ .
- ۲۱ تهذيب الاحكام ج ۳، ح ۹۸، ص ۲۸ .
- ۲۲ كافي ج ۱، ص ۱۹۲، روايت ۳ .
- ۲۳ كافي ج ۲، ك ۱، ب ۸۲، ح ۶ .
- ۲۴ جامع الرواة ج ۲، ص ۱۰۸ و ۱۰۹ .
- ۲۵ كافي ج ۳، ص ۵۵۹ روايت ۱ .
- ۲۶ رجال كششي «متن ص ۵۴۶» «فهرست ص ۲۴۹» .
- ۲۷ جامع الرواة ج ۲، ص ۱۰۸ و ۱۰۹ چ .
- ۲۸ معجم رجال الحديث ج ۱۶، ص ۷۲ و ۷۳ .

- ٢٩رجال شيخ طوسي ص ٣٨٦ و ٤٠٤ .
- ٣٠رجال علامه حلي ص ١٣٩ .
- ٣١تنقيح المقال ج ٢ ص ١١٣ ، ١١٤ .
- ٣٢رجال كشي «متن ص ٥٤٦» «فهرست ص ٢٤٩» .
- ٣٣جامع الرواة ج ٢، ص ١٠٨ و ١٠٩ .
- ٣٤رجال نجاشي ص ٢٥٧ .
- ٣٥رجال نجاشي ص ٢٥٧ .
- ٣٦رجال ابن غضائري ج ٥، ص ٢٠٧ .
- ٣٧تنقيح المقال ج ١١٣ و ١١٤ .

محمد علي مدرس تبريزي

(صاحب ريحانة الادب)

اسماعيل محمد کرمانشاهي

حيات طيبه

محمد علي مدرس در سال ۱۲۰۵ ق^(۱) در تبريز، شهر دانشمندان با فضيلت پا به عرصه وجود نهاد.

مدرس تبريزي که به مدرس خياباني^(۲) نيز مشهور بود. مقدمات علوم عربي را در حوزه هاي ديني آن روز فرا گرفت آن گه به تحصيل کتب معمولي فقهي، اصولي و رياضيات در مدرسه طالبيه تبريز روي آورد. وي علوم معقول را در محضر آية الله ميرزا علي لنکراني، خارج فقه و اصول را در مکتب آية الله حاج ميرزا ابوالحسين مجتهد (مشهور به انگجي) آموخت همنين در حوزه درسي آية الله ميرزا صادق مجتهد تبريزي (قدس سره) حاضر شد.^(۳)

حوزه درسي اين دو عالم بزرگوار که از مراجع ديني بودند، مدرس تبريزي را به مراتب عالي فقهي و اصولي رهنمون شد و کمال نبوغ اجتهادي را در او به ظهور رساند و به اين ترتيب مراجع بزرگ آن زمان حضرات آيات سد محمد حجت کوه کمره اي، سيد صدر الدين صدر، ميرزا محمد علي شاه آبادي تهراني، محمد حسين کاشف الغطاء، ميرزا عبدالحسين رشتي به وي اجازه اجتهاد دادند.

علاوه بر آن محمد علي مدرّس تبريزي از محضر آيات عظام محمد علي هبة الدين شهرستاني، آقابزرگ تهراني و سد محسن حکيم، محمد حسين کاشف الغطاء و ميرزا عبدالحسين رشتي اجازه روايت گرفت.

علاقه به تحصیل و تألیف

مرحوم مدرس تبریزی در زندگینامه اش از شوق به تحصیل دانش و تألیف این گونه سخن می گوید: به اقتضای شوق فطری که در میراث اثر علمی اشم باب مرآوده را بر روی خودم مسدود و با فضل غیر متناهی به تألیف آغار کردم.

و چه زیبا توانست این علاقه و شوق فطری را به مقصد برساند و تألیفات ارزنده ای به جامعه علمی تحویل دهد. توفیق حضرت حق، علاقه، پشتکار^(۴) و امانت در نوشتار موجب شد که امروزه آثار گرانبگزی از وی به یادگار بماند و نامش جاودانه شود. آثاری که صدقه جاریه برای او و برای اهل تحقیق منبع شایسته ای شد، و چه زیباست توصیه او به فرزندش که خود مصداق بارز آن شد.

تا چشم به هم بر زنی از ما اثری نیست^(۵) بگذار به گیتی اثری ز آنکه در آفاق

نماز شب

در حالاتش چنین ذکر کرده اند

«شبه مرتباً، وقت سحر و قبل از طلوع صبح، بیدار می شد، پس از ادای نوافل و فریضه صبح با پشتکار کم نظیری به مطالعه می پرداخت و برای این که از تألیف و مطالعه باز نماند، باب معاشرت و رفت و آمد با دیگران را حتی الامکان بر روی خود بسته بود.»^(۶)

و از خصوصیات ویژه ای، مناعت طبع، عزت نفس، سربلندی، و سرافرازی را نام برده اند.

در بیان احوال او نوشته اند: «دوازده سال آخر عمر را در حجره ای در مدرسه سپهسالار تهران (مدرسه عالی شهید مطهری (قدس سره)) انزوا اختیار نمود و باب معاشرت را به روی

خود بست و با فراغت بیشتر و با شوقی روزافزون به کار خود ادامه داد. ^(۷) و سرانجام روح بلند این عالم جلیل القدر پس از يك عمر تحقیق و تألیف در ۱۶ فروردین سال ۱۳۳۳ ش (مطابق، اول شعبان امانت) به خاک سپرده شد. ^(۸)

شعر طلوع و غروب

فرزندش (محمد مدرس) سال ولایت و وفات پدر را ضمن شعری چنین ثبت نمود.

به گوشم چنین گفت هاتف نهانی از این حسرت افسرده بودم که ناگه

«که ماندست آثار وی جاودانی» ^(۱۱) «^(۱۰) مدرس نمرده است هرگز» ^(۹) نمیرد

عطر سیب

آية الله العظمیٰ مرعشی نجفی (قدس سره) می فرمود:

و پس از فوت این عالم ربانی در تبریز، بر حسب وصیت آن مرحوم،

صفحه ۲۰۲

جنازه اش را به قم منتقل نمودند، این جانب متصدی نماز و دیگر احکام شرعیه اش شدم.

«هنگامی که به قبر می سپردم، گفتنش کنار رفت. عطر وجودش که عطر خاص سیب را می داد، مرا مدهوش نمود، آن چنان بوی خوش سیبی سراسر وجود او را احاطه کرده بود که غرق در عالم عطریات بود، چنین منظره و چنین عطری را در عمرم جای دیگر مشاهده و احساس نکرده بودم.» ^(۱۲)

مدفن این عالم جلیل القدر در قبرستان شیخان قم واقع است.

فرزندان

۱- محمد مدرس

۲- محمد علي مدرس، فارغ التحصيل از دانشگاه تهران در رشته حقوق و نویسنده کتابهاي (تاريخ احوال اجتماعي عرب قبل از اسلام، تاريخ تشکيلات فضايي ايران، تاريخ ژاين، تعاليم اسلام و حق و قانون^(۱۳)) است. مرحوم مدرس تبريزي از عالمانی است که آشنایان با احوال و آثارش به بزرگی از وی نام برده اند او شخصیت کم نظیری است که سهم بزرگی در احیای نام بزرگان و عالمان داشته و در فرهنگ نگاری فارسی هم سهم مهمی را به خود اختصاص داد و اگر او را سرآمد «فرهنگ نگاران فارسی زبان» بشماریم، ادعای گزافی نکرده ایم.

ای کاش کتاب «قاموس» او هم به زیور چاپ آراسته می شد تا سهم او در

صفحه ۲۰۳

خدمت به فرهنگ و زبان فارسی بیشتر روشن می شد، به نظر می رسد قضاوتها و اظهار نظرهایی که درباره این مرد بزرگ انجام گرفته گویای تمام ویژگیهای این شخصیت کم نظیر نیست. زیرا تعدادی از آثار مهم وی هنوز چاپ نشده به همین خاطر زحمات و تلاشش تا کنون ناشناخته مانده است. در هر حال دیدگاه بزرگان درباره وی گویای عظمت این شخصیت جلیل القدر است.

آیت الله العظمی سید محمد حجت با این القاب (بحاث خبیر و نقاد بصیر، ثقة الاسلام و سند الاعلام^(۱۴)) او را وصف کرده است.

سید محمد علی روضاتی می گوید: «... مدرس تبریزی را فوق آنچه تصور کرده بودم، ملکات و صفات عالی و نیکوی آن مرد بزرگ به قدری مرا جذب نموده بود که غالب ایام توقفم در تهران به خدمتش می رسیدم حقا بزرگ مردی فوق العاده بود»^(۱۵)...

در لغت نامه دهخدا با عنوان دانشمند و مؤلف متأخر از وی یاد شده است^(۱۶).

مؤلف علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی می نویسد:
«مدرس تبریزی... یکی از علماء و دانشمندان بزرگ آذربایجان در قرن اخیر و فقیهی محقق،
حکیمی متکلم محدثی عالم به علم رجال و ادبیات و لغت عرب و عجم بود».^(۱۷)
صاحب کتاب علمای معاصرین می نویسد:
«تبحر بر ملل عالم میرهن... در علم معقول منقول و ادب بهره کامل و نصیب وافر دارد، و
امروز در حل مشکلات و معضلات هیئت و حساب از عظمای علمای عصر معدود

صفحه ۲۰۴

می گردد.

در کتاب فرهنگ بزرگان اسلام و ایران به «فاضل و عالم در رجال» متصف شده است^(۱۸)
و آقا بزرگ تهرانی در نقباء البشر او را «عالمی متتبع و مؤلفی معروف»^(۱۹) می داند.
مدرس تبریزی و ریحانة الادب

«ریحانة الادب» محصول نه سال تلاش مرحوم مدرس تبریزی در سالیان آخر عمرش
است، این کتاب ارزشمند که در ردیف کتب معتبر و منابع شرح حال نویسی به زبان فارسی
است و شرح حال ۴۶۲۴ نفر را در خود جای داده است، در زمره منابع مهم شرح حال
نویسی به زبان فارسی است و از جمله منابع مهم لغت نامه دهخدا می باشد.

آية الله العظمی سید محمد حجت (کوه کمری) در تقریپی بر این کتاب می نویسد :
«مجموعه نفیسی که در معروفین و کنی و القاب ملحوظ گردید و اثر قیم و تألیف مفید و
جامع متتبع شهیر و بحاث خبیر و نقاد بصیر ثقة الاسلام و سند الاعلام حضرت آقای امیرزا
محمد علی خیابانی تبریزی است. البته بر اهل اطلاع و بصیرت پوشده نیست که احیای تام
و آثار علمای اعلام لازم و این گونه تألیفات از طرفی آثار علمای ابرار را احیاء نموده و از

طرف دیگر جامعه اسلامی را بسیار فایده می بخشید و راه را بر طالبان تراجم سهل و آسان می گرداند»...

صاحب کتاب مفاخر آذربایجان

«ریحانة الادب را عصای دست خود در تألیف «طبقات مفسران شیعه» و آثار رجالی و تراجمی خود از جمله «مفاخر آذربایجان می داند. (۲۰)»

صفحه ۲۰۵

و سرانجام محمد علی روضاتی می نویسد:
به تهران رفتم و از فرط ارادت غائبانه که به مؤلف «ریحانة الادب» پیدا کرده بودم، سراغ او رفته و در یکی از حجره های مدرسه سپهسالار به خدمتش رسیده و مدرس تبریزی را فوق آنچه تصور کرده بودم، یافتم. (۲۱)

مدرس در آینه آثار

مرحوم مدرس تبریزی از پیشروان فرهنگ نویسی در زبان فارسی به شمار می رود و آثارش منبع بسیاری از فرهنگ نویسان بوده است. به این نکته نیز باید توجه کرد که این فرهنگ نگار بزرگ از میان عالمان حوزه علمیه برخاسته است، با این وصف سهم حوزه علمیه در نگارش فرهنگ های امروزی در صدر جدول مراکز علمی، پژوهشی قرار دارد و به جاس فرهنگ نگاری فارسی را نشأت گرفته از افکار عالمان دینی از جمله مرحوم مدرس تبریزی دانست.

مجموعه آثار چاپی و خطی. (۲۲)

الف: آثار چاپ شده

- اريحانة الادب في تراجم المعروفين بالكنية اوللقب^(۲۳) شرح حال (۴۶۲۴) نفر، تأليف اين اثر ارزشمند از سال ۱۳۶۴ ه ق (مطابق؛ ۱۳۲۴ ه ق) آغاز و تا هنگام وفات مؤلف ادامه داشت .

- ۲الدراثمين او ديوان المعصومين: شامل اشعار و كلمات منظومه منسوبه به چهارده معصوم عليهم السلام جلد دوم اين اثر در تبريز به چاپ رسیده است .

- ۳فرهنگ بهارستان: اين كتاب با اسلوب «سر الادب ثعالبی» به نگارش

صفحه ۲۰۶

درآمده، موضوع آن مترادفات زبان فارسي است و در شعبان ۱۳۴۸ ه ق در تبريز چاپ شده است . (۲۴)

- ۴فرهنگ نوبهار؛ موضوع آن معاني لغت فارسي به فارسي است و در سال ۱۳۴۸ ه ق در تبريز در دو جلد چاپ (سربي) شد اين كتاب شامل بيش از نوزده هزار لغت است .

- ۵كفاية المحصلين في تبصرة احكام الدين: اين كتاب شرح مزجي تبصره علامه حلي به عربي و در دو جلد است جلد اول در تبريز و به صورت سنگي چاپ و منتشر شده است .

- ۶نثر اللثالي در شرح نظم اللثالي: موضوع آن تجويد و در شرح نظم اللثالي معروف مير ابو القاسم (قاري عهد شاه عباس ثاني صفوي) است. تأليف اين كتاب فارس در سال ۱۲۶۳ هجري به پايان رسيد و در ذي حجه ۱۳۷۸ با خط ميرزا طاهر خوشنويس در ۱۲۹ صفحه چاپ شد .

- ۷التحفه المهديه

این کتاب از کتاب الدراک بین استخراج شده و اشعار ائمه (از امام چهارم به بعد) را شامل می شود. (۲۵)

ب) آثار چاپ نشده

۸- حیاض الزلائل فی ریاض المسائل

اولین تألیف مرحم مدرس تبریزی است که در سن ۲۸ سالگی آن مرحوم در رجب سال ۱۳۲۴ ه ق تألیف آن به زبان عربی به پایان رسید، این کتاب شرح کتاب طهارت کتاب ریاض، (معروف به شرح کبیر سید علی طباطبائی)

صفحه ۲۰۷

است .

۹- غایة المنی فی تحقیق الکنی

تألیف کتاب در شعبان ۱۳۳۱ ه ق به پایان رسید این کتاب که به زبان عربی نگارش یافته، به بیان کنیه های مستعمله در غیر انسان اختصاص یافته است .

۱۰- فرهنگ نگارستان. (۲۶)

تألیف کتاب در محرم ۱۳۵۹ ه ق به پایان رسید. این اثر ارزشمند در برگیرنده ۵۵/۰۰۰ لغت مفرد و مرکب است و در ۵ جلد و (دستویس) نگارش یافته است .

۱۱- قاموس المعارف

تألیف کتاب قاموس در ربیع الثانی ۱۳۴۵ ه ق خاتمه یافته است، این کتاب به زبان فارسی و حاوی ۰۰۰/۴۵ لغت عصری معمولی و شاهکار مؤلفات آن مرحم است، که علاوه بر استیفای لغات فارسی، اکثر لغات عربی و پاره ای از لغات بیگانه را هم که در زبان فارسی رایج است، شامل می شود. همچنین شرح اجمالی عقائد و مذاهب مختلفه و اصطلاحات دینی و فنون نجومی، ریاضی، عروضی، تاریخی، غیر آنها را در بر دارد .

رساله مستقلي در دستور زبان فارسي در اول كتاب قامو نگارش يافته است كه مي تواند
به عنوان كتابي مستقل مورد استفاده قرار گيرد .
- ۱۲ امثال و حكم تركي آذربايجاني .

صفحه ۲۰۸

«بي نوشتها»

- ۱ مستدرک اعيان الشيعه، حسن الامين، دارالتعارف للمطبوعات، ج ۱، ۱۸۸ .
- ۲ فرهنگ فارس معين، ج ۶، ص ۱۹۳۷ .
- ۳ رك: ريحانة الادب، ج ۸، ص ۱۶ .
- ۴ نقباء البشر في القرن الرابع عشر، الشيخ آغا بزرگ الطهراني، مشهد، دالمرتضي، ۱۴۰۴
ق، ج ۴، ص ۱۴۵۷ .
- ۵ ريحانة الادب، ج ۸، ص ۶ .
- ۶ همسان، ص ۱۲ .
- ۷ همسان، ج ۱، ص ۱۳ .
- ۸ همسان، ج ۸، ص ۱۵ .
- (۱۲۳۶ - ۹ ولادت)، اين تاريخ با حساب ابجد به دست مي آيد .
- (۱۳۷۳ - ۱۰ وفات) با جمع حروف ابجد، عدد مذكور حاصل مي شود .
- ۱۱ ريحانة الادب ج ۸، ص ۵ .
- ۱۲ مفاخر آذربايجان، دكتر عقيي، بخشايشي، تبريز، نشر آذربايجان، ج ۱، ص ۳۲۶ .
- ۱۳ ريحانة الادب، ج ۵، ص ۲۷۱، و فرهنگ بزرگان اسلام و ايران، ص ۳۸۸ .
- ۱۴ همسان، ج ۸، ص ۱۷ .
- ۱۵ همسان، ص ۱۱ .

- ۱۶ الغت نامه دهخدا، چاپ جدید، ج ۱۲، ص ۱۸۱۳۶ .
- ۱۷ علمای بزرگ، شیعه از کلینی تا خمینی، م، جقادیانی، ص ۳۸۸ و ۳۸۹ .
- ۱۸ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۵۵۷ .
- ۱۹ نقب‌ال‌بشر فی القرن الرابع عشر، ج ۴، ص ۱۴۵۷ .
- ۲۰ مف‌آخر آذربایجان، ج ۱، ص ۳۲۵ .
- ۲۱ ریحان‌الادب، ج ۸، ص ۱۱ .
- ۲۲ ریحان‌الادب ج ۱، ص ۱۷، ص ۶ تا ۸ - فرهنگ بزرگان اسلام و ایران ص ۵۵۸ و فرهنگ تراجم نگاران، این کتاب به صورت مخطوط و تألیف محقق سخت کوش آقای ناصر باقری بیدهن‌دی که اینجانب از آن بهره مند بوده‌ام .
- ۲۳ الذریعه الی تصانیف الشیعه، العلامة الشیخ آقا بزرگ الطهرانی، ج ۱۱، ص ۳۴۲ .
- ۲۴ هم‌ان، ج ۱۶، ص ۱۹۳ .
- ۲۵ هم‌ان، ج ۳، ص ۴۷۴ .
- ۲۶ همان، ج ۱۶، ص ۲۱۹ .

مقدمه

شهرهای کوچک و بزرگ ایران اسلامی همواره در گستره تاریخ خود، نظاره گر درخشش اختران تابناک آسمان علم و ایمان بوده است. یکی از این اختران که در گوشه ای از کشور اسلامیمان دامنه فیضش بر سر همگان سایه گستر بود، مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد جواد صافی گلپایگانی (قدس سره) است، که بیش از ۶۰ سال در گلپایگان، مردم را هادی شد. در این مجاه کوتاه نگاهی کوتاه به زندگی سراسر افتخار او می افکنیم.

ولادت

آیت الله صافی در روز ۲۷ شعبان المعظم ۱۲۸۷^(۱) یا ۱۲۸۸ ه' ق^(۲)، در بیت علم و تقوا و فضیلت در گلپایگان دیده به جهان گشود. پدر وی مرحوم آخوند ملا عباس از بزرگان و شخصیت‌های مورد احترام مردم - که علاوه بر دانش پژوهی، به تجارت می پرداخت - مادرش زهرا خانم فرزند ملا محمد باقر ادیب گلپایگانی و دایی اش ملا محمد رضا قطب - عالم به علوم غریبه - بودند

تحصیلات

وی به اقتضای شوق فطری و اقتضای سیره خانوادگی، از همان آغاز نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد. آن فقیه بزرگوار مقدمات و سطوح را نزد پدرش و دیگر دانشوران گلپایگان - که در آن زمان مجمع علما و دانشمندان بود - فرا گرفت و سپس در سال ۱۳۰۵ ه' ق^(۳) به اصفهان کوچید،

و تا سال ۱۳۱۶ هـ ق نزد استادان بزرگ وقت علوم متداول را فرا گرفت. وی آنی از کوششهای علمی باز نایستاد تا پس از نگارش رساله هایی در مسائل فقهی، در سال ۱۳۱۰ - ۱۳۱۱ هـ ق به اخذ اجازات متعدد اجتهادی نایل آمد و مورد توجه وافر استادان خود قرار گرفت.

استادان

وی در حوزه علمیه اصفهان - که در آن زمان از پر رونق ترین و با اهمیت ترین حوزه های علمی شیعه به شمار می رفت - در محضر استادان ذیل همراه با بزرگانی همانند: آیت الله العظمی بروجردی، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، علامه حاج آقا رحیم ارباب و آیت الله آقا سید حسن چهارسوقی شرکت کرد.

- آیت الله علامه سید محمد باقر درچه ای (م ۱۳۴۲ هـ ق)، صاحب حاشیه بر

مکاسب و رسائل

- ۲ حکیم میرزا جهانگیرخان قشقایی (م ۱۳۲۶ هـ ق)

- ۳ آیت الله حاج آقا نور الله اصفهانی (۱۲۷۸ - ۱۳۴۶ هـ ق) صاحب کتاب مقیم و

مسافر و دیوان اشعار

- ۴ آیت الله علامه آقا نجفی اصفهانی (۱۲۶۲ - ۱۳۳۲ هـ ق) صاحب تأویل الآیات

الباهره و بحر المعارف

- ۵ علامه شیخ محمد علی ثقة الاسلام (۱۲۷۱ - ۱۳۱۸ هـ ق) صاحب کتاب لسان

الصدق و معاصی کبیره

- ۶ میرزا محمد علی تویسرکانی اصفهانی (م بعد ۱۳۱۱ هـ ق)

- ۷ علامه میرزا محمد علی درب امامی

- ۸ آیت الله آقا میرزا محمد تقی مدرس (۱۲۷۳ - ۱۳۳۳ ه' ق) صاحب الرسائل
التقویة

- ۹ آقا میرزا هاشم چهارسوقی اصفهانی (۱۲۳۵ - ۱۳۱۸ ه' ق) صاحب مبانی الاصول و
اصول آل الرسول

- ۱۰ آیت الله سید محمد باقر موسوی خوانساری (۱۲۲۶ - ۱۳۱۳ ه' ق) صاحب
روضات الجنات

- ۱۱ علامه آخوند ملا محمد کاشانی (۱۲۴۹ - ۱۳۳۳ ه' ق)

- ۱۲ علامه آخوند ملا محمد باقر فشارکی (م ۱۳۱۴ ه' ق) صاحب عنوان الکلام

تدریس

آن جناب تا زمانی که در اصفهان - در مدرسه نیم آورد - توقف داشت، فقه و اصول درس
می داد. مجلس درس او زبانزد فضلا و طلاب بود، و بسیاری از افراد خوش استعداد در آن
شرکت می جستند که آیت الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی از جمله آنان بود. وی در سال
۱۳۱۶ ه' ق به گلپایگان بازگشت و به تدریس، تألیف، امامت جماعت و راهنمایی مردمان
مشغول شد.

مهاجرت به تهران

در حدود سال ۱۳۲۵ ه' ق آیت الله صافی رهسپار تهران شد و مورد استقبال شایسته
حضرات آیات: شیخ فضل الله نوری، سید محمد امام جمعه و حاج میرزا ابوالقاسم صاحب
حاشیه بر مکاسب قرار گرفت. وی به دلیل داشتن روحیه اسلامخواهی و دین طلبی در آن ایام
که مصادف با غوغای مشروطیت

بود، با آیت الله شهید حاج شیخ فضل الله نوری همصدا شد و در تمام مراحل با شیخ فضل الله همراهی کرد، و حتی در روزهای سخت و دهشتناک محاصره خانه شیخ به وسیله مجاهدان و فاتحان، دست از یاری و همراهی شیخ برنداشت و تا واپسین روزهای زندگی شیخ شهید در کنار او بود ^(۴) آن عالم مجاهد پس از شهادت شیخ و تغییر اوضاع به نفع دشمنان دین، دیگر تاب دیدن آن وضعیت و تسلط پیرم خان ارمنی، سردار اسعد بختیاری و محمد ولی خان تنکابنی را بر اوضاع نیاورد، و از طریق قم و اصفهان به گلپایگان بازگشت.

بازگشت به گلپایگان

در سال ۱۳۲۷ هـ ق آن مرد بزرگ به زادگاه خویش بازگشت، و تا پایان زندگی در آنجا ماندگار شد. وی از همه مناصبی که در حوزه های علمیه در انتظارش بود صرف نظر کرد، اوقاتش را صرح ترویج دین، تدریس، تألیف، دادرسی مظلومان، مبارزه با ستمگران، تهذیب اخلاق و آگاه کردن جامعه کرد. از جمله اقدامات به یاد ماندنی آن عالم بزرگوار، مبارزه بی امان با انحرافات و بدعت های دینی مانند: مبارزه با بهائیت و تصوف، مخالفت با خانها و فتودالها، رویارویی با کشف حجاب و مفاسد دوران پهلوی و احیای شعائر دینی و بزرگداشت های مذهبی است که با تلاش و کوشش وی جشنهای نیمه شعبان، و موالد ائمه اطهار (ع) و عزاداری عاشورا و ایام فاطمیه در گلپایگان رواج و رونق یافت. اینک به نمونه ای از هر کدام اشارتی می رود. ^(۵)

مبارزه با خوانین

از جریانهای جالبی که برای ایشان در طول مبارزاتشان با مستکبران و ستمگران واقع شد، مبارزه با امیر مفخم بختیاری بود. هنگامی که امیر مفخم بختیاری نفوذ و قدرت زیادی

داشت، و بویژه شعاع نفوذش منطقه گلپایگان، خمین، و کمره را در بر گرفته و در این منطقه مطلق العنان شده بود، و دهات و قرای متعددی را با زور و اکراه تصاحب می کرد و قباله می نمود، و در موقعی که جرأت و گستاخی اش تا حدی رسیده بود که افرادش را مأمور می کرد قوام السلطنه را که وزیر داخله وقت بود، در هنگام رفتن یا بازگشت از وزارتخانه از درشکه پایین کشیدند و به منزل او که در خیابان حسن آباد بود بردند، و می خواست او را چوب بزنند، آیت الله صافی بر خلاف توقع او که انتظار سکوت ایشان را داشت، با او مخالفت و از گسترش نفوذ و مظالم او جلوگیری کرد و قلمرو مظالم او را تقریباً حدود کمره (خمین) محدود نمود. امیر مفخم وقتی با انواع وسایلی که در اختیار داشت، توانست ایشان را لاًقل به سکوت وادار کند، جدا در مقام تهدید و اذیت و توهین به ایشان بر آمد و شخصی را به نام شهاب لشکر با جمعی تفنگدار و مسلخ برای جلب ایشان به کمره و توهین حضوری فرستاد و به ظاهر نامه دعوتی هم به دستشان داده بود، متضمن اینکه چون حضور شما در کمره برای مذاکره در بعضی امور ضرورت دارد، تشریف بیاورید و شهاب لشکر هم با عده ای مأموریت دارند که در خدمت شما باشند .

وقتی این نامه و این جمعیت به گلپایگان رسید و به ایشان ابلاغ شد، تمام طبقات نگران شدند و با حال عدم سازش و تسلیمی که در آیت الله صافی دیده

صفحه ۲۱۶

بودند، خطر جانی را برای ایشان پیش بینی می کردند. مأموران دولت با اینکه در آن موقع به ظاهر خیلی بسط و ید قدرت داشتند، در خود جرأت مقاومت با شخصی که به عنوان امیر معروف بود نمی دیدند، لذا سران طبقات، بویژه علمای بزرگ که در آن عصر در گلپایگان کم نبودند، جلساتی تشکیل دادند و شهاب لشکر را تا دو سه روز یا بیشتر به عذرهایی قانع ساختند و بالاخره تصمیم گرفتند که دو نفر دیگر از علمای بزرگ نیز ایشان را در رفتن به کمره

و ملاقات «امیر» همراهی نمایند. اما در اثنايي که این جریان می رفت صورت عمل پیدا کند، شهاب لشکر که از تعلل و عدم انجام فرمان امیر سخت ناراحت شده بود و شاید برای اولین بار فرمان او را با این وضع رو برو می دید شخصا در منزل آیت الله صافی آمد و پیغام داد که جواب نامه امیر را بدهند. ایشان برای اینکه شخصا به او جواب نفی بدهد، با قرآن مجید استخاره کرد که این آیه آمد: «و کذلک جعلنا لکل نبي عدوا من المجرمین و کفیرک هادیا و نصیرا» وی فوراً و بدون درنگ شخصا به منزل آمد و به شهاب لشکر گفت: چه می خواهی؟ او گفت: جواب نامه را.

آیت الله صافی فرمود: امیر غلط کرد که نامه نوشت، و تو هم غلط کردی که نامه را آوردی.

سپس آن فقیه وارسته به داخل خانه برگشت. به لطف خدا شهاب لشکر چنان مرعوب شد که از همانجا رفت، و مثل اینکه مأموریتش را فراموش کرد. این واقعه بسیار عجیب بود، زیرا اگر شهاب لشکر با سوارهایش وارد منزل می شد و ایشان را دستگیر می نمود، هیچ کس از مقامات دولتی و منتفذان محلی جرأت و جسارت معارضه با او را نداشتند.

صفحه ۷۲۱

هوشیاری

امیر مفخم تا آخر عمر، از ایشان بیمناک بود و حتی در اواخر که آن قدرت قبلی را نداشت و یک خان و فنودال ساده بود وسایط متعدد بر می انگیخت که بلکه با ایشان دیدار کند و ایشان نپذیرفت.

از همان موقعی که رضا خان برای تسلط به ایران به عنوان جمهوری طرح رئیس جمهوری خود را می ریخت، در مقام برآمد از علمای بزرگ به زور و تهدید امضا بگیرد. از این رو، این کار را در بروجرد، لرستان و گلپایگان به احمد امیر احمدی سپهد جلاله که در آن

موقع در خرم آباد و به اصطلاح امیر ناحیه غرب بود، سپرد. اما آیت الله صافی با او مخالفت کرد و نه تنها خود از امضا و تأیید رئیس جمهوری رضا خان سرباز زد بلکه علمای بزرگ دیگر همچون آیت الله آقا شیخ محمد سعید و حاج میرزا محمد باقر امامی را نیز به مخالفت برانگیخت که مخالفت آن دو موجب مشکلاتی برای آنان و هجرت آقا شیخ محمد سعید به اصفهان شد. بعد از اینکه پهلوی با زور اجنبی بر این کشور مسلط شد، آیت الله صافی همیشه او را يك عامل انگلیس می دانست و بر آن دلایلی اقامه می کرد. وقتی رضا خان به ظاهر امتیاز نفت داری را لغو کرد رئیس شهربانی گلپایگان که از مذاق ایشان مطلع بود و می دانست که ایشان آن همه هیاهو و سر و صداها را که درباره رضا خان سر داده اند خلاف واقع می داند و او را نه فقط منجی ایران نمی داند که نورك انگلیس می شمارد، نزد ایشان آمد و با ارائه روزنامه ها و اینکه شاه چگونه قرار داد محکمی را که قاجاریه بسته اند لغو کرده است و شخصیت‌های مختلف همه به او تبریک گفته اند خواهان آن شد که در آن موضوع برای شاه تلگرافی

صفحه ۲۱۸

بفرستند، وی در جواب سکوت کرد.

رئیس شهربانی گفت: مثل اینکه در این هم تردید دارید.

آن فقیه هوشیار جواب داده بود: در آنچه که نوشته اند عمل شده است، تردیدی ندارم.

رئیس شهربانی گفته بود: پس دیگر در گفتن تبریک چه مسامحه ای دارید؟

وی در جواب گفت: من هر چه می اندیشم، نمی توانم بپذیرم که رضا خانی که خودش

نوکر انگلیس می باشد و به زور و دسیسه آنها به سلطنت رسیده است، بدون اذن آنان و در

مخالفت با آنان چنین اقدامی بکند!

رئیس شهربانی گفت: پس می فرمایید حقیقت چیست؟

وي فرمود : بعدها معلوم مي شود .

بعد در جريان دعوهاي مصنوعي حكومت ايران و انگليس و ارجاع داوري لاهه و رفتن هيئتي به رياست علي اكبر داور به آنجا و تجديد قرار داد معلوم شد كه علت آن اقدام به ظاهر جسورانه رضا خان اين بود كه به پايان امتياز دارسي ۳ سال بيشتر باقي نمانده بود، و مي بايست در پايان مدت شركت دارسي تمام تاسيسات شركت را در اختيار ايران بگذارد. و ايران به طور مستقل با امكانات فراهم شده نفت را اداره كند. براي جلوگيري اين وضع، اين صحنه سازي را كردند و قرار داد را براي مدت طولاني ديگر تمديد كردند. سپس در جريان ملي شدن نفت، يكي از ادله ايران همين بود كه مجلس قلبي و فرمايش آن زمان، مجلس مردم نبود و لذا آن قرار داد هر چند به تصويب مجلس رسيد اما بي ارزش است .

صفحه ۲۱۹

مبارزه با رژيم پهلوي

ايشان با توجه به سياستهاي استعمالي و اطلاعات تاريخي وسيعي كه از اوضاع سياسي جوامع اسلامي داشت، همواره مردم را از دسايس بيگانگان و تفرقه افكنيهاي آنان در بين مسلمانان و الگوسازيهايش در مناطقي مانند تركيه به نام مصطفي كمال آتاتورك و در ايران به نام رضا خان بر حذر مي داشت، كه گول ايناه را و همچنين متجدد مآبها و اروپا رفته هاي غريزه را نخورند. ايشان در ضمن اشعار بسيار، از اين اوضاع بويژه از انگليسيها شكايت كرده است. مثل اين شعر:

اي خدايا مسلمين را سيد و سالار كو	انگليسي در جهان افكنده دام مكر و فن
نوح كشتيان در اين دريائي محنت بار	بحر پر موج و بلا در اوج و كشتي در
كو	خطر
مهدي صاحب زمان و تيغ آتشبار كو	صفحه روي زمين بگرفت دجال فتن

همچنين در ضمن قصيده اي بسيار طولاني كه اوضاع مسلمانان را تشریح کرده است
و حيت از تبليغاتي كه پيش از اقدام پهلوي به كشف حجاب و آن مظلّم بي حد و حصر براي
كشف حجاب، اختلاف زن و مرد و بر چیدن سنن اسلامي مي شد و غريزدگيهاي نويسندگان
مجلّات كه در آن عصر بود و افكار جوانان را مسموم مي ساخت، فرموده است:
خاك هر ذلت به سر اين خلق بي سر هست در بعض زنان شوري پيش كشف
كرده اند حجاب

صفحه ۲۲۰

روزي آيد زين شب مظلّم كه هر يك بي
بهره ور از وصل خود رندان ابتر كرده ند
عفاف
اشتباهي بوالعجب در خود مخمر كرده
اين جوانان وطن در معني حب الوطن
اند
گر چه ما را در حقيقت خوار و مضطر وضع دوران اروپايي كنون سر مشق
كرده اند ماست
ليك لفظ مسيو و مرسي مكرر كرده اند
علم و صنعت را نسازد كس از آنها
پيروي
تا اينكه خطاب به پهلوي يا ديگري مي گويد:
و ايكه زاول فطرت را بد مخمر كرده
اي كه داري آرزوي انخساف ماه شرع
اند
هر چه مي خواهي بگو و هر چه مي خواهي
كار فرمايان عالم كار ديگر كرده اند
بكن

صد هزاران چون تو را با خاک یکسر يك دو روزي گر مساعد گشت وقت ايمن
کرده اند میباشد

بستر از خاک ملکشه بهر سنجر کرده اين همان خانه است کاندرا آن به جاي عيش و
اند نوش

با وجود آن بزرگ مرد در گلپایگان، کار کشف حجاب در آن خطه پیشرفت نکرد و این از
تلگراف رئیس شهربانی گلپایگان به مرکز بر می آید. سر انجام، دوران پهلوي با آن همه مظالم
و ستمگریها طی شد، و همان طور که این مرد دل آگاه مکرر خبر می داد، آن ملعون به ذلتي
که عبرت همگان گردید گرفتار شد .

صفحه ۲۲۱

پس از فرار رضا خان محمد رضا به سلطنت رسید و دوران جدید استعماري با برنامه
هاي ضد ايراني، ضد انساني و خلاف شرع، شروع شد. جالب اینکه آيت الله صافي اين
روزگار را نیز پیش بيني مي کرده و در ضمن کتابي که به نظم و به نام کلمة الحق در تاريخ
دوران سپاه پهلوي سروده است، از ملت ايران مي خواهد تا هنگامي که اين شاه جديد جايي
و جاني نگرفته است، کنارش بگذارند و گرنه او نیز همان راه پدر را ادامه خواهد داد .

ولي آوخ که شد فرزند او شاه اگر چه رفت آن مردود گمراه
مثل باشد نزاید مار جز مار خواهد داشت جز ظلم و ستم کار

مبارزه با بهائیت

يکي از بزرگترين خدمات ديني ايشان، مبارزه با فرقه بهائيت بود. با اینکه آنان گلپایگان را
به جهاني مطمح نظر قرار داده بودند، و چندین مرتبه با کمک و تقويت مقامات دولتي نقشه
ها کشیدند و اشخاص و جمعيتهايي را با بودجه هاي کلان در حمايت ادارت دولتي به
گلپایگان فرستاد، و حتي شخصيت اسلامي گلپایگان در معرض خطر قرار گرفت (و این به

دلیل وجود میرزا ابوالفضل گلپایگانی مبلغ بزرگ بهائیت و صاحب کتب فوائد بود) با پایمردی و فداکاریهای ایشان در آن دوران اختناق، از آن مفسد جلوگیری شد. شرح این مبارزات، نیاز به تألیف رساله ای مستقل است تا هر چه بیشتر شخصیت ایشان بررسی شود. امر به معروف و نهی از منکر، دستگیری از ضعیفان و درماندگان آبادانی مساجد، اقامه مرتب نمازهای جماعت و تربیت مردمی صالح و شایسته و فرزندان دانشمند و شاگردانی ارجمند، از دیگر خدمات ارزنده ایشان بود.

صفحه ۲۲۲

ویژگیهای شخصی

آیت الله ملا محمد جواد صافی با سعه صدر و سماحت طبعش، فقیهی ادیب، عارف، مجاهد و نو اندیش بود. در نأ زمان که زنان کمتر سواد داشتند، همسر و دختران خویش را در کسب سواد و آشنایی با نگارش، مبانی دین، مباحث اسلامی و اخلاقی تشویق و ترغیب می کرد.

دارای ایشان به يك باغچه و زمین مختصری خلاصه می شد که خود نیز در آن کار می کرد و از آن امرار معاش می نمود و از محل سهم امام استاده نمی کرد. وی به غذایی ساده اکتفا می کرد و قناعت، زده و زندگی ساده و شیوه خود قرار داده بود و دانش و معنویت خویش را مظاهر مادی و زخارف دنیوی معامله نمی کرد. آیت الله صافی هماره در نهایت و ارستگی، کرم، قناعت، آزادمنشی، دانش دوستی، خوشرویی و فروتنی زیست و هرگز کسی از وی ناشکری ندید و در قضاوت، حق را ملاک قرار می داد اگر چه بر زیان نزدیکترین افراد به وی بود. آیت الله صافی دارای حافظه ای غریب بود و تمام «مجمع الفصحا»، «حبيب السیر»، «روضه الصفا» و «تاریخ اسلام و ایران» را می دانست و بر دقایق زبان و ادب پارسی و تازی تسلط کامل داشت. وی به اندازه ای از منکر، دوری می جست که اگر خطیبی بر بالایی منبر

حدیثی را به اشتباه می خواند، او از پایین مجلس سخت بر می آشفست و بر او اعتراض می کرد
و راه را بر تکرار خطا می بست .

صفحه ۲۲۳

قدرت ادبی

آیت الله صافی در شعر از شعرای متقدم و شیرین سخن نظیر مولوی، خاقانی، نظامی، سنایی، ناصر خسرو، انوری بویژه حافظ و سعدی متأثر بود، و بسیاری از اشعار این شاعران را تضمین کرد. طبع شعرش فوق العاده است و در هر نوع شعر از نوحه، مصیبت، غزل، غزل، مدح و قصیده سر آمد می نماید. در بسیاری از موارد فی البداهه شعر می گفت یا سخنانی مقفی و مسجع بیان می داشت .

اقتدار سخنوری این روحان بزرگوار چنان بود که بنان و بیان در ادای رسای آن کوتاه می نماید. توابع معنا در تعبیرات وی در مرح حضرت ولی عصر (عج) با الفاظ و تعبیراتی بیان و تفسیر می شود که مستلزم امعان و دقت نظر و توجه تمام به ژرفای معنا و عمق الفاظ در احتوای بر مضامین است. در این مورد، قصیده ذوقافیتین ایشان را درباره حضرت ولی عصر (عج) با مطلع ذیل بنگیرد:

تا زفیض باز یابد گوهر بار بار عید گشت و خواهیم از شاه فلك دربار بار

آراستگی الفاظ توأم با صنایع بدیعی، چیرگی او را در مبانی ادبی با زمینه های وافر ذهنی و تسلط کامل او را بر ادب فارسی و عربی آشکار می سازد. انواع ادات تشبیه و صنایع ادبی در بیان کیفیات طبیعت و هر چه در آن است به کار می گیرد تا با تصویر زیباییها به ذکر ممدوح پردازد و انسان را به شادمانی و بهره گرفتن از زندگانی دعوت کند. در این مورد به قصیده ایشان درباره امام زمان (عج) که به صنعت جمع و تفریق - یکی از مشکلترین صنایع

شعري - و با مطلع زیر آمده است، اشاره مي شود:

به نيكوترين شبي به روشنترين نهار
به فيروزتر زمان به زيباترين بهار

يكي چون صبح وصل يكي چون رخان يار يكي روح خرمي يكي جان آدمي

که هر يك از ابیات این قصیده ۴ قطعه مي باشد. شاعر هر قطعه شعر ول را تفریق کرده و صفتي از صفات يا تشبيهي از تشبيهات آن را در شعد بعد بيان کرده است .

وي به امامان هدايت (ع) سخت عشق مي ورزید و بانهايت درجه به حضرت ولي عصر (عج) اعتقاد راستين و ارادت کامل داشت و در دفاع از حريم حق و صاحبان حق، با فصاحت و بلاغتي كم نظير داد سخن مي داد. آيت الله صافي اگر چه شاعري چيره دست و واقف به سبكهاي مختلف شعري و قالبهاي آن بود و با اشعار بسياري از انس داشت، اما آنچه زمينه گرايش او را به شعر ترغيب مي كرد و باعث سرودن هزاران شعر در محر اهل بيت شد، زمينه هاي اعتقادي وي بود که از جمله وجه مميز او با شعراي ديگر، مورد مطالعه است .

از ويژگيهاي ديگر او که نشان مي دهد در خلق آثار مختلف، سبك خاصي داشته و مطالعات خود را نظم مي داده است، شيوه تأليف و تبويت آثارش مي باشد، وي از حافظه بسيار قوي برخوردار بود بسيار مطالعه داشت، خوشنويس و خط شناس ماهري بود و بر منابع مختلف تاريخي، فقهی سیره و کلام معصومان (ع) و علم جفر احاطه کامل داشت .

تألیفات

از آن مرد بزرگ تألیفات گوناگوني در فقه، اصول، حديث، اخلاق، تاريخ و ادبيات به جاي مانده است که به برخي از آنها اشاره مي شود:

- ۱ رساله هاي متعدد فقهی و اصولي، شامل موضوعات : خيار غبن، اجاره، منجزات

مريض، تعارض احكام ظاهريه و واقعيه، تعارض اصولي و قواعد فقهي، تعادل و تراحيح، اجزاء ظن مطلق، شبهه تحريمي، شبهه محصوره و تسامح در ادله سنن .

« - ۲ اصول فقه منظوم» در بيش از ۲۰۰۰ شعر عربي^(۶)

« - ۳ مصباح الفلاح» و «مفتاح النجاح» (۲ جلد: ^(۷)) (اين كتاب دو بار و از جمله در سال ۱۳۷۴ ه' ق به چاپ رسيده و يکي از بهترين کتابها در معارف مواعظ، عقايد و اخلاق است. مؤلف در اين کتاب آيات قرآن، روايات صحيح و ادب پارسي را به هم آميخته و مجموعه اي ساخته که اهل تفسير، حديث، تاريخ و شعري توانند از آن بهره ور شوند. اگر تنها اشعار منتخب شعراي معروف را در زمينه مباحث فوق - صرف نظر از اشعار مؤلف و اشعار عربي - از ديد بگذرانيم، مي بينيم که از لحاظ ادبيات فارسي بسيار گرانبهاست. آيت الله سيد صدر الدين صدر فرموده بود: من يك ماه رمضان در مشهد مقدس از روي اين كتاب منبر رفتم و مردمان را موعظه کردم. مؤلف را بر من حقي است که هرگز فراموشش نمي کنم .

« - ۴ گنجينه گهر: ترجمه هزار سخنان پيامبر اکرم (ص) به نظم و نثر فارسي است که در

۱۳۲۶ منتشر شد .^(۸)

« - ۵ گنج عرفان: ترجمه هزار سخن از امير مؤمنان علي (ع) به نظم و نثر

صفحه ۲۲۶

فارسي است که در ۱۳۲۷ به چاپ رسيده است^(۹) .

« - ۶ گنج دانش، صد پند به فرزند برومند: ^(۱۰) اين کتاب دو مرتبه به طبع رسيده است .

« - ۷ اشعار شيوا در رد باب و بها: ^(۱۱) اين کتاب نيز به چاپ رسيده است .

« - ۸ صافي نامه و فيض ايزدي: ^(۱۲) پاسخ به پرسشهايي در مورد امام زمان (ع) است، که

در سال ۱۳۶۰ ه' ش منتشر شد .

« - ۹ التحف الجوادية في المناقب المهدوية .^(۱۳)

- ۱۰ کتبا منظوم مراثی پیامبر و ائمه اطهار (ع). (۱۴)
- ۱۱ دیوان اشعار در مدایح پیامبر و ائمه اطهار (ع) که اکثر آن در مدح امام مهدی (عج) است. (۱۵) این کتاب در برگیرنده ۱۵۰۰۰ بیت است که در دقت و باریک بینی، فصاحت، بلاغت، لطافت، ظرافت، خیال و معانی بیان ممتاز است.
- ۱۲ نفایس العرفان (۱۶)
- ۱۳ کلمة الحق، تاریخ منظوم دوران سیاه پهلوی (۱۷)، که به چاپ رسیده است.
- ۱۴ حاشیه بر رسائل شیخ انصاری (۱۸)
- ۱۵ البشارة المیلادیة (۱۹)

درگذشت

سرانجام آن بزرگمرد پس از ۹۱ سال زندگی پربرکت و سرشار از خدمات دینی و اجتماعی، در شب ۲۵ رجب ۱۳۷۸ هـ ق شب شهادت حضرت موسی بن جعفر (ع) بدرود حیات گفت. پیکر پاکش ابتدا با شکوه

صفحه ۲۲۷

فراوان و با شرکت تمام طبقات مردم گلپایگان و شهرهای اطراف، در زادگاهش تشییع و سپس به قم انتقال داده شد و آن در شهر مقدس نیز با حضور مراجع تقلید و علمای بزرگ حوزه و رحانیت معظم تشییع و پس از نماز حضرت آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره) بر پیکرش به امر ایشان در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در نزدیکی ضریح مطهر به خاک سپرده شد. جالب آنکه آیت الله بهجت می فرمودند:

«روزی آقای آخوند ملا محمد جواد صافی در مسجد بالاسر به من برخورد کرد و دست مرا گرفت و به سوی نقطه ای برد و فرمود: در آینده مرا در این قطعه زمین فراموش نکنید و این بعدها همان محل قبل او شد».

از سوي آن مرجع بزرگ نیز مراسمي در مسجد بالاسر تشكيل گرديد و سپس از سوي مراجع تقليد و مردم متدين در قم، تهران، نجف، اصفهان و گلپايگان تا چهلمين روز وفاتش مراسم بزرگداشت او بر پا بود، عاش سعيدا و مات سعيدا

فرزندان

ثمره ازدواج آن مرد بزرگ با صبيه محترمه آيت الله آخوند ملا محمد علي گلپايگاني - که معاصر همدوره و هم حجره مرحوم ميرزاي شيرازي بود - فرزندانى شد که برخي از آنان عبارتند از:

- آيت الله حاج شيخ علي صافي، نويسنده «ذخيرة العقبي في شرح العروة الوثقى (۳ جلد تا کنون) و کتابهاي ديگر

- آيت الله حاج شيخ لطف الله صافي، نويسنده «منتخب الاثر

صفحه ۲۲۸

في الامام الثاني عشر»، «نويد امن و امان»، «امامت و مهدويت»، «شهيد آگاه»، «پرتوي از عظمت حسين (ع)»، «رمضان در تاريخ»، «سفرنامه حج» و «فقه الحج (۳)» جلد)، «توضيح المسائل»، «هداية العباد»، «مناسك حج»، «ديوان اشعار» و دهها كتاب ديگر.

پي نوشت ها :

-
- ۱. المسلسلات في الاجازات، ج ۲ ص ۲۶۹ .
 - ۲. نقباء البشائر، ج ۱، ص ۳۳۱ .
 - ۳. همان .
 - ۴. رك: صافي نامه، مقدمه، ص ۸ .

۵ - این نمونه ها از زبان فرزندشان، حضرت آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی، بیان شده

است

- ۶ المسلسلات، ج ۲، ص ۲۷۰ .
- ۷ الذریعة، ج ۲۱، ص ۱۱۶ .
- ۸ همسان، ج ۱۸، ص ۲۴۷ .
- ۹ همسان، ج ۱۸، ص ۲۳۹ .
- ۱۰ همسان، ج ۱۸، ص ۲۳۷ .
- ۱۱ المسلسلات، ج ۲ ص ۲۷۰ .
- ۱۲ الذریعة، ج ۱۵، ص ۵ و ج ۱۶ ص ۴۰۶ .
- ۱۳ المسلسلات، ج ۲، ص ۲۷۰ ؛ گنجینه دانشمندان، ج ۶ ص ۴۲۱ .
- ۱۴ صافی نامیه، مقدمه ص ۱۴ .
- ۱۵ الذریعة، ج ۹، ص ۵۸۵ .
- ۱۶ المسلسلات، ج ۲ ص ۲۷۰ .
- ۱۷ همسان .
- ۱۸ همسان .

- ۱۹ همان .

مقدمه

اینک در این مقاله به گوشه ای از زندگی علمی و خدماتی دینی و اجتماعی آیه الله حاج سید صادق روحانی یکی از ستارگان درخشان حرم و سر سلسله خاندان روحانی اشارتی می رود .

ولادت

آیه الله حاج سید صادق قمی، در یکی از خاندان های محترم و متدین تجارت پیشه در سال ۱۲۵۵ ق، در قم زاده شد. او از اول کودکی به تحصیل علم علاقه بسیار داشت و پدر بزرگوارش حاج میرزا زین العابدین - که از اهل علم بود - ^(۱) نیز او را به فراگیری دانش تشویق کرد و تا هیجده سالگی در قم به فراگیری مقدمات اشتغال داشت .

تحصیلات

این فقیه بزرگ، پس از فراگیری ادبیات همراه با دوست و هم بحث مرحوم ملا غلامرضا قمی به اصفهان مهاجرت کرد و دو سال در آنجا اقامت گزید . سپس به تهران رفت و نزد حکیم معروف مرحم آقا علی مدرس زنوزی به تحصیل حکمت و فلسفه پرداخت ^(۲)

هجرت به نجف

معظم له در حدود سال ۱۲۷۹ ق، همراه دوست دانشمند آیه الله

ملا غلامرضا به نجف اشرف رهسپار شد و در محضر خاتم الفقهاء و المجتهدين مرحوم شيخ انصاري زانوي ادب به زمين زد و به دمت دو سال از بحث هاي وي بهره مند شد و كتاب «فرائد الاصول» را نيز در همان زمان تصحيح نمود .

پس از درگذشت شيخ اعظم (۱۲۸۱)، به درس فقه و اتصول آيات عظام: ميرزا محمد حسن شيرازي و ميرزا حبيب الله رشتي حاضر شد و از محضر آنان توشه هاي بسيار برگرفت^(۳) و با مهاجرت ميرزاي شيرازي به سامراء (۱۲۹۱ ق)، وي در نجف ماند و تنها از درسهاي ميرزا حبيب الله رشتي بهره برد. و در همان زمان بود كه ملكه استنباط و قوه اجتهادش، شكوفه گرديد و اين از تقريرات درس فقه استادش - كه آميخته با نظرات اوست - بر مي آيد^(۴) وي در آن هنگام در حوزه، به قدس و ورع و تقوي و صلاح و درستي مشهور شده بود .^(۵)

او پس از ۱۷ سال اقامت در نجف، سال ۱۲۹۶ ق، به همراه دوست و هم بحثش - ملا غلامرضا - به سامراء كوچيد و به دمت دو سال هم از محضر ميرزاي شيرازي استفاده برد و با مكتب فقهي سامراء و ميانبي اصولي آن، آشنا گرديد .

بازگشت به قم

معظم له، در سال ۱۲۹۸ ق، با هم بحث خويش، مرحوم آية الله ملا غلامرضا به زادگهش و مورد توجه عموم علما و مردم شهر واقع شد، به ويژه آن كه چند نفر از مراجع و مجتهدين شهر مانند: مرحوم آية الله حاج ملا صادق و مرحوم آية الله حاج سيد جواد قمي (م ۱۳۰۳ ق) ايشان را

آیت الله حاج سید مهدی روحانی می فرمود:
 آقای حاج سید جواد در آن زمان در قم ریاست تامه داشت و چون از مطالب شیخ انصاری
 چیز مهمی در دست نداشت و از طرفی حاج سید صادق به تازگی وارد قم شده بود و چندان
 موقعیتی نداشت، مرحوم حاج سید جواد با ایشان مباحثه خصوصی قرار داده و در حقیقت از
 او استفاده می کرد. آن مرحوم وصیت کرد که مُهرم را تحویل حاج سید صادق بدهید و نماز
 جنازه ام را هم ایشان بخواند^(۶)

هم ایشان _____ می فرمود:
 مرحوم والد و عمویم آقای حاج میرزا محمود گفتند: مرحوم آیت الله آقا سید علی قزوینی
 (صاحب حاشیه بر قوانین) قم آمده بود و با مرحوم حاج سید صادق مباحثه می کردند، در
 جاهایی که مربوط به مطالب شیخ انصاری نبود، مرحوم حاج سید علی برتری داشت و حاج
 سید صادق ایشا را به مطالب شیخ می کشانید و غلبه می کرد. مرحوم عمویم آقای حاج آقا
 احمد می گفتند: در این مجالس حاج آخوند - ملاغلامرضا قمی - هم بوده و طرف بحث
 نیز بوده اند، پس از آن مجلس یا مجالس، از مرحوم سید قزوینی پرسیدند: که این دو کدام
 بهترند؟

در پاسخ گفته بود: حاج سید صادق قوی تر است .

مرجعیت امور

مرحوم آیت الله حاج سید صادق، پس از وفات آیت الله حاج سید جواد قمی، یگانه
 مرجع مراجعات و فصل خصومات و رفع دعاوی بود.^(۷) تمام

صفحه ۲۳۴

عقود و اسناد به مهر و امضای او رسید و ذکاوت عجیبی در امر قضاوت حل و فصل
 منازعات از ایشا مشاهده می شد تا آنجا که بعضی، آنها را حمل بر کرامات کرده و حکایاتی

نقل نموده اند ^(۸) از جمله گفته اند: روزي پس از خواندن نماز صبح، در مسجد جنازه مقتولي را به صحن خانه ايشان مي آورند و از آقا تقاضاي دادرسي مي کنند .

مرحوم آقا پس از لحظاتي تأمل آقا! من قصد کشتن او را نداشتم، اما هر چه به او گفتم برو فلان کار را انجام بده. او گوش نکرد و من با عصبانیت تبر را به طرف او پرتاب کردم و به گیجگاه او اصابت کرد و مرد .

همگان از این تفرس و ذکاوت، بسیار تعجب کردند و آن را حمل بر کرامت نمودند، آن آقا خود فرمود: من در این مدت که به حاضرین نگاه مي کردم دیدم پدر مقتول خیلی مضطرب و رنگ پریده است و چشمانش حالت ترس دارد. لذا احتمال دادم قاتل همو باشد و این پیش بینی هم درست در آمد ^(۹)

از ویژگیهای دیگر ایشا، نظم و ترتیب در زندگی بود. وي با کثرت مراجعات در امور شرعي و عادي، باز وقت تدریس و مطالعات و عبادات شرکت در مجالس و تألیفاتش، هر يك به جاي خود محفوظ بود از هیچ کدام غفلت نمي کرد. دیگر از ویژگیهایش عشق به کار و حل مشکلات مردم بود. از کاري که وظیفه او بود هیچ وقت اظهار خستگی نمي کرد، چه بسا نیمه شب در سرما یا

صفحه ۲۳۵

گرما براي رفع حاجتي سراغ او مي آمدند، و او متغیر نمي شد . ^(۱۰)

از خصوصیات دیگر وي - که در میان اهالي قم در تواتر رسیده بود - ملاقاتش با حضرت ولي عصر (عج) بوده است وي، بسیار اوقات در نیمه های شب از منزلش - در محله «سلطان محمد شریف» در خیابان چهارمردان، به سمت مسجد امام زین العابدین - در چهارراه سجاده - بیرون مي رفت و در آنجا به عبادت مي پرداخت و بسیار اوقات هم مي شد که در آن مکان شریف، رهگذران شاهد نوري تابان و گفتگویش با شخص دیگر بودند .

آیت الله سید مهدی روحانی می فرمود: من از پدرم در مورد این قضایا و شهرت آنها پرسیدم. پدرم - که مرد روشنفکری بود و این گونه قضایا را به آسانی قبول نمی کرد فرود: من از جزئیات قضایا خبر ندارم، اما پدرم لیاقت و صلاحیت این قضایا را داشت و از مقام قدس و ورع او دور نیست.

شاگردان

در محضر آن فقیه فرزانه، شاگردانی چند پرورش یافتند که عبارتند از آیات عظام و حجج

اسلام^(۱۱)

- ۱- حاج شیخ حسن فاضل (م ۱۳۶۶ ق)
- ۲- حاج سید فخر الدین سیدی - نوه دختری مرحوم میرزای قمی - (م ۱۳۶۳).
- ۳- حاج شیخ محمد کبیر قمی ۱۲۹۰ - ۱۳۶۹ ق.
- ۴- آخوند ملا علی اکبر قمی
- ۵- شیخ ابوالقاسم صغیر (۱۳۵۲).

صفحه ۲۳۶

۶- حاج سید ابوالقاسم مرتضوی

و از میان این گروه، مرحوم حاج حسن فاضل از قم مهاجرت نکرد و اختصاص به شاگردی آن استاد عالیقدر پیدا کرد و به درجات عالیه فقاها و اجتهاد نائل آمد.^(۱۲)

تألیفات

از آنجا که ایشان به جز امامت جماعت و مرجعیت امور دینی مردم، متصدی امر قضاوت، و فصل دعاوی و رفع خصومات بود و لذا کمتر تألیفی از او به یادگار مانده است. اما همان نوشتجات اندک او، گواه روشنی بر فضل و فقاها او است. به گفته آیت الله سید مهدی روحانی وی مجلدی از مباحث عقلیه را نگاشته بود، که در جریان سیل معروف قم

(سال ۱۳۵۲ ق) از میان رفت، و نیز حدود هزار ورق - یا بیشتر - از مباحث مختلفه در فقه و اصول نگاشته است که متفرق می باشد و چون اوراق بسیاری از آنها مفقود شده، مرتب ساختن آنها غیر ممکن است. اما کتابی که هم اینک از او در دسترس است، «شرح کتاب الزکاة» شرایع (از آغار زکات تا اصناف مستحقین) می باشد، که نزد نوادگان وی است.

بنای مسجد مدرسه

سال ۱۳۱۱ ق بود که مرحوم آقای حاج سید صادق، شروع به ساختمان مسجد و مدرسه نزدیک خانه مسکونی اش نمود و بنیاد مسجد در سال ۱۳۱۳ ق تمام شد و به تدریج حجرات مدرسه نیز در سالیان بعد تکمیل گردید و اینک مورد استفاده، جمعی از طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم است.

صفحه ۲۳۷

(این مدرسه به خواست آیت الله سید صادق روحانی) در سال ۱۳۹۵ ق مورد بازسازی و تعمیرات اساسی قرار گرفت و امامت جماعت مسجد را سالیان بسیاری است آیت الله آقای حاج مهدی روحانی بر عهده دارد)

درگذشت

مرحوم آیت الله حاج سید صادق، پس از ۸۳ سال زندگی آکنده از خدمات دینی و اجتماعی در تاریخ پنجشنبه پنجم ماه ^(۱۳) ربیع الاول ۱۳۳۸ ق بدرود حیات گفت و پس از یک تشیع با شکوه، در سمت شمال مرقد میرزای قمی - در قبرستان شیخان کبیر - به خاک خفت.

در _____اده تاریخ وفات وی گفتند:

«قد ذهب نور الدجی

و اندك طود العلی»

۲- مرحوم آیت اله حاج میرزا ابوالحسن روحانی .

صفحه ۲۴۰

وی در سال ۱۳۰۹ ق به دنیا آمد و پس از تحصیل سطوح عالیّه در محضر آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در نجف اشرف به قم آمد و در درسهای آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری شرکت جست تا به مقام اجتهاد نائل آمد، وی پس از سالها اقامت در قم و خدمات دینی و اجتماعی، به نجف اشرف مهاجرت نمود و بعد از سالی چند، در ۶ ذیقعده الحرام ۱۳۸۲ ق بدرود حیات گفت و در مقام هود و صالح در قبرستان وادی السلام نجف به خاک سپرده شد، وی والد آیت الله حاج سید مهدی روحانی و حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سیدهای روحانی است .

۳- مرحوم آقای میرزا فخرالدین روحانی

او. در عنوان جوانی، در اوج فصل و کمال در ۱۰ شواک المکرم ۱۳۶۹ ق درگذشت و در صحن موزه حرم مطهر حضرت معصومه علیهم السلام به خاک سپرده شد .

۴- آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم روحانی

او در ۱۳۱۶ ق در خاندان فقاقت و تقوا زاده شد و پس از تکمیل سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات عظام، میرزا نائینی آقا ضیاء الدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهان بهره برد تا به مقام اجتهاد نائل آمد و به وطن خویش بازگشت و در مسجد امام حسن عسکری به اقامه جماعت و ترویج شعائر دینی پرداخت، وی در ۲۷ رمضان ۱۳۸۴ ق در گذشت و در قبرستان شیخان، به خاک آرمید^(۱۶) وی والد حضرات حجج السلام آقایان، حاج سید فضل الله و حاج سید محمد علی و حاج سید مهدی روحانی است .

۵- مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا احمد روحانی

وی در ۱۳ شوال ۱۳۲۲ ق به دنیا آمد و پس از وفات پدر، در محضر

آیات عظام سید محمد تقی خوانساری، میر سید علی یشربی کاشانی و مرحوم حاج شیخ حسن فاضل سطوح فقه و اصول را فرا گرفت، سپس در محضر آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری (در قم) و حضرات آیات میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی، و میرزا ابوالحسن مشکینی (در نجف اشرف) و آیت الله حاج آقا حسین قمی (در کربلا) مبانی فقهی و بنیه علمی خویش را استوار ساخت.

وی در این مدت برای تبلیغ دین، بارها به هندوستان سفر کرده و در ملازمت آیت الله قمی برای اعاده حجاب زنان، به ایران آمد و پس از موفقیت دینی ایران، به وطن خود باز آمد و در سال ۱۳۷۴ ق به اصرار گروهی از علما و مردم متدین تهران، امامت جماعت مسجد بنی هاشمی را بر عهده گرفت و به نشر احکام دین پرداخت. از تألیفات وی کتاب «سر السعادة» در فضیلت صلوات، و کفایة النحو، «تسلية المریض» و «خاطرات» است، وی در دوم صفر ۱۳۸۴ ق بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد^(۱۷)

دامادها

مرحوم آیت الله حاج سید صادق قمی، دارای دامادهای بزرگواری بود که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد علی شاه آبادی - قدس سره - استاد حضرت امام خمینی (۱۲۹۲ - ۱۳۶۳ ق)، صاحب «رشحات البحار»، «شذرات المعارف»، - «مفتاح السعادة»، «منازل السالکین»، «رساله عقل و جهل»، «حاشیه بر کفایه»، «نجات العباد»، «فصول»^(۱۸)

۲ - مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی حرم پناهی قمی (۱۳۱۹ - ۱۳۷۴ ق) قدس سره

(۱۹)

۳ - مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد قمی (۲۰)

۴ - مرحوم آیت الله حاج میرزا سید حسن برقعی قمی (۲۱)

۵ - مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد باقر جوادیان قمی (۲۲)

نوادگان

از آن فقیه بزرگ و فرزندان، نسلی صالح و عالم و متدین بر جای ماند که تاکنون چراغ علم و فضیلت را در حوزه علمیه قم روشن نگاهداشته اند، برخی از آنان عبارتند از:

۱ - مرحوم آقای حاج سید محمد روحانی (۱۳۳۸ - ۱۴۱۹ ق) صاحب «منتقی الاصول - ۷ ج»، «المرتضی الی الفقه الارقی» در زکات، صوم، خمس، حج، «حاشیه بر عروة»، «توضیح المسائل»، «منهاج الصالحین»، و «مناسک حج». (۲۳)

۲ - آیت الله حاج سید صادق روحانی (متولد ۱۳۴۲ ق) صاحب «زیده الاصول» شش جلد - «فقه الصادق» - ۲۷ جلد - «توضیح المسائل»، «المسائل المستحدثة»، «منهاج الفقهاء» ۴ ج - «شرح کفایه»، «حاشیه وسائل»، «اجتهاد و تقلید»، «فروع علم اجمالی»، «جبر و اختیار»، «ولایت فقیه»، «قواعد فقهیه»، «مناسک حج»، «حاشیه عوة». (۲۴)

۳ - آیت الله حاج سید مهدی روحانی (متولد: ۱۳۴۳ ق) صاحب «بحوث مع اهل السنه و السلفیه»، «الوتر ثلاث رکعات»، «احادیث العترة عن طریق اهل السنه»، «تاریخ فرق و مذاهب اسلامی»، «و فرقة السلفية و تطوراتها»، «تفسیر

صفحه ۲۴۳

سورة الفجر»، حاشیه بر تفسیر جوامع الحجاج، وی عضو مجلس خبرگان رهبری و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و از علمای مشهور حوزه است، و هم اینک در مسجد حاج

سید صادق، در هر سه وعده اقامه جماعت می نماید و بسیاری از مشکلات مردم را به سرپنجه تدبیر خویش می گشاید. (۲۵)

۴ - حضرات حجج اسلام، آقایان: مرحوم حاج سید فضل الله، حاج سید محمد علی^(۲۶) حاج سید مهدی، حاج سید هادی روحانی، از علمای محترم تهران.

۵ - آیت الله حاج شیخ محسن حرم پناهی (متولد: ۱۳۴۷ ق) صاحب «شرح وسیلة النجاة»، «شرح کفایة الاصول»، برخی از مجلدات «جامع احادیث الشیعة»،^(۲۷) وی عضو جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم و امام جماعت مسجد محمدیه - یکی از مساجد معروف قم - است.

۶ - مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج آقا مصطفی برقعی - امام جماعت مسجد محمدیه قم.

۷ - حضرات حجج اسلام آقایان: حاج آقا نصرالله شاه آبادی و حاج آقا نورالله شاه آبادی - فرزندان مرحوم آیت الله العظمی شاه آبادی - از علمای محترم تهران.

پی نوشت ها :

-
- ۱ - سر السعادة (مقدمه).
- ۲ - آیت الله سید مهدی روحانی می فرمود: این قطعه را از مرحوم عمویم آیت الله حاج میرزا محمود شنیدم و ایشان از والدشان نقل می کردند که من نزدیک چهار سال در حکمت و فلسفه زحمت کشیدم، ولی همه آنها از یادم رفته است.
- ۳ - نقباء البشیر ۲/۸۵۵۵.
- ۴ - مقدمه «سرالسعادة»، د.
- ۵ - نقباء البشیر ۲/۸۵۶.

- ۶ ایشان این مطلب را از عمویش (آیت الله حاج میرزا محمود) و پدرش (حاج میرزا ابوالحسن) نقل می نمود .
- ۷ مقدمه (سرالسعادة)، د نویسنده «رجال قم» می نویسد: حل و عقد امور جامعه و حکومت شرعی، به امضاء و حکم ایشان منوش شده است علاقمندان و مردم دانش دوست و حقیقت جووی را در بر گرفتند و به تکریم و تجلیل او کوشیدند .
- ۸ همان کتاب، ص «ه» . »
- ۹ به نقل از آیت الله سید مهدی روحانی .
- ۱۰ مقدمه سرالسعادة، ه .
- ۱۱ همان .
- ۱۲ همان، ص «و» . »
- ۱۳ هر چند روی قبرش، چهارم ربیع الاول نگاشته شده است، اما این تاریخ را آیت الله روحانی به نقل از والد خویش بیان نمود .
- ۱۴ گنجینه دانشمندان ۲/۳۳۸، رجال قم، ۱۵۶، آثار الحجة ۲/۷۲ - ۷۳ .
- ۱۵ آثار الحجة ۲/۳۶، گنجینه دانشمندان ۲/۳۳۶، رجال قم ۸۵ .
- ۱۶ گنجینه دانشمندان، ۲/۳۳۷، رجال قم ۸۷ .
- ۱۷ همان کتاب ۲/۳۳۹ رجال قم ۹۳، مقدمه «سرالسعادة» صفحات ز - ح .
- ۱۸ شرح بیشتر زندگی او را ببینید در: مجله نور علم، ش ۹، ص ۱۲۶، مجله پیام حوزه ش ۱۰، ص ۱۷۱، ۱۸۴ نقباء البشیر ۳/۱۳۷۰ .
- ۱۹ شرح زندگی او را ببینید، در گنجینه دانشمندان ۲/۲۳۳ - ۳۳۴، رجال قم، ۱۶۳ .
- ۲۰ وی عموم مرحوم حاج شیخ محمد تقی قمی، بنیانگذار «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» است .
- ۲۱ رجال قم، ۱۰۰ .

- ۲۲ همسان کتـاب، ۱۴۲ .
- ۲۳ گنجینه دانشمندان، ۲/۱۶۳ .
- ۲۴ همسان، ۲/۱۶۰ - ۱۶۲ .
- ۲۵ همان، ۲/۱۶۴، و مجله نور علم، ش ۲۹، (دي ۶۷)، ص ۱۶ - ۲۶ .
- ۲۶ همسان، ۲/۱۶۴ .
- ۲۷ همان، ۲/۱۳۴ .

مقدمه

عالم وارسته، عارف شیعی و زاهد پر سوز و گداز حضرت حجة الاسلام سید حسین فاطمی قمی از جمله آرمیدگان قبرستان با معنویت شیخان و از شاگردان عالم بزرگوار و مؤدب به اخلاق آیت الله حاج میرزا آقا ملک تبریزی می باشد، وی در شب تاسوعای حسینی یعنی شب نهم محرم الحرام سال در شهر مقدس قم به دنیا آمد.

نسب سیادت

وی از سادات فاطمی قم بودند که اجدادشان همه در قم ساکن و مورد احترام اهل قم بوده اند نسبت شریفش به موسی مبرقع فرزند جواد الائمه امام محمد تقی علیه السلام می رسد سلسله نسب ایشان طبق شجره نامه ای که به خط مرجع بزرگ نسابه زبردست آیت الله مرعشی نجفی تنظیم شده چنین است:

الحاج سید حسین الفاطمی الرضوی القمی ابن حجة الاسلام سید اسحاق طاب مضیجعه ابن المرحوم المبرور السید محمد ابن المرحوم السید علی خادم حرم الست فاطمة المعصومه علیهم السلام ابن السیت محمد بن السید علی بن السید ابو محمد بن الحسین بن هاشم بن اسماعیل بن محمد بن احمد بن محمد الرشید ابن موسی نظام الدین ابن عبدالله شرف الدین ابن الحسن نورالدین ابن ابیطالب بن محمد بن محمد الباقر ابن ابی القاسم ابن جعفر ابن کاظم ابن عزالدین حسین بن علی بن ابی المعالی محمد الرضا ابن ابی البرکات

موسي بن ابي المعالي اسماعيل بن ابي البركات محمد تقی ابن جعفر محمد الطاهرين احمد
بن ابي جعفر محمد النقیب بقم ابن ابي الحسن موسی النقیب بقم ابن احمد بن ابي

صفحه ۲۴۸

علي محمد الاعرج ابن احمد الكوفي ابن ابي جعفر موسی المبرقع ابن الامام الهمام
جواد آل الرسول سيدنا و مولينا ابي جعفر محمد التقی الجواد سلام الله عليه و علي آبائه و
ابنائه الميامين الطاهرين .

در باره سیادت آن بزرگوار دو حکایت نقل شده است که ما در اینجا یکی را ذکر می کنیم.
آن بزرگوار فرمودند: مرحوم حاج ملا حاجی که از اخیار و زهاد تهران و مورد عنایت عموم
اقشار مردم در صحت عمل بود وی پدر حجة الاسلام آقای حاج شیخ عباس حائری تهرانی و
جد پدری حاج آقا مهدی حائری بودند. خانواده ما با خانواده ایشان رفت و آمد داشتند. فرزند
بزرگشان به نام حاج شیخ احمد که غالباً حجره پدرش را در بازار اداره می کرد با رجال و اعیان
بیشتر تماس داشتند، نقل کردند روزی در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار درب حجره
نشسته بودم دکتر فیلسوف الدوله که با من بسیار دوستی داشت با اوقات تلخ و چهره گرفته
وارد شده گفت. حاج شیخ احمد می آیی برویم قم؟ گفتم قم برای چه؟ گفت دختر شاه را می
برند برای پسر امیر همدانی، در این سن پیری به من هم امر شده تا قم در رکاب عروس باشم
فعلاً من در کالسکه تنها هستم. بیا برویم، من مهیا شدم و در خدمت ایشان به قم آمدم
همین که وارد شدیم بر خلاف معمول همیشه که به منزل حاج آقا سید اسحاق فاطمی وارد
می شدیم چون مهمان فیلسوف الدوله بودم در خیابان حضرتی منزل کردیم و می دانستیم که
حاج سید اسحاق شبهای جمعه روضه دارند اتفاقاً آن شب، شب جمعه بود رفتم خدمتشان
تعجب کردند و فرمودند: حاج شیخ احمد کجا بودی؟ کی آمدی؟ چرا اینجا نیامدی؟ من نیز

قضیه همراهی با دکتر را به عرضشان رساندم چون اسم دکتر را شنیدند فرمودند: حاج شیخ احمد ما یک خانم مریض داریم که از معالجه طبای اینجا مأیوس

صفحه ۲۴۹

شدیم ممکن است ایشان را بیاورید تا عیادتی از مریض ما بکند، این خانم مریض دختری بود به نام ربابه خانم که خواهر حاج آقا حسین فاطمی بودند و در همان مریضی سخت فوت شد.

حاج شیخ احمد با اطمینان می گوید بله ایشان را می آورم اما چون این مطلب را به دکتر اظهار می دارد ایشان با برافروختگی می گویند؟ مگر من برای معالجه و عیادت به قم آمده ام. حاج شیخ احمد نیز برای اطمینانی که به حاج سید اسحاق داده بودند بسیار متأثر می شوند به طوری که شام نمی خورند و علی رغم اصرار دکتر با اظهار بی میلی بدون صرف شام به خواب می روند. دکتر نیز شام خورده و خوابیدند.

پس از مدتی که از شب گذشته بود برخاستم دیدم فیلسوف الدوله لا اله الا الله گویان در حیاط قدم می زند. بعد آمد بالای سر من و مرا صدا زد و گفت: حاج شیخ احمد منزل این آقا که گفتمی کجاست؟ گفتم: نمی دانم گفت: برخیز برویم منزل این آقا، گفتم نصف شب درب منزل مردم رفتن صحیح نیست، گفت: فایده ندارد نوکرش را بیدار کرد چراغ را روشن کرد و به اتفاق به طرف منزل آقا روانه شدیم.

در بین راه از ایشان سؤال کردم با آن تشدد و امتناع چه شد که این موقع شب درب منزل مردم را بزنیم؟ گفت: چون خوابیدم در عالم خواب دیدم از دارلشفاء و مدرسه فیضیه داخل صحن قدیم حضرت معصومه شدم تا به حرم مشرف شوم. شخص محترمی لب ایوان طلا ایستاده از من سؤال کرد کجا می روی؟ گفتم: زیارت دختر موسی بن جعفر علیهم السلام

گريبان من را گرفت و گفت مگر آن دختر موسي بن جعفر نبود كه به عيادتش نرفتي؟! او بعد
من را به شدت وسط صحن انداخت و ناگهان از وحشت از خواب بيدار شدم.^(۱)

صفحه ۲۵۰

حكايت پدر

مرحوم حاج سيد اسحاق فاطمي رضوي قمي از مردان نيك سيرت و وارسته از دنيا بود.
وي از خواص شاگردان شيخ انصاري الي الله مقامه و به ايشان بسيار نزديك بود. حاج سيد
اسحاق از عنايت هايي كه خداوند به ايشان داشته، حكايتها نقل كرده است و نيز داستانهاي
مفيد و روشنفكري از حالات استادش شيخ مرتضي انصاري نقل كرده كه ما در اینجا به
اندكي بسنده مي كنيم.

در گذشته چنين بود كه موقع تشرف مؤمنين به زيارت و آستا بوسي امام معصوم عليه
السلام حيوان داران كه مركب مسافرتي داشتند، حيوان هاي خود را در شهر مي گردانند و
چاووش خواني مي كردند و در سر چهار راه ها و مراكز شلوغ به مردم قيمت مركب و روز
حركت را اعلان مي كردند اين كار شور هيجان عجيبی را در مردم و خانواده ها ايجاد مي كرد
به طوري كه از شوق تشرف و زيارت ائمه صدي گريه از خانه ها بلند مي شد و حتي بعضي
زنها مهرشان را به شوهرهايشان مي بخشيدند تا آنها را به زيارت امامان معصوم ببرند.

آقا سيد اسحاق فاطمي نقل مي كند روزي مركب در شهر مي گردانند و چاووش مي
خوانند چون به نزديكي منزل ما رسيد مادر مخ گريه كنان گفت: آقا سيد اسحاق من را كربلا
نمي بري؟ گفتم: مادر مي داني كه توان مالي ندارم. اگر حضرت پول برساند مضايقه نمي
كنم. از اين حكايت سه روز گذشت يك روز بعد از نماز صبح به ديدن يكي از آقايان تهراني
كه تازه همسايه ما شده بود. در آن خانه بودم كه خادم آمد و گفت يك درويشي كه تن پوش
چنداني

ندارد با يك نفر و دورس اسب شما را مي خواهد .

اين شخص درویش بود به نام کریمي لختي که غالبا در کوه بي بي شهر بانو در نزديکي حضرت عبدالعظيم عليه السلام منزل داشت. در اواخر عمرش به عتبات عاليات رفت و همانجا از دنيا رفت. وي در تابستان و زمستان لباس چندانى نداشت، وقتي از دنيا رفت بسياري از خانواده هاي آبرومند فقير فهميدند آنکه شبها در خانه آنها پول و غذا مي برده، او بوده است. بنده خود او را ديده بودم .

از نزد آن تاجر بيرون آمدم ديدم کریم درویش به طرف ما مي آيد سلام کرد . جواب گفتم. گفت: ميهماں مي خواهيد؟ گفتم: بسم الله سؤال کرد جاي حيوان هم داريد؟ به نوکر گفتم حيوان ها را در طويله ببر. آمد در اطاق نشست و گفت :آقا من کریم درویشم در کوه بي بي شهر بانو بودم مولا به من فرمود برو سيد اسحاق قمي را بفرست کربلا .

برخاستم و پيش نائب السلطنه کامران ميرزا رفتم و قضيه را به او گفتم و به نوکرش گفتم خورجين را بياور، نوکر آورد و نايب السلطنه يك كيسه که در آن صد اشرفي دو توماني بود با يك اسب و يك طاقه شال ترمه داد. رفتم منزل مستوفي الممالك تمام قضايا را به مستوفي نیز گفتم او هم اين كيسه صد اشرفي با آن قاطر و اين جبه خز شال را داد. به مستوفي الممالك گفتم نوکرت را به همراهم بفرست. او هم فرستاد حالا شما به اين نوکر يك رسيد بدهيد، من نیز چنين کردم و او رفت و بعد همراه مادر وعده اي از بستگان با قافله اي بر کربلا رهسپار شدیم .

مرحوم سيد اسحاق فاطمي قمي از استاد فرزانه اش چند حکايت ارزشمند نقل کرده که علاوه بر اينکه مقام معنوي شيخ بزرگوار انصاري را آشکارتر مي کند از ارتباط و ارادت و نزديکي اين دو فرزانه عارف به همدیگر حکايت

می کند. آقا سید اسحاق نقل می کند: هنگامی که در نجف اشرف بودم شبی در عالم خواب دیدم مژده دادند که امام زمان عج ظهور کرده اند. با کمال شوق و شغف خدمتشان رسیدم دیدم حضرت سواره و شیخ انصاری پای رکاب ایستاده است و حضرت چیزی به ایشان می فرمایند چون چشم مبارك حضرت به بنده افتاد سه مرتبه فرمود واللّه شیخ مرتضی نائب ما است بعد به طرف من آمدند و فرمودند: آن آجر و کج را ببر فلان مسجد را تعمیر کن، از خواب بیدار شدم. موقع زیارتی حضرت سیدالشهداء فرا رسید به کربلا رفتم و پس از نماز صبح به خدمت شیخ انصاری رسیدم و جریان را نقل کردم ایشان گریه کردند و گفتند: حضرت نسبت به من چنین فرمود؟ گفتم بله فرمود نفهمیدی حضرت چه چیزی به من فرمود؟ گفتم خیر. پس سجده شکر کرد. (۲)

تحصیلات و استادان

حاج آقا حسین فاطمی پس از گذراندن دوران کودکی به تحصیل پرداخت و نردبان کمال و علم و ادب را به سرعت طی کرد و به مدارج عالی علمی رسید. اولین استاد او در این راه پدر بزرگوارش حاج سید اسحاق رضوی فاطمی قمی بود که از محضر شخی انصاری بهره مند بوده اند. از دیگر کسانی که حاج آقا حسین فاطمی به محضرش راه یافته مرحوم ایت الله سید محمد تقی فاطمی عموی ایشان می باشد. پس از گذشت چندین سال مرحوم قدوة الخائفین و شیخ السالکین حاج میرزا جواد آقا ملک‌ی تبریزی به قم تشریف آوردند، این افتخار برای حوزه پربرکت قم و فضایی برخاسته از آن بسیار مغتنم بود، علاقمندانی که در این فرصت ارزشمند بهره شایان توجهی بردند و حاج آقا حسین از این خیل فرزندان ادب آموخته است.

وي به راستي از محضر پرفیض حاج میرزا جواد ملکی بهره ها برد و این استاد به خصوص در تعیین مسیر زندگی ایشان هم بسزائی داشت و شعاع وجودی که مرد شریف را گسترش داده چهره ای ملکوتی و جذاب داشت و جلسات اخلاقی وی از فروغی خدایی برخوردار بود. در آن زمان یکی از جلسات با حالی که طلاب جوان و نیکو سیرت قم از آن بهره می بردند، منبر وعظ اخلاقی وی بود.

حضرت استاد حسن زاده آملی از دیدار خویش با آن فرزانه عارف چنین یاد می کند. چون خدمتش رسیدم دیدم پیرمردی است در حدود صد سال و از کار افتاده بود، پس از ادای آداب ورود از مرحوم آقا میرزا جواد آقا سخن به میان آوردم، تشویق کردند و فرمودند: «آقا کسی که در این اوضاع از من در این گوشه خبر بگیرد و دنبال احوال و آداب اقا میرزا جواد آقا ملکی (رحمة الله علیه) باشد معلم است که در او چیزی است».

عرض کردم از مرحوم آقای ملکی دستورالعلمی به ما مرحمت فرماید گفت: او خودش دستور العمل بود، شب که می شد دیوانه می شد و در صحن خانه دیوان وار قدم می زد و زبانش به این شعر مترنم بود که:

جز تو نیابند در اعضاي من گر بشکافند سراپاي من

آخرین حرفش این بود که گفت: الله اکبر و جان تسلیم حق کرد. آن جناب اجازه نمی فرمودند که از او عکس بگیرند و بعضی از دوستان و ارادتمندانش این نقشه را طرح کردند که در حال نماز از او عکس بگیرند که نتواند مانع شود و در حالی که از عکس گرفتن بی خبر بود از او در حال قنوت نماز عکس گرفتند.^(۳)

حضرت حجة الاسلام والمسلمین یعسوبی نیز یکی از کسانی است که

ارتباط زیادی با ایشان داشته است و درباره حالات آن سالک پرهیزگار نکات ارزشمندی بیان داشته اند که در اینجا می آوریم .

خدا رحمت کند حاج آقا حسین فاطمی را، ما با ایشان زیاد ارتباط داشتیم . خصوصی خدمتشان می رفتیم در حالی که زیر کرسی نشسته بودند موعظه می فرمودند . چهره اش به راستی ملکوتی بود. واقعا انسان نگاه به چهره این سید می کرد در انسان اثر می گذاشت. ایشان مرد معروفی بود و شب های جمعه دعای توسلی داشتند. اهل توسل و یکی از شاگردان خوب مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند. کتابی هم نوشته اند به نام «جامع الدرر» دارای نکات ارزشمندی است. حاج آقا حسین فاطمی شب های جمعه کتاب «منیة المرید» شهید ثانی را می بردند و سپس مداحی و روضه خوانی می شد. مجلس وعظ ایشان مجمع فضلاء و اهل کمال حوزه بود (۴)

استاد محمد علی مجاهدی که خود مجالس موعظه ایشان را دیده اند می فرمودند : ایشان خیلی پیر بودند و قادر نبودند به خوبی راه بروند زیر بغل ایشان را می گرفتند و روی منبر کوچکی می نشاندند و حضرتش موعظه می فرمودند. خیلی به خودشان عتاب می کرد و گریه می کردند به خودشان می گفتند: وای بر من، خاک بر سر من و با دست بر سر و پیشانی خودشان می زدند و گریه می کردند واقعا مجلس منقلب می شد. سپس مداحی و روضه خوانی می شد . (۵)

صفحه ۲۵۵

شاگردان

محفل درس اخلاق حاج آقا حسین فاطمی شاگردان زیادی را از حوزه علمیه قم گرد می آورد. اکثر فضایی معاصر و زبندگان حوزه قم به درس اخلاق حاضر می شدند و از انفاص ملکوتی آن فرزانه عارف که به حق عطر دل انگیز استادش حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی را

در سال ۱۳۴۰ قمری در عید نوروز دژخیمان رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه حمل کردند و طلاب را دند و از بام مدرسه به زیر انداختند. عده ای را شهید و مجروح کرد و عده ای را نیز دستگیر کردند. در همان ایام بود که جرقه انقلاب زده شد. شروع حرکت حضرت امام و ایجاد جو رعب و وحشت در قم باعث شد که مسافرت ها به قم بسیار کم شود و عید آن سال قم بسیار خلوت شد.

یکی از کسانی که مرید حاج آقا حسین فاطمی بود و مسافرخانه داشت و از جو حاکم بر قم ضرر مالی دیده بود به خدمت حاج آقا حسین فاطمی آمد و از امام گلایه کرد که: کار آقا خمینی خوب نیست و ابراز ناراحتی کرده بود که تخت های من با شبی دویست تومان کرایه خالی مانده است. خلاصه حاج آقا حسین فاطمی نیز از گفته های ایشان متأثر شده بود و در سخنرانی شب جمعه در منبر از امام انتقاد تنیدی کرده و گفتند: معلوم نیست کار شما درست باشد؟ چه کار دارید به این مردم؟ چه کار دارید به این دولت؟

نزدیک محرم بود و حاج آقا حسین فاطمی به مشهد مقدس رفتند پس از بازگشت به قم عده ای از دوستان به خدمتش رفتند. ایشان فرمودند شب اول که وارد مشهد شدیم در خواب دیدم که حضرت رضا نشسته اند و طرف راست ایشان آقای خمینی نشسته و طرف دیگر هم من نشسته بودم حضرت امام رضا در عالم خواب رو کردند به من و به امام اشاره کردند و فرمودند: ((این مجاهد

صفحه ۲۵۷

فی سبیل الله)) و این جمله را دو سه بار تکرار کردند و ما از خواب بیدار شدیم. پس از آن رؤیای صادق حاج آقا حسین فاطمی در قم فرستادند منزل امام که به دیدارشان بیایند چون خودشان پیر بودند و نمی توانستند به خدمت ایشان بروند. حضرت امام نیز با حاج اقا مصطفی خمینی به منزل ایشان رفتند و ایشان خیلی به امام ابراز محبت کردند و از آن

روز به بعد یکی از پشتیبانان حضرت امام بودند و درباره حرکت امام تشویق و ترغیب می کردند. (۶)

تألیفات

از آن مرد پارسا تألیفات زیادی باقی نمانده است بلکه می توان گفت به راستی از فکر تألیف و پرداختن نوشته و اثر علمی فارغ بوده است آنچه از ایشان باقی است کتابی ارزشمند در دو جلد به نام (جامع الدرر) است که گوهرهای فراوانی شامل حکایت خوبان و کلمات نورانی اهل بیت عصمت و طهارت علیه السّلام را در خود جای داده است. این کتاب به همت برخی از ارادتمندان ایشان از میان یادداشتهایشان در زمان حیات آن بزرگ فراهم آمده و خود آن بزرگوار در تنظیم آن زحمت کشیده است.

در مقدمه این کتاب آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي نور صدور العارفين بانوار الكشف والشهودة وثبت اقدام السالكين في طريق الوصول الي المقصود، ووفق المطيعين لاقامة مرضاته من اطهارة الي الحدود، وزين لسان الشاكرين بالثناء علي الملك المعبود والصلوة والسلام

صفحه ۲۵۸

علي جامع الصفات المحمود ومحور ارادة الوجود وعلي اولاده وخلفائه معدن الكمال والجلود الي قيام يوم الورد.

و بعد شکر بیحد و ثناء خداوندی را سزا است که توفیق را شامل حال این فقیر سراپا تقصیر فرمود و توجه اجداد طاهرینم یاریم نمود، با حال ضعف و ناتوانی و همکاری بعضی از اخیار و احباء دینی، جلد اول کتاب جامع الدرر، از طبع خارج و در دسترس اخوان ایمانی گذاشته شد و مجدد؟ شکر گزارم که نعمت حیات برایم باقی ماند، بلکه موفق شوم متفرقاتی

را که به خواهش و تقاضای بعضی از دوستان جمع آوری نموده و به عنوان جلد دوم طبع و بان
ضمیمه شود امیدوارم این موفقیت نصیب شده و یادگاری از این ناچیز بماند .

که هستی را نمی بینم بقائی غرض نقشی است کز ما باز ماند
ضمناً از مطالعه کنندگان و ناظرین، تمنا دارم نواقص و معایبی که در این مجموعه به
نظرشان می رسد غمض عین فرموده و بر این شکسته از کار افتاده، خورده نگیرند و از دعای
خیر فراموشم نفرمایند

عجب مدار که چون حال من پریشان است در این کتاب پریشان بینی از ترتیب
و چون اغلب مطالب این کتاب، از لسان، اهل بیت طهارت علیهم السلام اخذ شده، لذا
تیمنا مصدر نمدم به ذکر

صفحه ۲۵۹

مختصری از فضائل و مناقب ابی الائمه و سراج الائمه ابی الحسنین علی بن ابیطالب و
مقدمه برای اداء وظیفه، به برادران عزیزم عرضه می دارم که برای علاقه و محبت به خودتان
گوش به عرایض این پیر سالخورده گناهکار بدهید و فکر کنید خدا به ما نعمت و جوه
بخشیده، در حالی که در سابق از ما نام و نشانی نبوده چنانچه اول سوره مبارکه هل اتی آن
اشاره فرموده انهم از نطفه پست نجس که دارای شعور و ادراک نبده، به ما گوش شنوا و چشم
بینا و دل حافظ مرحمت فرموده: «و الله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شینا و
جعل لکم السمع و الابصار و الافئده لعلکم تشکرون»^(۷)

و بدیهی است این چشم و گوش و دلی که به انسان ارزانی داشته، غیز از چشم و گوش
است که به سایر مخلوقات داده چرا که انسان می تواند به وسیله آن سیر در عوالم خلقت
نموده و خالق و موجد خود را بشناسد و او را به یگانگی پرسش نماید، چنانچه امام هفتم علیه
السلام به هشام فرمود: ان الله علی الناس حجتین، حجة ظاهرة که وجو مقدس انبیاء می

باشند و خجة باطنه همان چشم و گوش باطنند و یا قوه عاقله انسانی که راهنمای بنده است به خودشناسی اولاً و خداشناسی ثانیاً. فرمودند: من عرف نفسه فقد عرف ربه بالنتیجه می فهمد که انسان عنصریست که تمام مخلوقات از جمادات و نباتات و حیوانات، بلکه نترس و بگو ملائکه، از

صفحه ۲۶۰

پرتو وجود انسان برای او خلق شده! تا بتواند در دار دنیا، بدون مشقت، دوران عمر خود را به سر برده و فکر خود را در میدان خداشناسی جولان دهد و بفهمد که چگونه ذات مقدسش هر يك از مخلوقات را به قدر حاجت، ادراك مرحمت فرموده و هر کدام را برای چه خلق نموده؟ و هر يك چه اثر و خاصیتی قرار داده؟ باید دانست که تفکر در هر موجودی، خود دفتری است از توحید .

هر ورقش دفتریست معرفت کردگار برگ درختان سبز در نظر هوشیار

چنانچه سیر در آیات قرآنی و اخبار اهل بیت وحی، نظیر فرمایش امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه ۲۶۶ نهج البلاغة در عجایب خلقت اصناف حیوان، کاملاً راه خداشناسی را برای انسان باز و مشق کمال انسانیت را تعلیم می نماید، و انسان در ضمن این سیر، بخواص موجودات جمادی و نباتی پی می برد که چگونه این خالق مهربان وسایل تعیش انسان را از انواع تغذیه و لباس های زمستانی و تابستانی و داروهای روحی و جسمی و خواب و استراحت، برای او در دنیا فراهم نموده و در اختیار و دسترس او قرار داده که در دنیا فراهم نموده و در اختیار و دسترس او قرار داده که در زندگی دنیا، هیچ گونه معطلی نداشته باشد و در این تجارتخانه به کسب سعادت ابدیه، عمر خود را به راحتی بگذرانند و فرموده: عبدي اطعني حتي اجعلك مثلي وجه خوش گفته سعدي:

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند الخ»

اکنون بیاری خالق مهربان و مساعدت جدم امیر المؤمنین (صلوات الله علیه و علی اولاده الطاهرین)، ابتدا میکنم به ذرک پاره ای از فضائل مولی الموالی امیر مؤمنان و با این شعر زبانم و قلبم مترنم است^(۸)

جز تو مرا نیست مدد یا علی از تو مدد می طلبم یا علی

شعر

عارف فاطمی علاوه بر دم مؤثر و پندآموز از قریحه شعری نیز برخوردار بود و گهگاهی ذوق و حال خویش را در غالب شعر نیز بیان نموده است .

متأسفانه نه آن بزرگوار در قید جمع آوری مکتوبات خویش داشتند و نه اطرافیان بیش از آنچه هست توفیق یافته اند، به هر حال ابعاد شعر او و اندیشه او نیز از این زاویه قابل تحقیق است و ممکن محصول مبارکی را به ارمغان گذارد ما در اینجا به یک شعر از ایشان که به همراه موعظه مختصر آمده است، نقل می کنیم:

ای برادر دل از ما سویی ببر یک جهت به سویی حق نما اینها از تو خواهی نخواهی جدا خواهند شد آن کسی که با تو است و در حال محتاج اوئی و از رفاقت و صالح با او چاره ای نداری، خداست حدیث قدسی لابد شنیده ای انا بدکم فرمود من بد شمایم چاره ای از من ندارید، در ورقات لابد خواهی دید حضرت صادق علیه السلام به یکی از تلامذه خود چه فرمود چه از من آموختی؟ عرض نمود هشت چیز فرمود بگو ببینم عرض کرد دیدم هر کس از محبوبش به مرگ

جدا مي شود اهتمام نمودم دوستي بگيرم از من جدا نشود. وقت مرگ قبر و برزخ با من
باشد و او عمل صالح است فرمود احسنت والله خوق فهميدي .

آخر فلکش ز دور چشم تو ربود	هر صورت دلکش که تو را روی نمود
با تست همیشه با تو هم خواهد بود	رو دل به کسی ده که در اطوار وجود
این چند شعر از خود این غافل است با قریحه خامده گفته ام بامیدی	
اصدق شعر قالبته العرب	گفت پیغمبر آن فخر عرب
غیر حق باطل بود بی اسم و نام	قول آن مردی لبیدش بود نام
مفلس و لا شیء با حق قائمند	کل شیء ما خلا الله باطلند
هستی او مدرک آید بی سبب	غیر او چیزی نبینی روز و شب
جملگی اعدام با هستی پدید	با وجود او سببها شد پدید
مینماید خویش در هر مه جبین	چشم بگشا جلوه حق را ببین
ده شفا از فضلت این چشمان کور	بارالها برطرف کن این غرور
جز تو گردد محو از انظارمان	جز تو در عالم نبیند چشمان
مواعظ	

از مرحوم آیت الله حاج آقا حسین فاطمی قمی اندرزها و نصیحت های دلکش و پر
فروغی آمده است اندیشه هایی که روزی با نورانیت خود شمع قلوب سحر خیزان نیمه شب
بوده است، ما گزیده ای سودمند و زیبا از آن را برگزیده ایم و به آستان خداجویان تقدیم می
کنیم .

من خصمان مرا از من راضي كن و احسان خود يكي از خصمان ما اطفال بي گناه ما هستند، هر گاه در مقام شكايه بر آيند و عرض كنند خدايا حكم كن بين ما و پدر و مادر ما، كه به ما غذاهاي حرام خورانيدند ما را بي پرده و بي حيا بار آوردند، از اينكه اسباب ساز و رقص براي ما، در خانه مهيا كردند و ما را فرستادند دنبال تحصيل علمي كه به درد ديانت ما نمي خورد، لذاست كه معصوم عليه السلام مي فرمايد «ويل لاطفال آخر الزمان من ابائهم» و اي به حال بچه هاي آخر الزمان از پدران آنها، عرض كردند پدران كافر آنها فرمودند نه بلكه پدران مسلمان آنها، دقت كنيد بالاتر مصيبت ما اين است كه فرزندانيكه براي رشد و پرورش آنها دقت كنيد بالاتر مصيبت ما اين است كه فرزاني كه براي رشد و پرورش آنها از همه چيز خود صرف نظر كرديم و دنيا و آخرت خود را فدائي آنها نموديم، فردا بزرگترين خصم ما همين فرزندان ما هستند، اگر خوب اندیشه كنيم خواهيم فهميد كه ما دنيا هم نداريم تا چه رسد به آخرت براي اينكه قانون مقدس پيغمبر محترم اسلام را زير پا گذاشتيم و قانون لامذهبي را بر آن ترجيح مي دهيم، بي جهت نبود كه صديقه كبري مادرم فاطمه زهرا در جواب زن هاي مهاجر و انصار كه پس از صدقات وارده به پاره تن پيغمبر، به عيادت او آمدند و سؤال مي كنند اي دختر پيغمبر (صلي الله عليه و آله و سلم) چگونه شب را بروز آوردي؟ شكايه از بي وفائي مردان آنها فرمود؛ زيرا مي دانست با آن كثرت آرائي كه حق ثابت پسر عمش را غصب كردند اين قانون بي عدالتي و حق كشي، براي هميشه تا ظهور فرزندش مهدي در ميان امتان پدرش حكيم فرماست، لذاست كه بزنها فرمود چرا علي را نخواستند به خدا از تيزي شمشير او و بيم و هراس نداشتن او از مرگ و پايمال نمودن شجاعان و صدمه حملات

صفحه ۲۶۵

او در معرکه هاي حرب و غضب او را در راه خدا ديده بودند كه به خاك مذلت مالیده باد دماغها جماعتي كه گمان مي كنند نيكوكارند و حال آنكه مفسد و بدكارند و لكن نمي دانند آيا

کسیکه دیگر آن را به سوي حق هدايت کند سزاوارتر است است که پيروي شود يا آن کس که خود راه هدايت نيافته. جز آن که ديگري او را به راه ندارد، چه شده است شما را به جان خودم سوگند امروز اين کردار شما آيستن است، پس صبر کنيد آن مقدار که زمان حل منقضي شود و هنگام نتايج فرا رسد، آن گاه بدوشيد به مقداريکه ظرفها بزرگ و عميق مملو از خون تازه شود، و زهر مهلك و کشنده در آن در آن وقت زيان کاران اهل ضلالت و بطالت را خواهند دانست، آنان که بعد از اين به عرصه وجود آيند عاقبت آن چه را پيشينيان تأسيس کردند، پس از آن با طيب خاطر از دنياي خود، دست طمع برداريد و با اطمينان دل آماده فتنه و بلا باشيد، مسرور و فرحناك شويد به مژده شمشير برنده و سطوت جابرین ظلم کننده، و هر جي عام و فرو گيرنده و غلبه استيلائي از ستم ستمکاران که باقي نگذارد از فيؤ و غنيمت شما مگر اندکي و بدروند جمع شما را و باقي نمانيد مگر قليلي، چه بسيار حسرت و ندامت که خواهيد خورد و چه خواهيد کرد و حال آن که از طريقه حقه کور نابينا گرديده ايد .

حال برادر نيك تأمل کن در امر دنيا و اهل آن، اکنون که راحتي موقت و خيالي را هم از دست ما گرفته ايد کسی که اهل آخرت باشد دلخوش است که در آن عالم راحت و لذت جاويد دارد، من و تو چه دلخوشي داشته باشمي که نه دنيا داريم و نه آخرت .
از جناب ابي ذر پرسيدند که «ماسلنا نکره الموت؟» چه شده ما را که از مرگ کراهت داريم؟ فرمود زيرا شما دنيا و آخرت را خراب کرديد، شخص

صفحه ۲۶۶

کراهت دارد از جاي اباد به محل خراب برود ما که هم دنيايمان خراب و هم آخرتمان، گدائي ارمني شده ايم چاره نيست اگر در پي چاره جوئي هستيم جز اين که توجه پيدا کنيم به آن کسی که از مادر بلکه از خود ما به ما مهربان تر است و الحاج و التماس نمائيم تا هر دو را اصلاح فرمايد که «من يتق الله يجعل له مخرج؟ و يرزقه من حيث لا يحتسب» علي عليه

السلام مي فرمايد: «و اعلموا انه من يتق الله يجعل له مخر؟ من الفتن و نورا من الظلم و يرزقه من حيث لا يحتسب،» تقوي سرمايه راحتي دو دنيا است سرمايه رزق از جائيكه گمان ندارد سرمايه بيرون آمدن از ظلمت به عالم نور است، بيا تجربه كن اگر به مقصد نرسيدي. اسباب كجي و بي ديانتتي همه وقت موجود است، دوباره برگرد، فرمود: من انقطع الي كفيته و ان دعاني اجبته و ان استكفاني كفيته؛ خالق من با تو وعده فرموده كسي كه از غير بريد و به من پيوند كرد او را كفايت كنمن و اگر از من بريد و به غير پيوند كرد او را واگذار به آن غير كنم، و اي به حال آن كسي كه خدا او را به غير واگذار نمايد «ان الله لا يخلف الميعاد» خداوند خلف وعده نمي كند امتحان خود را داده ما كور و كر هستيم مولي عليه السلام مي فرمايد حب الدنيا يعمي و يصم و يبكم و يذل الرقاب. يعني دنيا شخص را كور و كر و گنگ و گردنها را ذليل نموده .

اين است تأثير علاقه مندي به دنيا و گرنه خداوند بنده نواز و كريم چاره ساز از عبادات و حسنات ما بي نياز است و برگناه، بنده را به زودي نمي گيرد .^(۹)

همت بلند

مؤلف گويد: به برادران خود براي تذكر خدمتشان عرض مي كنم كه قيمت هر كس به قدر همت اوست اگر همت مرد دنيا است او را هيچ قيميت نيست، زيرا

صفحه ۲۶۷

كه لقب دنيا لا شي ء است و كسيرا كه همتش ناچيز باشد، قيمتش نيز مثل آن باشد و هر كه را همت عقبي است. قيمت او نعيم عقبي است، عارفي گويد حق تعالي دنيا را بيافريد و فرمود: بر قومي بياراستند و ندا در داد كه اين جاي بلاست و بهشت و آخرت را بياراست و فرمود: اين نشان عطا است آن گاه فرمود: هر دو گيتي از ان ما است بلي «الدنيا حرام علي اهل الاخرة و الاخرة حرام علي اهل الدنيا و هما حرامان علي اهل الله»^(۱۰)

توبه واجب فوري

برادران عزيز اگر شخصي ترياك بخورد بايد او را فوري بمریضخانه برساند که طیب به وسیله دواجات عملي نماید که سم را استفراغ کند و اگر از مریض مسموم قدری غفلت نمایند یا دیرتر برسانند او را به طیب، قطعاً تلف خواهد شد .

ای عزیزان نفس ها مسموم شده، زیرا از قلوب خالی از ایمان بیرون می آید و عموم مردم، خاصه جوانان را مسموم می کند بر شما باد بعدم معاشرت و مخالطه با امثال این مردم که ایمان و عقیده را فاسد می نماید .

حق سبحانه برای بندگان خود دو حجت قرار داده، حجت ظاهر که انبیا و رسل و ائمه طاهرین باشند که فرمایشات آنها را به گوش مبارکتان رساندیم در باب ریش تراشی و گرفتن شارب، و حجت باطن که عقل باشد جلالت و شرافت آن را نیز ذکر نمودم، حال اگر دارای ملکه عقل هستید که فرمودند عقل شرافت آن را نیز ذکر نمودم، حال اگر دارای ملکه عقل هستید که فرمودند عقل چیزی است که با او تمیز داده می شود بین قبیح و حسن ببینید عقلتان چه حکم می کند در این گفته ها، البته خطاب این ناچیز به آن دسته اشخاص می باشد که

صفحه ۲۶۸

ساختمان عالم و ساختمان خود را از دیگری می دانند او را بنائی ساخته و نقشه معماريست عالم و حکیم و قادر، می بیند تمام اجزاء و ساختمان مرد و زن از جهت مو یکيست ؛ در سراپای مرد، هر چه مو باشد در سراپای زن هم می باشد، الا صورت مرد که حسن او را در ریش قرار داده و حسن زن را در بی موئی و صافی قرار داده. اگر حب دنیا فکرتان را خراب ننموده و از بین نبرد که فرمود : مولی امیرالمؤمنین (ع) حب الدنيا یعمی و یصم و یبکم و یذل الرقاب، یعنی حب دنیا شخص را کور می گرداند و گردنها را ذلیل می

کند، با اندکی تأمل و تفکر خواهید یافت که این مخالفت و سرکشی یا از جهت آن است که خود را مستقل در این بناء و این بناء را از خود می دانید، یا از جهت عناد و لجاج با آن معمار از لیست که آن را ساخته، و یا شعور و ادراک خود را بهتر آن می دانید، خوب است مثالی ذکر شود اگر اول معما، رنقشه بکشد و بر طبق آن، خانه و ساختمانی بنا نماید شاگرد بنایی، تیشه بردارد. قطعه از بنا را خراب نماید آیا مورد غضب آن معمار نخواهد شد؟ ای جامعه که خود را بنده می دانید و آن معمار ازلی را رب خود می دانید، عالم و قادر و حکیم و شفیق و مهربان حتی از مادر به تو مهربان تر، بلکه خودت به تو مهربان تر است این چه جسارت و بی حیائی است؟ تیشه بر دست گرفته، این قطعه از بنا که حسن و عزت و وقار و زینت تو قرار داده، از بین ببری؟ این چه جنگی است با خالق خود؟ مردم جامعه از هر طبقه که باید این را مشاهده نمایند و زیر سبیل بگذارند برای نفع خسیس دنیا با آنها مداهنه نمایند کأن لم یکن شیئا بلکه برای نفع پست دنیا بر عزت و احترامشان بیافزایند. آیا فرمایش: الراضی الراضی بفعل المحسن؛ شریک فی احسانه و الراضی بفعل المسیء شریک فی اسائه را قبول ندارند؟ و مورد توجه در نزد موالیان نشان نمی دانند؟ نظر نما در عظمت

صفحه ۲۶۹

این گناه بزرگ، که امروز در نظر ما بی وقع شده و کار ما به جایی رسده که علمای ما و اخیار، دیگر این منکر بزرگ را کمتر نهی می کنند ولی علماء گذشته، چون مردم را علاقمند بدین می دیدند، این عمل را جدا نهی می نمودند، از جمله به ذکر یکی از آنها می پردازیم؛ عالم جلیل زاهد جناب آقای سید محمد علی، معروف به آقا مجتهد که نادره عصر خود بوده، و از تلامذه او شیخ الطائفه، علامه انصاری و سید صاحب «روضات» بوده و این سید جلیل بکاء و کثیر المناجات بوده، شبی از شب های ماه مبارک رمضان در حرم مطهر پشت سر مقدس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به خواندن دعای ابو حمزه شروع کرد در کلام

اول: الهي لا تؤدبني بعقوبتك گريه او را گرفت، و پیوسته این کلام را مکرر می کرد تا غش کرد او را از حرم مطهر بیرون آوردند .

روزي در مجلسي که بر پا شده بود براي اقامه عزاي حضرت سيد الشهداء (ارواحنا فداه) حاضر شد در آن مجلس، جماعتي از اعيان و اشراف بودند، ناگاه وارد شد آن مجلس، يکي از شاهزادگان که ريشش را تراشیده بود؛ سيد چون نظرش به صورت او افتا؛ فرمود: حلق اللحية من شعائر المجوس و صار من عمل اهل الخلاف .

تراشیدن ریش از شعار گبران بوده و حال عمل اهل خلاف است و این مرد ریش خود را تراشیده و آم ده است براي عزاداري سيد الشهداء عليه السلام و مي ترسم که هر گاه روضه خوان بالاي منبر رود و این مرد، در اینجا باشد، سقف فرود آید پس از آن مجلس برخاست و بیرون رفت، و حق هم همین است آن طور که بین ما رسم است که در مجالس، نوعا اهل معاصي خصوصا جوان هاي ریش تراش. براي پذيرائي، در مجالسي که مخلوط از زن و مرد

صفحه ۲۷۰

است خدمت مي کنند؛ و اسفا بر این اوضاع و احوال بر این خدمت ها ؛ درست مصداق آیه شریفه «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالا الذين صل سعيهم في الحیوة الدنيا و هم يحسبون انهم يحسبون صنعا»^(۱۱)

هستیم و اي بر ما (يوم تبلي السرائر) که این اعمال صالحه و حسنات خود را در کفه سیئات مشاهده مي کنیم، زیرا مجالسي که محل تردد و آمد و رفت ملائکه و حضور ائمه معصومین عليهم السلام مي باشد، باید به وسیله افراي پاکیزه و منزّه و ظاهر الصلاح و خوش سیرت، و بالأخره به بهترین وجهي که مورد رضاي خداوند تبارک و تعالي و حضرات ائمه هدي (سلام الله عليهم) است باید باشد .

و برای اینکه پس به عظمت این گونه محافل برده شود «رجوع شود به این قسمت از کتاب «کبریت احمر» مرحوم بیرجندی (رضوان الله تعالی علیه) که می فرماید: باید دانست که حضور در این مجالس؛ ثواب عظیم دارد، بلکه عناوین عدیده دارد که به هر کدام می شود قصد قربت کرد مثلاً مجالس مذاکره علم است، مجالس لقاء اخوان و زیارت ایشان است، مجالس کسب برادر صالح فی الله است، مجالس تعیت و سلام بر مؤمنین است، مجالس قضاء حاجت است، مجالس احسان بعباد است، مجالس زیارت علماء است، و مجالس نظر به صورت علماء و ذریه طاهره است، مجالس فضائل و مناقب آل الله است، و فضایح و مثالب اعداء الله است. و مجالس زیارت و سلام بر ائمه طاهرین است، و مجالس تعزیه است؛ و مجالس صله حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت زهرا علیهم السلام است، و مجالس اداء حقوق است؛ و مجالس دعا از برای برادران دینی است؛ مجالس احیاء ائمه است، مجالس احتراز از فسق و فجور و خلاصی از غیبت و تهمت و سایر معاصی است.

صفحه ۲۷۱

شاذان بن جبرئیل، در کتاب «فضائل» از امام السلمه روایت کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: جمع نمی شود جماعتی که ذکر کنند فضائل علی ابن ابی طالب را، مگر آنکه ملائکه نازل می شوند، و اطراف آن جماعت را می گیرند، تا آنکه متفرق شوند، آن گاه به آسمن عروج می کنند، پس ملائکه آسمان می گویند: از شما بوئی استشمام می کنیم که بهترین بوها است جواب می گویند: ما در نزد قومی نشستیم که ذکر می کردند، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت او را و از بوی آن ها معطر شدیم، ملائکه آسمان می گویند ما را ببرید تا ما نیز با ایشان بنشینیم، آن ملائکه می گویند آنها متفرق شدند و هر یک به منزل خود رفتند می گویند: ما را ببرید تا از آن مکان معطر شویم.

و مثل این را در منتخب طریحی در مجالس ذکر و مراثی اهل بیت آورده. مخفی نباد که بوی بهشت آن قدر معطر است که اگر حور العین از گیسوی خود؛ چیزی باین عالم بگشایند؛ اهل این عالم طاقت نیاورند، و از بوی خوش آن هلاک شوند اما بوی مجالس ذکر فضائل و مصائل اهل بیت بر آن غلبه دارد.

به تحفه بر، سوي فردوس و عود مجمر بگو به خادم جنت که خاک این
کن مجلس

و بعد می فرماید: در نهایت ادب و کمال؛ خضوع و خشوع بنشیند و خود را از محرومات و هزلیات، مثل نظر بنا محرم و عیب جوئی قاری و غضب کردن مکان مستمعین، تنگ کردن مکان برایشان، و خنده و غیر ذلك محافظت کند، بر خلاف مجالس زمان که مشتمل بر کثیری از محرمات است کما ذکر بعضها

این برادر ایمانی و ای منتظر ظهور موعود السرور آن نور الهی قضیه دجال

صفحه ۲۷۲

و آن نان و آب نغمات دل ربای آن دشمن و ربایرا شنیدی که هم را به صداهای دلفریب خود از طرف آن مصلح عالم و ذخیره خداوند یگانه می رباید، اکنون مایه و استعداد ایمان خود را تا وقت نگذشته ملاحظه نما تا آن روز را مشاهده نمودی، ای بیچاره تو که از این طریبهای بی ثبات که مشحون به جمیع آلام و اسقام است صرف نظر نکنی، چگونه امیدواری که آن روز تو ثابت بمانی؟ و از طرف ولی عصر عج نگردي بطرف آن آوازا که همه را از خود بی خود می نماید؟ نمی ماند مگر به قدر نمک طعام و سرمه چشم، حلاوة الدنيا و مرارة الاخرة حدیث معصوم را شنیدی که جمع بین دو شیرینی نمی شود و دو تلخی هم نمی شود و نیز شنیدی دنیا و آخرت ضربتان هر کدام از آن دو هوو را اراضی نمائی دیگری دلتنگ می شود.

در «سفينة البحار» در لغت غنا مرقوم فرموده اند در جلد اول «جامع الدرر» ذکر شد اینجا هم به مناسبت مقام تذکر داده می شود، شاید در قلوب قاسیه نرمی پیدا شود. عن عاصم بن حمید عن ابي عدالله عليه السلام في حديث قال قلت: جعلت فداك اني اردت ان اسئلك عن شيء استحيي منه قلب أفي الجنة غناء قال عليه السلام ان في الجنة شجرة يأمر الله رياحها فتضرب تلك الشجرة باصواب لم يسمع الخلائق بمثلها، ثم قال هذا عوض لمن ترك السماع في الدنيا من مخافة الله .

و في حديث النبوي ما من عبد دخل الجنة الا و يجلس عند رأسه و عند رجله ثنتان من الحور العين تغنيانه بأحسن صوت .

در تفسیر در ذیل آیه «في روضه يحبرون» در وصف تغنی و آواز در بهشت در خب است روزی رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) وصف بهشت را می فرمود مردی

صفحه ۲۷۳

برپا خاست عرض کرد یا رسول اله در بهشت آواز خوش هست؟ من آن را دوست دارم، فرمود. بخدائی که جانم در ید قدرت اوست که در بهشت درختی است که چون آوازه های خوش خود را دور داشتند، آن درخت به آواز درآید به تسبیح و تهلیل، چنان آوازی که خلائق مانند آن را نشنیده باشند .

در «اسرار الصلوة» مرحوم حاج میرزا جواد آقا (طاب ثراه) مرقوم است؛ در روایت مهمانی اهل بهشت خبری وارد شده که بعد از قرآن استدعای استماع مدت مدیدی بیهوش می شوند، بعد که به هوش می آیند استدعای زیارت جمال جمیل تعالی را می نمایند نوری تجلی می نماید که از تجلی آن نور بیهوش میافتند، احتمال صدق این فرمایشات کافی است که شخص عاقل را شوق آورد، و برای تحصیل آن ترك نماید، آنچه را منافی به رسیدن به این مقام است که فرمود سعد غیور است من که رسولم غیرتم از سعد زیادتر است و پروردگار من

از من غیرتش زیادت‌تر است و غیرت حق سبحانه فرمودند ترك فواحش است در این عالم، این مستبها و این حرکات منافی رضای اوست فواره چون بلند شود سرنگون مشود؛ رسوائی را که از حد گذراندي، غیرت او سبحانه در تلاطم آید، یا جزاء عالم امر (کن) می رسد فرو بر و بگير او را «فیکون» عقب او حاضر است .

رحلت

باري آن بزرگمرد عمري در خدمت به دين با پاكي و معنويت زیست و در ۲۷ شوال سال ۱۳۸۹ مطابق با ۱۶ دي ماه ۱۳۴۸ این سرای خاکی را بدرود

صفحه ۲۷۴

گفت و در جایگاه صدق و صفا نزد سلطان مقتدر هستي جاي گرفت و در قبرستان نوراني شیخان و محل قبور بسياري از اولياء خدا به خاک سپرده شد. اينك تربت آن سيد عارفان محل زیارت بزرگان و معرفت کیشان قم است. بر لوح قبر مبارکش چنین آمده است .

انما الدنيا فناء

قد ارتحل العالم الناسك العابد السالك العارف المتأله حجة الاسلام والمسلمين الحاج اقا حسين الفاطمي نجل افقه السعيد آيت الله الحاج سيد اسحاق الرضوي القمي قدس سرهما ليلة ۲۷ شوال ۱۳۸۹/۱۶ .

دي ماه ۱۳۴۸ - هي الدنيا يقول بلا فيها .

«بي نوشتها»

- ۱ جامع الدرر، حاج آقا حسين فاطمي قمي، ج ۱، مقدمه كتاب، با اندكي دخل و تصرف در عبارت

- ۲ جامع الدرر، ج ۲، ص ۴۰۰ - ۴۱۰

- ۳ در آسمان معرفت استاد حسن زاده، ص ۱۱۳ - ۱۱۴، چاپ اول .

- ۴ در مصاحبه با حجة الاسلام يعسوبي امام جمعه محترم ايلام .
- ۵ در گفتگو با استاد محمد علي مجاهدي در تاريخ ۲۶/۸/۱۳۷۴ .
- ۶ مصاحبه با حضرت حجة الاسلام والمسلمين يعسوبي امام جمعه محترم ايلام؛
يادداشتهاي آقا شيخ محمد تعميرکاري از ارادتمندان حاج آقا حسين فاطمي .
- ۷ سوره نحل آيه ۷۷ .
- ۸ جامع الدرر، حاج اقا حسين فاطمي قمي، ج ۲، ص ۶ - ۴، چاپخانه علميه قم .
- ۹ همگان .
- ۱۰ همگان .
- ۱۱ سوره كهف، آيه ۱۰۳ .